مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث

اکرم سادات دستقی

بسم الله الرحمن الرحیم

چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

اکرم السادات دهقانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵
چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث ۹
مشخصات کتاب ۹
اشاره ۹
فهرست مطالب ۱۱
دیباچه ۱۷
پیش گفتار ۲۰
فصل اول: مفهوم شناسی ۲۵
اشاره ۲۵
۱. واژه چادر و مترادف های آن ۲۵
الف) چادر ۲۵
ب) جلباب ۲۹
ج) ازار ۳۱
د) حبَرَه (حِبَرَه) ۳۲
ه) مِلْحَفَه ۳۲
و) عبائَه ۳۳
ز) رِداء ۳۳
ح) کساء ۳۳
۲. واژه مقنعه و مترادف های آن ۳۴
الف) مقنعه ۳۴
ب) خِمار ۳۵
ج) قِناع ۳۷
د) مِعجَر ۳۷
فصل دوم: دلایل پوشش بیشتر زن نسبت به مرد ۳۹

اشاره ---------- ۳۹
۱. حفظ عفت عمومی جامعه اسلامی ---------- ۴۰
الف) معراج از دامن عفیف ---------- ۴۰
ب) شور جنسی ---------- ۴۱
ج) میزان تحریک پذیری زن و مرد ---------- ۴۴
د) زن، مظهر جمال و زیبایی ---------- ۴۵
ه) سرکوب مطلق غریزه جنسی و نقد آن ---------- ۴۷
و) رها سازی مطلق و نقد آن ---------- ۴۹
ز) بهترین راهکار ---------- ۵۳
۲. حفاظت از امنیت زن ---------- ۵۷
اشاره ---------- ۵۷
الف) آمار ناامنی در کشورهای غربی ---------- ۵۸
ب) پیشنهاد اسلام ---------- ۶۰
۳. حفاظت از حقوق شخصی زن ---------- ۶۶
۴. حفظ ارزش و کرامت والای زن ---------- ۶۸
۵. حفظ حقوق الهی ---------- ۷۶
فصل سوم: مقنعه و روسری از منظر قرآن و احادیث ---------- ۸۰
اشاره ---------- ۸۰
۱. پیشینه حجاب در اسلام ---------- ۸۰
۲. پیشینه مقنعه از منظر قرآن و احادیث ---------- ۸۴
۳. کیفیت پوشش مقنعه ---------- ۸۹
۴. کارکرد مقنعه ---------- ۹۵
۵. رنگ مقنعه ---------- ۹۸
۶. اثر رنگ ها ---------- ۱۰۱
فصل چهارم: چادر از منظر قرآن و احادیث ---------- ۱۰۸
اشاره ---------- ۱۰۸

۱. اندازه چادر ---- ۱۰۹
اشاره ---- ۱۰۹
آیا «جلباب» همان «خمار» است؟ ---- ۱۱۰
۲. کیفیت پوشش چادر ---- ۱۱۵
۳. رنگ چادر ---- ۱۲۰
۴. کارکرد چادر ---- ۱۲۲
۵. دیدگاه فقیهان در مورد چادر ---- ۱۲۶
فصل پنجم: پاسخ برخی شبهه ها و پرسش ها ---- ۱۲۹
اشاره ---- ۱۲۹
پرسش نخست: آیا چادر منشأ دینی دارد؟ ---- ۱۳۳
پاسخ ---- ۱۳۴
پرسش دوم: آیا حکم چادر در زمان حاضر منتفی است؟ ---- ۱۳۷
پاسخ ---- ۱۳۷
پرسش سوم: آیا پوشیدن چادر، به علّت دست و پا گیر بودن آن، موجب منزوی شدن زنان... ---- ۱۳۸
پاسخ ---- ۱۳۸
پرسش چهارم: آیا پوشش چادر در اسلام اجباری است؟ ---- ۱۴۵
پاسخ ---- ۱۴۵
پرسش پنجم: از آنجا که گفته اند: «الإنسانُ حریصٌ علی ما مُنع... ---- ۱۴۸
پاسخ ---- ۱۴۹
پرسش ششم: آیا برای عفیف بودن باید چادری بود؟ ---- ۱۵۵
پاسخ ---- ۱۵۵
پرسش هفتم: آیا پوشیدن چادرمشکی، به دلیل مکروه شمرده شدن رنگ سیاه در روایات، کراهت ندارد؟ ---- ۱۵۹
پاسخ ---- ۱۵۹
پرسش هشتم: آیا پوشیدن چادر مشکی برای زنان ایجاد افسردگی نمی کند؟ ---- ۱۶۳
پاسخ ---- ۱۶۴
پرسش نهم: آیا پوشیدن چادر مشکی، به بیماری های پوستی و استخوانی می انجامد؟ ---- ۱۶۷

پاسخ ----- ۱۶۷

پرسش دهم: آیا چادر مشکی به دلیل اینکه نور را جذب می کند، ایجاد گرما می کند و... ----- ۱۶۸

پاسخ ----- ۱۶۸

سخن آخر ----- ۱۷۲

فصل ششم: رسانه و هنجارمندسازی پوشش ----- ۱۷۵

اشاره ----- ۱۷۵

پیشنهادهای کلّی ----- ۱۷۵

۱. شروع از درون ----- ۱۷۵

۲. توجه همه جانبه به عوامل ترک حجاب ----- ۱۷۶

۳. ایجاد و تقویت انگیزه ----- ۱۷۷

۴. مخاطب شناسی ----- ۱۷۷

پیشنهادهای برنامه ای ----- ۱۷۸

۱. برنامه کودکان ----- ۱۷۸

۲. برنامه نوجوانان و جوانان ----- ۱۸۰

۳. برنامه بزرگسالان ----- ۱۸۲

۴. نقد و ارزیابی برنامه های سیما ----- ۱۸۵

پرسش های مسابقه ای ----- ۱۹۱

پرسش های مردمی ----- ۱۹۲

پرسش های کارشناسی ----- ۱۹۳

معّرفی مراکز و نهادهای مرتبط با موضوع ----- ۱۹۴

کتاب نامه ----- ۱۹۵

درباره مرکز ----- ۲۰۶

چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه:دهقانی، اکرم سادات

عنوان و نام پدیدآور:چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث/ اکرم السادات دهقانی.

مشخصات نشر:قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری:[۴]، ۱۶۲ ص.

فروست:مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۸۶۳.

شابک:۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸۹۶۴۵۱۴۰۱۱۱ :

وضعیت فهرست نویسی:برون سپاری.

یادداشت:کتابنامه: ص. [۱۵۷] - ۱۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:حجاب

موضوع:حجاب -- جنبه های قرآنی

موضوع:حجاب -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع:حجاب -- احادیث

شناسه افزوده:صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره:BP۲۳۰/۱۷/د۹چ۲ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی:۲۹۷/۶۳۶

شماره کتابشناسی ملی:۱۸۴۷۴۱۰

ص: ۱

اشاره

چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث

کد: ۸۶۳

نویسنده: اکرم السادات دهقانی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: امیران

صحافی: منتظرالمهدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۰۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۰-۱۱-۰۱۴-۵۱۴-۹۶۴

فهرست مطالب

دیباچه ... ۹

پیش گفتار ... ۱۲

فصل اول: مفهوم شناسی ... ۱۷

۱. واژه چادر و مترادف های آن ... ۱۷

الف) چادر ... ۱۷

ب) جلباب ... ۲۱

ج) ازار ... ۲۳

د) حبَرَه (حِبَرَه) ... ۲۴

ه) مِلْحَفَه ... ۲۴

و) عبائَه ... ۲۵

ز) رِداء ... ۲۵

ح) کساء ... ۲۵

۲. واژه مقنعه و مترادف های آن ... ۲۶

الف) مقنعه ... ۲۶

ب) خِمار ... ۲۷

ج) قِناع ۲۹

د) مِعجَر ۲۹

فصل دوم: دلایل پوشش بیشتر زن نسبت به مرد ۳۱

۱. حفظ عفت عمومی جامعه اسلامی ۳۲

الف) معراج از دامن عفیف ۳۲

ب) شور جنسی ۳۳

ج) میزان تحریک پذیری زن و مرد ۳۶

د) زن، مظهر جمال و زیبایی ۳۷

ه) سرکوب مطلق غریزه جنسی و نقد آن ۳۹

و) رها سازی مطلق و نقد آن ۴۱

ز) بهترین راهکار ۴۵

۲. حفاظت از امنیت زن ۴۹

الف) آمار ناامنی در کشورهای غربی ۵۰

ب) پیشنهاد اسلام ۵۲

۳. حفاظت از حقوق شخصی زن ۵۸

۴. حفظ ارزش و کرامت والای زن ۶۰

۵. حفظ حقوق الهی ۶۸

فصل سوم: مقنعه و روسری از منظر قرآن و احادیث ۷۲

۱. پیشینه حجاب در اسلام... ۷۲

۲. پیشینه مقنعه از منظر قرآن و احادیث... ۷۶

۳. کیفیت پوشش مقنعه... ۸۱

۴. کارکرد مقنعه... ۸۷

۵. رنگ مقنعه... ۹۰

۶. اثر رنگ ها... ۹۳

الف) قرمز:... ۹۳

ب) زرد:... ۹۳

ج) نارنجی:... ۹۴

د) سبز:... ۹۴

ه) آبی:... ۹۴

و) بنفش:... ۹۴

ز) سفید:... ۹۵

فصل چهارم: چادر از منظر قرآن و احادیث... ۱۰۰

۱. اندازه چادر... ۱۰۱

آیا «جلباب» همان «خمار» است؟... ۱۰۲

۲. کیفیت پوشش چادر... ۱۰۷

۳. رنگ چادر... ۱۱۲

۴. کارکرد چادر.. ۱۱۴

۵. دیدگاه فقیهان در مورد چادر... ۱۱۸

فصل پنجم: پاسخ برخی شبهه ها و پرسش ها.. ۱۲۱

پرسش نخست: آیا چادر منشأ دینی دارد؟... ۱۲۵

پاسخ.. ۱۲۶

پرسش دوم: آیا حکم چادر در زمان حاضر منتفی است؟................................. ۱۲۹

پاسخ.. ۱۲۹

پرسش سوم: آیا پوشیدن چادر، به علّت دست و پا گیر بودن آن، موجب منزوی شدن زنان، تعطیل شدن فعّالیت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان و در نتیجه، تضییع نیروی نیمی از پیکرِ اجتماع نخواهد شد؟.. ۱۳۰

پرسش چهارم: آیا پوشش چادر در اسلام اجباری است؟ در این صورت، آیا این امر، سلبِ آزادی زن و به اسارت در آوردن او به شمار نمی آید؟ ۱۳۷

پاسخ.. ۱۳۷

پرسش پنجم: از آنجا که گفته اند: «.. ۱۴۰

پرسش ششم: آیا برای عفیف بودن باید چادری بود؟.................................... ۱۴۷

پاسخ.. ۱۴۷

پرسش هفتم: آیا پوشیدن چادرمشکی، به دلیل مکروه شمرده شدن رنگ سیاه در روایات، کراهت ندارد؟ ۱۵۱

پرسش هشتم: آیا پوشیدن چادر مشکی برای زنان ایجاد افسردگی نمی کند؟......... ۱۵۵

ص: ۱۵۵

پاسخ ۱۵۶

پرسش نهم: آیا پوشیدن چادر مشکی، به بیماری های پوستی و استخوانی می انجامد؟ ۱۵۹

پاسخ ۱۵۹

پرسش دهم: آیا چادر مشکی به دلیل اینکه نور را جذب می کند، ایجاد گرما می کند و سرانجام اینکه پوشیدن آن همراه با سختی خواهد بود، نباید مورد توصیه و تشویق قرار گیرد؟ ۱۶۰

پاسخ ۱۶۰

سخن آخر ۱۶۴

فصل ششم: رسانه و هنجارمندسازی پوشش ۱۶۷

پیشنهادهای کلّی ۱۶۷

۱. شروع از درون ۱۶۷

۲. توجه همه جانبه به عوامل ترک حجاب ۱۶۸

۳. ایجاد و تقویت انگیزه ۱۶۹

۴. مخاطب شناسی ۱۶۹

پیشنهادهای برنامه ای ۱۷۰

۱. برنامه کودکان ۱۷۰

۲. برنامه نوجوانان و جوانان ۱۷۲

۳. برنامه بزرگسالان ۱۷۴

۴. نقد و ارزیابی برنامه های سیما... ۱۷۷

پرسش های مسابقه ای... ۱۸۳

پرسش های مردمی... ۱۸۴

پرسش های کارشناسی... ۱۸۵

معّرفی مراکز و نهادهای مرتبط با موضوع.. ۱۸۶

کتاب نامه.. ۱۸۷

ص: ۸

دیباچه

لباس و پوشش یکی از نعمت ها و هدایای الهی است که با ویژگی های روحی و جسمی بشر هماهنگی دارد. ازاین رو، انسان به طور فطری به آن گرایش دارد. به گواهی تاریخ، از آغاز پیدایش انسان، زن و مرد کوشیده اند تا پوشش مناسبی برای خود تهیه کنند. آنها نخست با برگ درختان و سپس با پوست حیوانات و بعدها با دست بافته های خویش، خود را می پوشاندند. با پیشرفت صنعت و دست یافتن انسان به منابع و ابزار جدید، پوشش نیز با تغییرهای بسیاری تکامل یافت.

در میان پوشش ها، چادر و مقنعه به خاطر هم خوانی کامل با ارزش ها و الگوهای فرهنگی حاکم بر جامعه های اسلامی، بهتر می تواند به طبع زیباجویی بانوان در حوزه مصالح فردی و اجتماعی پاسخ دهد. چادر، برترین نمود حجاب اسلامی در عصر حاضر است که در سیره زنان برگزیده، به ویژه فاطمه زهرا علیهاالسلام ریشه دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، چادر را در شمار یکی از کالاهای ضروری برای جهیزیه دخترش زهرا علیهاالسلام قرار داد. در این میان، چادر سیاه، بهترین و سالم ترین پوشش زن مسلمان است که سراسر حجم بدن او را

می پوشاند و به او وقار و متانتی خاص می بخشد.

این پژوهش چگونگی پوشش، اندازه و رنگ مقنعه و چادر را از منظر آیات و روایات اسلامی بررسی می کند. ازاین رو، دستاوردهای این پژوهش با توجه به مستندات ارزشمند آن بسیار جالب توجه است. برخی از یافته های پژوهشی نشان از قدمت دیرینه چادر و مقنعه دارد، برخلاف تصور ابتدایی که آن را امری تازه می شمارند. همچنین پوشش بیشتر زن نسبت به مرد، بر حکمت های فراوان، دقیق و متناسب با جسم و روح زن استوار است. ناگفته نماند رنگ سیاه در چادر و مقنعه نیز مورد توجه پژوهشگر بوده و دستاوردهای پژوهشی وی حاکی است که تبادر ذهنی زنان عرب از واژه خِمار (مقنعه)، رنگ سیاه بوده، چنان که براساس شواهد لغوی و تفسیری، رنگ جلباب (چادر اسلامی) نیز رنگ سیاه بوده است. همچنین براساس ویژگی های روان شناختی، رنگ سیاه، سازگارترین رنگ با حکمت و فلسفه حجاب زن به شمار می آید.

در پایان، پس از بررسی این مسئله از دیدگاه آیات و احادیث و مستندات تاریخی، بر این نکته تأکید می شود که چادر و مقنعه کنونی بانوان مؤمن و مسلمان ایران، ارتباط محکم و بسیار وثیقی با آموزه های دین اسلام و قرآن کریم دارد.

گفتنی است این اثر حاصل همکاری مشترک علمی و پژوهشی میان اداره کل پژوهش های اسلامی صدا و سیما و مرکز جامعه الزهرا علیهاالسلام قم است که پژوهشگر محترم، سرکارخانم اکرم السّادات دهقانی آن را نگاشته است.

با سپاس از تلاش های ایشان و دست اندرکاران آموزشی و پژوهشی دو مرکز، امید است این اثر مورد استفاده مخاطبان خود به ویژه مدیران و برنامه

سازان رسانه ملی قرار گیرد. در پایان از جناب آقای محمود سوری، ویراستار اثر و دیگر همکارانمان در بخش نمونه خوانی و رایانه سپاس گزاریم.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱۱

پیش گفتار

پوشش نخستین نماد فطری انسان در روی زمین، بوده است. از همان آغاز آفرینش بشر، زن و مرد کوشیدند تا به هر شیوه ممکن خود را بپوشانند، بدون اینکه پیش تر در این زمینه آموزش دیده باشند. در قرآن کریم آمده است:

فَلَمّا ذاقا الشَّجَرَهَ بَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما وَ طَفِقا یَخْصِفانِ عَلَیْهِما مِنْ وَرَقِ الجَنَّهِ. (اعراف: ۲۲)

چون از آن درخت تناول کردند، زشتی هایشان آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت، خود را بپوشانند.

مسئله پوشش، در ادیان و اقوام پیش از اسلام نیز مورد توجّه بوده است. اسلام نیز که منطبق بر فطرت بشر است، اهمّیت ویژه ای برای آن قائل شد. در این میان، پوشش زن به دلیل حساسیت و نقش مهم آن در تأمین امنیت، سلامت روحی و جسمی او و سلامت جامعه اسلامی، جایگاه ویژه ای دارد.

در قرآن کریم به زنان مسلمان توصیه فراوان شده است که هنگام خروج از منزل یا رویارویی با مردان بیگانه، زیبایی، زینت و اندام خویش را به وسیله پوشش از نگاه نامحرمان بپوشانند. از شمار پوشش هایی که زنان مسلمان در نقاط مختلف جهان اسلام از آن در برابر مردان نامحرم استفاده می کنند، دو پوشش «چادر» و «مقنعه» است.

هرچند زنان مؤمن و پرهیزکار از روی عشق و علاقه چادر و مقنعه می پوشند، ولی متأسّفانه هنوز برای برخی از آنان روشن نیست که آیا این

پوشش، همان پوشش ایدئال و مطلوب دین است و آیا اسلام شکل ویژه ای برای پوشش زن در رویارویی با مردان نامحرم معرّفی کرده است یا خیر؟

از سویی، کمتر کتابی به صورت مستقل و گسترده، در مورد چگونگی پوشش، اندازه و رنگ مقنعه و چادر نوشته شده است. بیشتر کتاب های موجود، تنها به ضرورت و کارکرد حجاب پرداخته اند.

نبود منبع کافی یا دست کم، کمبود منبع مورد نیاز برای پاسخ گویی به این پرسش ها و نیز فراگیر بودن پرسش در ذهن بیشتر خواهران و زنان مؤمنه، هر یک زمینه ای مناسب برای دشمنان اسلام است تا فرصتی برای هجوم به دژ مستحکم افکار عمومی مسلمانان، به ویژه بانوان مسلمان و حجاب اسلامی آنان پیدا کنند و به تخطئه مبانی نظری و حتّی مبانی دینی آن بپردازند. ازاین رو، نگارنده از دیر باز به دنبال موقعیتی برای تحقیق و بررسی درباره چادر و مقنعه بود تا هم برای پرسش های خود پاسخی بیابد و هم بتواند در راه روشن شدن این مطلب گام بردارد.

اثر حاضر هفت فصل دارد که به صورت زیر تنظیم شده است:

در فصل اول، به مفهوم شناسی واژه های چادر (جلباب) و مقنعه (خمار) و نیز مترادف های آنها در لغت عرب پرداخته شده است. فصل دوم، به بررسی «ادّله لزوم پوشش بیشتر زن نسبت به مرد» می پردازد. در فصل سوم و چهارم، به ترتیب به جنبه های گوناگون و از جمله کیفیت، کارکرد، رنگ مقنعه و چادر از منظر آیات شریف قرآنی و روایات معصومان علیهم السلام پرداخته است.

در فصل پنجم، برخی شبهه های حجاب برتر مطرح و در حدّ توان علمی نگارنده پاسخ داده شده است. در فصل ششم نیز با توجه به رسالت خطیر صدا

و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مطالبی در مورد شیوه های ایفای نقش آن رسانه در زمینه ترویج پوشش صحیح و سالم شرعی ارائه گردیده است.

البته همان گونه که برادران یوسف علیه السلام نزد آن بزرگوار عرض کردند: «وَ جِئْنا بِبِضاعَةٍ مُزْجاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنا». (یوسف: ۸۸) ما نیز می گوییم: ای خدای مهربان! این توشه ای ناچیز است برای عرض اخلاص و ارادت به پیشگاه کبریایی تو و رسول تو و دخت بزرگوار و همه اوصیایش. البته وقتی برخی دانشمندان می گویند: «در مسئله حجاب قدم ها می لغزد»،(۱) دیگر از بی بضاعتانی چون ما چه انتظار می رود.

ناگفته نماند که راهنمایی های گران قدر استاد محترم آقای حسین مهدی زاده در این مسیر چراغ راه بود و جای تقدیر و تشکّر خالصانه دارد. افزون بر آن، مقاله پر بار و بسیار با ارزش ایشان با نام «نقد ادلّه مخالفین چادر مشکی»(۲) راه گشای بنده در گرد آوری این تحقیق بود. لازم به ذکر است که در چارچوب اصلی مباحث مطرح شده درباره مفهوم، رنگ، کارکرد و اندازه «جلباب» و مباحث مربوط به شبهه های حجاب برتر، از مقاله مذکور بهره ها گرفتم(۳) و سپس مطالب، شواهد و دلیل های گوناگونی از منابع فراوان به آن افزودم.

۱- ۱. شیخ قوام وشنوی؛ حجاب در اسلام، مترجم: احمد محسنی گِرکانی، قم، چاپ خانه حکمت، ۱۳۹۲ ه . ق، ص ۱۵۵.

۲- ۲. حسین مهدی زاده، «نقد ادلّه مخالفین چادر مشکی»، روزنامه جمهوری اسلامی، س ۲۲، ش ۶۲۶۴ و ۶۲۶۵، ۳ و ۴ بهمن ماه ۱۳۷۹.

۳- ۳. البته هنگام آماده شدن کتاب حاضر برای چاپ، نوشته استاد با عنوان زیر به چاپ رسید: حسین مهدی زاده، حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.

در پایان، از خداوند متعال، نعمت هدایت و توفیق می جوییم و به ساحت مقدّسش عرضه می داریم که:

خدایا!

تو با چندان عنایت ها که داری***ضعیفان را کجا ضایع گذاری

زما خود خدمتی شایسته ناید***که شادروان عزّت را بشاید

خلاصی ده که روی از خود بتابیم***به خدمت کردنت توفیق یابیم

در آن ساعت که ما مانیم و هویی***ز بخشایش فرو مگذار مویی

بیامرز از عطای خویش ما را***کرامت کن لقای خویش ما را

من آن خاکم که مغزم دانه توست***بدین شمعی دلم پروانه توست

تویی کاوّل ز خاکم آفریدی***به فضلم ز آفرینش برگزیدی

چو روی افروختی، چشمم بر افروز***چو نعمت دادی ام، شکرم در آموز

شناسا کن به حکمت های خویشم***بر افکن برقع غفلت ز پیشم

ص: ۱۵

به هر سهوی که در گفتارم افتد***قلم در کش، کزین بسیارم افتد

حکیم نظامی گنجوی

ص: ۱۶

فصل اول: مفهوم شناسی

اشاره

در این فصل، به مفهوم «چادر» و «مقنعه» و نیز مترادف های آنها در زبان عربی پرداخته می شود. البته باید گفت به دلیل کاربرد دو واژه جلباب و خمار در قرآن و نبود تحقیق گسترده ای درباره این دو نوع پوشش، در میان مترادف های چادر و مقنعه، بر تبیین این دو واژه تأکید بیشتری شده است.

۱. واژه چادر و مترادف های آن

الف) چادر

در لغت نامه دهخدا ذیل کلمه «چادر» چنین آمده است: «پارچه ای که زنان برای پوشاندن چهره و دست ها و سایر اعضا و البسه بر روی همه لباس ها می پوشند».(۱) در فرهنگ فارسی معین هم برای این واژه سه معنا ذکر کرده اند: «بالا پوشی که زنان روی سر اندازند و همه اندام آنان را بپوشاند؛ خیمه، پرده بزرگ و سایبان».(۲)

از این سه معنا، تنها معنای اول مورد نظر ماست. البته چادر فعلی که زنان ایران می پوشند، جز اندکی از چهره را نمی پوشاند و پوششی گسترده است که از بالا روی لباس های دیگر پوشیده شده و سر تا قدم ها را می پوشاند. در بعضی

۱- ۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه فارسی دهخدا، تهران، مؤسّسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۵، ج ۱۷، ص ۱۴.

۲- ۲. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۶، چ ۷، ج ۱، ص ۱۲۶۴.

موارد، در دو طرف پیشانی دو بند یا قطعه ای کش به چادر وصل می کنند تا بر روی پیشانی محکم گردد و دو طرف آن را که در قسمت جلوی بدن به هم می رسد، با دست به هم می گیرند تا باز نشده و لباس های زیرین نمایان نگردد. بسیاری از زنان با حجاب نیز لبه های چادر را در دو طرف صورت جمع کرده، آن را روی چانه با یک دست می گیرند و از رها شدن آن به صورت آزاد که بیشتر، موجب کنار رفتن چادر از روی لباس های زیرین و گاه نمایان شدن قسمت هایی از گریبان و اطراف آن می گردد، جلوگیری می کنند. به طور معمول، رنگ این پوشش در بیرون از منزل مشکی است و در داخل منزل، به ویژه نوعی چادر که وقت نماز پوشیده می شود و «چادر نماز» نام دارد، به رنگ های روشن و بیشتر سفید است. البته، به دلیل قرینه های تاریخی زیر، پوشش چادر در ایران، تنها به زمان حاضر اختصاص ندارد و قدمتی دیرینه داشته و حتّی به دوران پیش از اسلام باز می گردد.

بر اساس گفته کتاب زن به ظنّ تاریخ، زنان اشکانی بر بالای لباس های خود چادر می پوشیده اند.(۱) همچنین زنان عهد ساسانی، گاه چادری گشاد و پر چین به سر می کردند که تا وسط ساق پا می رسیده است. نقش هایی که از بانوان ساسانی در بشقاب های نقره ساخته شده، نشان آن است که هر یک از این بانوان، چادری به خود پیچیده دارند.(۲) در شاهنامه فردوسی نیز پوشش زنان ایران باستان، توصیف شده است. آنجا که شیرین، همسر خسرو پرویز، در

۱- ۱. بنفشه حجازی، زن به ظنّ تاریخ، تهران، شهر آب، چ ۱، ص ۱۴۱.

۲- ۲. همان، ص ۱۹۸.

بارگاه «شیرویّه» می گوید:

بدانگه که من جفت خسرو شدم***به پیوستگی در جهان نو شدم

بگفت این و بگشاد چادر ز روی*** همه روی ماه و همه پشت، موی

مرا از هنر موی بد در نهان***که آن را ندیدی کس اندر جهان

نمودم همه پیشت این جادویی***نه از تنبل و مکر و از بد خویی

نه کس موی او پیش از این دیده بود***نه از مهتران نیز بشنیده بود(۱)

پوشیدن چادر نه تنها در ایران که در دیگر مناطق نیز از دیرزمان رایج بوده است. جرجی زیدان، دانشمند معروف مسیحی، در مورد حجاب زنان اروپا می گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشاندن بدن به وسیله چادر، روسری و... است، این موضوع قبل از اسلام و حتّی پیش از دین مسیح در اروپا معمول بوده و مسیحیّت هم در آن تغییری نداده است».(۲)

نویسنده کتاب فرهنگ البسه مسلمانان نیز از بوکینگهام که مسافرت هایی به

۱- ۱. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، مصحّح: ژول مول، شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۵، ج ۷، ص ۲۲۲۳.

۲- ۲. ر. پ. آ، دزی، فرهنگ البسه مسلمانان، مترجم: حسینعلی هروی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ص ۱۲۹.

بین النّهرین داشته، نقل می کند: «زنان این دیار، چادر بزرگی از ابریشم مشکی، همان طور که در میان زنان توانگر قاهره مرسوم است، می پوشند.»(۱) همین نویسنده با نقل اینکه در تصویرهای سفرنامه ویت مان (سفرهایی به ترکیه آسیایی، سوریه و مصر) یک حبر (چادر ابریشمی سفید رنگ) دیده می شود، می نویسد: «این مسافر در صفحه ۲۷۴ گوید: در اوقات دیگر، زنان چادر یا روپوش فراخ سیاهی می پوشند که تقریباً تمام بدن را می پوشاند و تا پاشنه های پا پایین می آید.»(۲) امروزه نیز این پوشش در بیشتر کشورهای عربی، و از آن شمار عربستان، سوریه، الجزایر، عراق و بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس معمول است.

در قرآن کریم (احزاب: ۵۹) به این گونه از حجاب اشاره شده و محققانی که در مورد لباس مسلمانان تحقیق کرده اند، از جمله شرق شناس هلندی، دُزی، اذعان دارند که در زمان خاتم پیامبران حضرت محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله نیز مرسوم بوده است،(۳) ولی در زبان عرب، این پوشش با اسم ها و اصطلاح های گوناگون و متفاوتی به کار رفته که برای آشنایی بیشتر خوانندگان، به بعضی از آنها اشاره می کنیم. البتّه، باید توجّه داشت که همه این اصطلاح هایی که در لغت عرب برای واژه چادر به کار می رود، از نظر کلّی و در اصل معنا با هم مشترکند، ولی هر یک، ویژگی های مخصوصی دارند که قابل توجه و دقت است.

۱- ۱. همان، ص ۱۲۹.

۲- ۲. اسد اللّه محمدی نیا، گزیده ای از بهشت جوانان، قم، سبط اکبر، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۱۸۳.

۳- ۳. همان، ص ۲۶.

ب) جلباب

ریشه لغوی «جلباب» (ج ل ب) است که کتاب های لغوی مختلف، از جمله منتهی الارب فی لغه العرب،(۱) لسان العرب(۲) و العین،(۳) آن را به: سیاهی شب، ابر بی آب یا ابر متراکمی که به کوه می ماند، معنا کرده اند.

ابن فارس نیز در معجم مقاییس اللّغه(۴) برای آن دو معنا نقل کرده است: «آوردن شی ء از جایی به جایی» و «چیزی که شی ء دیگر را می پوشاند.» او سپس ادامه می دهد: «اصل، معنای دوم و جلباب نیز از این معنا مشتق شده است».(۵)

جمع واژه جلباب «جلابیب» است. در برخی کتاب های لغت از جمله اقرب الموارد نقل شده که: زنی از قبیله «هزیل» در ماتم مردی که در جنگ کشته شده بود، چنین نوحه سرایی می کرد:

تمشی النُّسورُ إلیه و هی لاهیه

مَشیَ العَذاری عَلیهنّ الجَلابیب(۶)

کرکس ها به آنجا که او از پا درافتاده می روند و از دیدنش شادی می کنند،

ص: ۲۱

۱- ۱. عبدالرحیم صفی پور، منتهی الارب فی لغه العرب، چاپ اسلامیه، ۱۳۷۷ ه . ق، ج ۱ و ۲، ص ۲۸۶.

۲- ۲. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۳۱۶.

۳- ۳. خلیل ابن احمد فراهیدی، العین، بیروت، مؤسّسه دارالهجره، ۱۴۰۵ ق، چ ۱، ج ۶، ص ۱۳۲.

۴- ۴. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللّغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۶۹.

۵- ۵. همان، ج ۱، ص ۴۶۹.

۶- ۶. سعید خوری شرتونی، اقرب الموارد، قم، منشورات مکتبه آیه اللّه العظمی المرعشی النّجفی، ۱۴۰۳ ه . ق، ج ۱، ص ۱۳۰.

مانند راه رفتن دوشیزگان پوشیده در جلباب های خود.

فرهنگ لغت عربی _ فارسی منتهی الارب فی لغه العرب، جلباب را چنین معنا می کند: «جلباب: پیراهن و چادر زنان و معجر یا چادری است که زنان لباس خود را بدان از بالا بپوشند».(۱)

مجدالدّین محمّد بن یعقوب فیروز آبادی در کتاب قاموس المحیط در مورد معنای این واژه می نویسد: «پوشش گسترده ای است برای زنان، کوتاه تر از ملحفه، یا آن چیزی است که زن به واسطه آن، لباس هایش را از بالا می پوشاند، مانند ملحفه، یا اینکه مقنعه است.»(۲) کتاب های لغت معتبر لسان العرب(۳) و العین(۴) هم در مورد این واژه می نویسند: «لباسی است گسترده تر از مقنعه و کوتاه تر از ردا که زن به واسطه آن، سر و سینه اش را می پوشانیده است».

فیومی در مصباح المنیر می نویسد: «جلباب، لباسی است گسترده تر از مقنعه و کوتاه تر از رداء.»(۵) اقرب الموارد(۶) نیز نخست آن را به لباسی گسترده برای زن که از ملحفه کوتاه تر است معنا کرده و آن گاه به نقل گفته های دیگری همچون: «آنچه زن به واسطه آن، لباس هایش را می پوشاند» و اینکه «جلبات همان ملحفه است» می پردازد.

بیشتر واژه شناسان به اینکه جلباب پوشش گسترده ای برای زنان است

۱- ۱. فرهنگ عربی فارسی منتهی الارب فی لغه العرب، ج ۱ و ۲، ص ۲۸۶.

۲- ۲. مجدالدین محمّد بن یعقوب فیروز آبادی، قاموس المحیط، بیروت، ۱۴۱۲ ه .ق، چ ۱، ج ۱، ص ۱۷۳.

۳- ۳. لسان العرب، ج ۲، ص ۳۱۷.

۴- ۴. العین، ج ۶، ص ۱۳۲.

۵- ۵.احمد فیّومی، مصباح المنیر، بیروت، مؤسّسه دارالهجره، ۱۴۰۵ ه .ق، ج ۱، ص ۱۰۴.

۶- ۶. اقرب الموارد، ج ۱، ص ۱۳۰.

اشاره کرده اند؛ پوشش فراگیری که زنان بر سر می انداخته و بر بالای لباس های خویش می پوشیده اند. چیزی بسیار شبیه به چادری که زنان امروزی بر سر می اندازند.

دُزی، مستشرق هلندی نیز در کتاب فرهنگ البسه مسلمانان می نویسد: «بخاری، کلمه جلباب را مرادف ازار به کار برده است. با این حال، باید به معنای همان چادر بزرگی باشد که در شرق، زنان هنگام بیرون شدن از خانه سر تا پای خود را در آن می پوشانند».(۱)

ج) ازار

ریشه لغوی این واژه «أَزَرَ» و به معنای دور چیزی را گرفتن و احاطه کردن است. این واژه در فرهنگ القاموس المحیط(۲) به «ملحفه، هر آنچه تو را بپوشاند (ماسترک)، عفاف، زن و میش» ترجمه شده است. البته امروزه این واژه، بیشتر در مورد چادر و شلوار به کار می رود. فرهنگ عربی - فارسی منتهی الإرب(۳) نیز همین دو معنا را آورده است. دزی می گوید: «در تمام ادوار اسلام، از زمان پیامبر تا کنون، این کلمه همیشه در معنای چادر بزرگ یا روپوشی که زنان شرق با آن خود را می پوشانند، به کار رفته است».(۴)

در کتاب فرهنگ البسه مسلمانان، ازار به صورتی که در حال حاضر زنان مصری می پوشند، از زبان یک شاهد انگلیسی به نام لَیْن که بر اساس نوشته

۱- ۱. فرهنگ البسه مسلمانان، ص ۱۱۷.

۲- ۲. قاموس المحیط، ج ۱، ص ۶۸۵.

۳- ۳. فرهنگ عربی ـ فارسی منتهی الإرب فی لغه العرب، ج ۱ و ۲، ص ۲۸۶.

۴- ۴. فرهنگ البسه مسلمانان، ص ۱۱۷.

مؤلّف، به داشتن دقّت نظر معروف است، چنین توصیف می شود: «قطعه پارچه نخی است که زنان عرب، عموماً هنگام ظاهر شدن در انظار عموم می پوشند... یک طرف آن را از پشت سر روی پیشانی می اندازند و با نواری که در داخل آن دوخته شده می بندند و بقیّه آن، از پشت و اطراف بدن تا نزدیک یا روی زمین آویزان می شود و تقریباً بدن را به طور کامل می پوشاند؛ زیرا طوری آن را مرتّب می کنند که دو طرف آن در قسمت جلوی بدن به هم می رسد. بدین طریق، این لباس، غیر از حجاب صورت و قسمت کوچکی از یک پیراهن گشاد،... تمامی البسه دیگر را می پوشاند».(۱)

د) حبَرَه (حِبَرَه)

۱. گونه ای چادر کتانی یا پنبه ای راه راه که نوع یمنی آن معروف است، برد یمانی؛ ۲. چادر سیاه حریری که زنان بیرون از خانه می پوشند.(۲)

بر اساس کتاب فرهنگ البسه مسلمانان،(۳) پوشیدن این نوع چادر در کشورهای ترکیه، سوریه، مصر، عربستان و شهر قاهره معمول بوده و هنوز نیز در کشورهای عربستان، سوریه و الجزایر رایج است.

ه) مِلْحَفَه

چادری است که زن بر خود می پیچد.(۴) فرهنگ عربی ـ فارسی منتهی

ص: ۲۴

۱- ۱. همان، ص ۲۵.

۲- ۲. جبران مسعود، فرهنگ الفبایی الرّائد، مترجم: رضا انزابی نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۵۱.

۳- ۳. فرهنگ البسه مسلمانان،، ج ۱، ص ۱۲۹.

۴- ۴. منتهی الارب، ج ۱ و ۲، ص ۱۱۳۴.

الارب(۱) نیز «ملحفه» را بر وزن «مِکنَسَه» چادر، معنا کرده است. البته، این واژه در زبان عربی به مطلق لباس رو و روانداز نیز گفته می شود.(۲)

و) عبائَه

نوعی چادر است که خطوط سیاه بزرگی داشته باشد.(۳) عبائه، از حریر سیاه و لطیف بافته می شود و زن آن را از بالای سر می پوشد.(۴)

ز) رِداء

فرهنگ لغت منتهی الإرب، این واژه را چادر معنا کرده است.(۵) «مرداه» نیز به همین معناست.(۶) به طور کلی، می توان گفت رداء لباسی است که بر بالای لباس ها پوشیده می شود، البته اگر آستین و دوخت نداشته نباشد، همان ازار است که مورد استعمال زنان و مردان است، ولی برای مردان «بث» و برای زنان «عبائه» نامیده می شود.(۷)

ح) کساء

از ریشه کسا، به معنای پوشیدن و به مطلق لباس و جامه گفته می شود.(۸) با

ص: ۲۵

۱- ۱. مصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۵۰.

۲- ۲.محمّد بندر ریگی، فرهنگ جدید عربی –فارسی، تهران انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴، چ ۴، ص ۴۸۹.

۳- ۳. العین، ج ۲، ص ۲۶۲.

۴- ۴. خطیب العدنانی، الملابس و الزینه فی الاسلام، انتشارات العربی، ۱۹۹۹ م، ج ۱، ص ۱۹۱.

۵- ۵. منتهی الإرب، ج ۱ و ۲، ص ۴۴۳.

۶- ۶. همان.

۷- ۷. الملابس و الزّینه فی الاسلام، ص ۱۹۲.

۸- ۸. فرهنگ جدید عربی – فارسی ترجمه المنجد الطلّاب، ص ۴۷۸.

مراجعه به متن های عربی، به ویژه به قرینه حدیث شریف کساء، روشن می شود که بیشتر در مورد جامه ای فراگیر به کار می رود که بر روی لباس ها پوشیده می شود. چیزی شبیه عبا که مورد استفاده مردان و همچنین زنان قرار می گیرد. البته با توجه به شواهد موجود، کِساء مورد استفاده بانوان، همان عبائه یا چادر زنانه است.

۲. واژه مقنعه و مترادف های آن

الف) مقنعه

«مقنعه» در اصل، واژه ای عربی از ریشه قَنَع است که به زبان فارسی منتقل گردیده است. زنان عرب از زمان های پیش از اسلام از این پوشش استفاده می کردند.(۱) دهخدا در فرهنگ لغت،(۲) واژه مقنعه را مترادف چارقد می داند که: «پارچه مربع شکلی است مخصوص زنان که آن را دولا کرده، به شکل مثلث در آورند و سپس آن را در وسط، طوری بر روی سر اندازند که طرف زاویه قائمه در پشت سر و دو زاویه حادّه در طرفین واقع شود. سپس آن را در زیر گلو محکم کنند».(۳)

مِقْنَعَه یا مِقْنَعْ، پارچه ای است که زنان سر خود را بدان بپوشانند.(۴) فرهنگ لغت دهخدا برگرفته از اقرب الموارد در توضیح این واژه آورده است: «آنچه

۱- ۱. برای آگاهی بیشتر نک: فصل سوم، بحث کیفیت پوشش مقنعه.

۲- ۲. لغت نامه فارسی دهخدا، ج ۱۷، ص ۳۷.

۳- ۳. فرهنگ فارسی معین، ج ۶، ذیل واژه چارقد.

۴- ۴. فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۴۳۰۳.

زنان سر خود را بدان بپوشانند».(۱)

بر این اساس، واژه مقنعه، جامه ای است که زنان، مو و سر خود را با آن می پوشانند. برخی از مترادف های این واژه در زبان فارسی عبارت است از: دامنی، دامنک، (دامک)، روپاک، معجر، نصیف، روسری، باشمه، ربوسه، ربوشه، سرآویزه، گواشمه، ورپوشه، لچک و سرپوش.(۲)

این پوشش، از لباس های سنّتی زنان ایرانی بوده که انواع مختلفی از آن در منابع مربوط(۳) دیده می شود. امروزه نیز زنان ایرانی از این نوع سرپوش استفاده می کنند، ولی آن را مقنعه نمی نامند، بلکه مقنعه فعلی زنان ایران، جامه ای است مخروطی شکل، شبیه به چارقدی که قسمت جلوی آن، جایی که گردن و سینه را می پوشاند، به هم دوخته باشد. این پوشش تمام سر، موها، زیر گلو، گردن، سینه و شانه ها را به غیر از گردی صورت می پوشاند. البتّه زنان پرهیزکاری که به حجاب خود مواظبت بیشتری دارند، به مقنعه خویش در دو طرف صورت، بند یا قطعه ای کش وصل می کنند تا این سرپوش به سر محکم گردد و افزون بر آن، در پایین شکافی که جلوی مقنعه برای گردی صورت است، قطعه پارچه ای مثلث شکل می دوزند تا قسمت های زیر زنخدان و چانه شان به طور کامل پوشیده گردد.

سرپوش در لغت عرب نیز مترادف هایی دارد که به چند مورد از آن اشاره می کنیم.

ب) خِمار

ص: ۲۷

۱- ۱. لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۱۴ و ۱۵.

۲- ۲. همان، ص ۹۵۲.

۳- ۳. نک: غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، ۱۳۷۶، ج ۷، صص۱۴_۱۷، ۱۹، ۲۱، ۳۰ و ۳۱.

اصل این واژه (خ م ر) است. ابن فارس که در ریشه یابی واژه ها همّت عظیمی به کار بسته و از این جهت اثرش بسیار مهم است، می نویسد: «خمر بر پوشش و ملازمت آن دلالت می کند».(۱)

ابن عبّاس، صحابی معروف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مفسّر بزرگ کلام اللّه مجید نیز می گوید: «شراب را از آن جهت خمر نامیده اند که عقل را می پوشاند.»(۲) همچنین ابن منظور از ابن الاعرابی نقل می کند که: «الخمره، به معنای پنهان کردن است».(۳)

در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم است».(۴)

در هر صورت، خمار، لباسی است که زن با آن سرش را می پوشاند.(۵) فرهنگ های معتبر لغت، مثل اقرب الموارد(۶) و منتهی الارب(۷) نیز خمار بر وزن کتاب را به مقنعه و معجر زنان که سر خود را به آن می پوشانند و همچنین هر آنچه چیز دیگری را بپوشاند، معنا کرده اند. فرهنگ معروف لسان العرب نیز می نویسد: «خمار زن، همان مقنعه است و گفته شده که خمار هر آن چیزی است که زن با آن سر خود را بپوشاند».(۸)

۱- ۱. معجم مقاییس اللّغه، ص ۲۱۵.

۲- ۲. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۵۸.

۳- ۳. همان، ص ۲۵۷.

۴- ۴. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۳۶۰، ج۳، ص۱۲۹.

۵- ۵. مصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۸۱.

۶- ۶. اقرب الموارد، ج ۱، ص ۳۰۱.

۷- ۷. منتهی الارب، ج ۱ و ۲، ص ۳۴۰.

۸- ۸. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۵۷.

ج) قِناع

لغت نامه های المنجد الطلّاب(۱) و فرهنگ لاروس(۲) آن را به «مقنعه، روسری زنان و آنچه زنان با آن سر را بپوشانند» معنا کرده اند. فرهنگ عربی ـ فارسی منتهی الارب فی لغه العرب در تعریف آن می نویسد: «پرده پوشی که بر بالای مقنعه پوشند».(۳) لغت نامه معروف العین(۴) نیز تنها به این مطلب که: «قناع گسترده تر از مقنعه است» اشاره می کند، ولی کتاب الملابس و الزّینه فی الاسلام آن را چنین توصیف می کند: «چیزی است که زن به وسیله آن مو و سرش را پوشانده و طوری آن را در زیر زنخدان گرد می کند که صفحه صورت بیرون می ماند».(۵)

د) مِعجَر

واژه ای است عربی که در فارسی نیز به کار می رود. لغت نامه های لاروس(۶) و ترجمه المنجد(۷) آن را به روسری و چارقد معنا کرده اند. لغت نامه العین که به طور معمول به جزئیّات نیز اشاره دارد، در توصیف آن می نویسد: «جامه ای

۱- ۱. فرهنگ جدید عربی ـ فارسی، ص ۴۶۱.

۲- ۲. خلیل جرّ، فرهنگ عربی ـ فارسی لاروس، مترجم: سیدحمید طبیبیان،تهران،امیرکبیر، ۱۳۶۷، ج۲، ص۱۹۵۲.

۳- ۳. منتهی الارب، ج ۳ و ۴، ص ۱۰۶۳.

۴- ۴. العین، ج ۷، ص ۹۴.

۵- ۵. الملابس و الزّینه فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۱.

۶- ۶. فرهنگ لاروس، ج ۲، ص ۱۹۲۶.

۷- ۷. ترجمه المنجد، ج ۱، ص ۶۸۱.

است که زن بر سر می اندازد. از رداء کوتاه تر است و از مقنعه بزرگ تر.»(۱) با این توصیف، معجر، سرپوشی است شبیه به قناع. مولا علی علیه السلام در بیان شگفتی رنگ آمیزی پرهای طاووس، سیاهی اطراف گردن آن را به معجر سیاه تشبیه کرده، می فرماید: «كَأَنَّهُ مُتَلَفِّعٌ بِمِعْجَرٍ أَسْحَمَ؛ گویا به دور گردنش معجری سیاه افکنده است».(۲)

پس مترادف های عربی واژه مقنعه، همچون مترادف های واژه چادر، در عین هم معنایی و اشتراک در اصل معنا، تفاوت های ظریفی دارد که قابل توجّه است.

ص: ۳۰

۱- ۱. العین، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲- ۲. نهج البلاغه، مترجم: محمّد دشتی، قم، انتشارات خوشرو، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۳۱۵.

فصل دوم: دلایل پوشش بیشتر زن نسبت به مرد

اشاره

فصل حاضر، درصدد پاسخ گویی به این پرسش است که دلایل پوشش بیشتر زن نسبت به مرد چیست؟

بی تردید، در اسلام، بخشی از احکام مانند احکام پوشش در مورد زنان و مردان با هم متفاوت است. مقدار پوششی که در اسلام برای زنان واجب شده، بسیار بیشتر از مقداری است که بر مردان واجب شده است. البته، زنان و مردان مسلمان و پرهیزکار، از روی تعبّد و بدون چون و چرا به این احکام عمل می کنند، ولی ممکن است در نگاه نخست، در ذهن افراد، به ویژه ذهن فعّال و جست وجوگر جوانان، این پرسش پیش بیاید که چرا اسلام در این زمینه بین زن و مرد متفاوت عمل کرده است؟ آیا این امر اجحاف در حقّ زن نیست؟ آیا ظلم نیست که زنان مجبور باشند در هر شرایطی حتّی هوای گرم و در مقابل مردان نامحرم، خود را بپوشانند؟... و ده ها پرسش از این دست.

پیش از ورود به مباحث اصلی،(۱) به عنوان مقدمه به پاره ای از ادلّه لزوم پوشش بیشتر زن نسبت به مرد اشاره می کنیم.

ص: ۳۱

۱- ۱. چادر و مقنعه از منظر قرآن و حدیث.

۱. حفظ عفت عمومی جامعه اسلامی

الف) معراج از دامن عفیف

اهداف و آرمان های جامعه اسلامی به واسطه نوع نگرش و بینش آحاد این جامعه نسبت به دیگر جوامع بشری بسیار متفاوت است. در چنین جامعه ای آنچه مدّ نظر تک تک افراد است، تنها تأمین منافع مادّی، مانند رفاه، آزادی و امنیّت صرف نیست، بلکه هدف کلّی بارور ساختن استعدادهای انسانی برای رسیدن به تعالی، تکامل، قرب حق تعالی و رسیدن به لقای اوست که فرمود:

ای انسان، حقّا که تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد. (انشقاق: ۶)

به یقین، دست یابی به این اهداف بلند، شرایط و زمینه های اجتماعی مناسبی می طلبد. طیّ طریق در صراط کامل و فتح قلّه رفیع انسانیت، نیازمند مجهّز بودن به ابزارهای لازم از یک سو و رفع موانع بازدارنده از سوی دیگر است. به پرواز درآوردن روح بشر برای رسیدن به کمال مطلق در جامعه ای سرشار از فساد، آلودگی و هرزگی قطعاً میسر نخواهد بود. در محیطی که تمام توجّه انسان به گرایش های نفسانی و خواسته های شهوانی معطوف است، بی گمان غفلت چنان بال و پر می گستراند که دیگر مجالی برای تلاش در رسیدن به کمالات معنوی نخواهد ماند. ازاین رو، عفاف و پاکی از ویژگی های جامعه اسلامی است که ضامن حفظ سلامت روحی آحاد جامعه برای درنوردیدن پلکان سعادت است.

نه تنها جامعه اسلامی منهای عفّت و پاکی از رسیدن به اهداف والای خویش محروم می شود که دیگر جوامع نیز بدون این رکن اساسی پایداری و

ثبات خویش را از دست خواهنـد داد. به قولِ ابراهام لینکَلن: «اساس جامعه که قایم [بر پا] نشود بر عفّت و عفاف که مفتاح آن ستر و حجاب است، محکوم به زوال می باشد».(۱)

این عفاف و پاکی در هر جامعه ای با عملکرد زنان آن جامعه رابطه مستقیم دارد و به طور کلّی، پاسداری از آن، به عهده این قشـر است. در رهنمودهـای بزرگـان نیز، این زن است که در راه حفظ این سـرمایه عظیم جامعه سـفارش می شود. امام خمینی رحمه الله که از تبحّر، ژرف اندیشـی و دقت قابل توجّهی در فقه اسـلامی و مسائل اجتماعی برخوردار است، در توصیه به زنان درباره انجام وظایف اجتماعی می فرماید:

امروز خانم ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را باید عمل بکنند و عفّت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفّت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند.(۲)

ممکن است در ذهن خواننـده این پرسـش مطرح شود که چرا زنان تا این حـدّ در حفظ عفت عمومی یک جامعه مؤثّرنـد؟ این دقیقاً همان پرسشی است که ما قصد داریم با روشن کردن پاسخ آن، لزوم پوشش بیشتر زن نسبت به مرد را اثبات کنیم.

ب) شور جنسی

بی شـک، جـاذبه ای که میـان زن و مرد وجود دارد، یکی از شاهکارهای بزرگ آفرینش به شـمار می آیـد که توانسـته است بقای نسل بشر را با وجود تنوّع و تکرار عوامل مرگبار تضمین کند تا سیر تکاملی جامعه بشری همچنان

۱- ۱. یوسف نجفی جیلانی، وسیله العفائف یا طومار عفّت، قم، چاپ خانه حکمت، ۱۳۳۴، چ ۲، ص ۱۲۶.

۲- ۲. روح اللّه خمینی، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک انقلاب اسلامی، بهمن ۱۳۶۲، ج ۱۳، ص ۱۶۹.

ادامه یابد. جاذبه ای که بشر را بر آن می دارد تا با تشکیل نهاد خانواده و پرورش مسجود فرشتگان، انسان های فرشته خویی تربیت کرده، فرشتگان فراوانی را به خدمت بگیرد و بدین سان، از بسیاری از اسرار آفرینش پرده بردارد. البته در این جذب و انجذاب، میان جنس زن و مرد نیز اسراری نهفته است.

غربیان، ساختمان طبیعی مرد را اکتیو(۱) و ساختمان طبیعی زن را پاسیو(۲)گفته اند که تعبیر دیگر و بهتر آن است که سرشت طبیعت مرد، طالب بودن و طبیعت زن مطلوب بودن است.(۳)

غریزه مرد بر عشق ورزیدن به زن و طالب بودن استوار است، ولی به قول توماس هاردی: «گاهی عشق زن به معشوق بودن، خاطر او را بیشتر به خود مشغول می سازد.»(۴) مقاومت هر دو جنس نیز در مقابل این کشش و جاذبه، دارای اختلاف های ظریفی است.

حساسیت روحیِ مرد به زن، یکی از پیچیده ترین مسائل روحی است که تاکنون نظر بسیاری از دانشمندان و صاحب نظران را به خود جلب کرده است و هر کدام تا حدّی توانسته اند از پیچیدگی آن پرده برداشته و سرانجام به مشکل مقاومت نکردن مرد در برابر زن، به ویژه در صورت تنوّع در افراد و جمال

ص: ۳۴

۱- [۱] ۱. Active.

۲- [۲] ۲. Pasive.

۳- ۳. سیّد رضا صدر، زن و آزادی، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار الفکر، ص ۱۹۰.

۴- ۴. ویل دورانت، لذات فلسفه، مترجم: عباس زریاب، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱۳۵.

اعتراف کنند.(۱) علی علیه السلام می فرماید:

خداوند شهوت را ده جزء خلق کرد. نُه جزء آن را در زنان و یک جزء را در مردان قرار داد و اگر در زنان به قدر اجزای شهوت، حیا قرار نداده بود، هر آینه بر هر مردی نُه زن متعلّق بود.(۲)

امروزه تحقیقات روان شناسی نیز گواهی می دهد که زنان در برابر غریزه جنسی بسیار مقاوم هستند، به عکس مردان که به سرعت و به شدت در برابر مناظر تحریک آمیز دچار طغیان شهوانی و فشار روانی می شوند، عنانِ صبر و مقاومت خویش از کف می دهند و تسلیم تند باد هوس شده، از هر راه می کوشند خود را از انرژی فشرده و قدرتمند شهوت جنسی برهانند.(۳)

متفکر شهید، استاد مرتضی مطهّری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام می نویسد: «زن بیش از مرد قادر است بر شهوت خود مسلّط شود. شهوت مرد ابتدایی و تهاجمی است و شهوت زن، انفعالی و تحریکی.»(۴) این همان چیزی است که فروید از آن به «شور جنسی» تعبیر کرده، می نویسد: «شور جنسی زن، به مراتب ضعیف تر از شور جنسی مرد است».(۵)

ص: ۳۵

۱- ۱. احمد، صبور اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، چ ۱، ج ۳، ص ۴۲.

۲- ۲. خَلقَ اللّه ُالشَّهوهَ عَشَره أجزاءٍ فَجَعَلَ تِسعَه أجزاء فی النِّساءِ و جُزئاً واحِداً فی الرِّجال وَ لَوْ لا جَعَلَ اللّه ُفیهنَّ مِنَ الحَیاءِ عَلَی قَدْرِ الشَّهْوَه لکانَ لِکُلّ رَجُلٍ تِسع نسوه متعلّقات به. محمد بن یعقوب کلینی رازی، فروع کافی، تهران، دار الکتب الاسلامی، کتاب النکاح، ج ۵، باب فضل الشهوه...، ص ۳۳۸، ح ۱.

۳- ۳. سید مجتبی هاشمی رکاوندی، مقدمه ای بر روان شناسی زن با نگرشی علمی و استدلالی، شفق، بهار ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۹۳.

۴- ۴. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۰، چ ۱۵، ص ۲۰۷.

۵- ۵. نصراللّه باب الحوایجی، فروید چه می گوید، مقدمه و انتقاد از: ا. ج. آریان پور، تهران، دریا، معراجی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۸.

ج) میزان تحریک پذیری زن و مرد

نکته دیگر اینکه براساس تحقیقات علمی در زمینه تفاوت های جسمی و روحی زن و مرد، مردان نسبت به محرک های شهوی بصری یا تخیّلی، حساس تر از زنانند، بر خلافِ زنان که در مقابل محرک های لمسی حساسیت بیشتری از خود نشان می دهند.

آستانه حس و لمس و درد در زنان از زمان تولد پایین تر از مردان است؛ یعنی زنان به درد و لمس حساس ترند... در عوض، مردان بینایی بهتری دارند.(۱) به طور کلّی، مردان در مقایسه با زنان، در هنگام نگاه کردن، دقّت و ریزنگری بیشتری دارند. پرفسور روژه پیره، از روان شناسانی که در زمینه اختلافات روان شناسانه زن و مرد تحقیقاتی دارد، می نویسد:

اگر پیدا کردن تصویر ساده ای در درون یک طرح پیچیده مطرح باشد، زنان دیرتر از مردان موفق شده و اشتباهات بیشتری مرتکب می شوند. در اینجا زنان بیشتر تحت تأثیر سازمان طرح که تصویر مورد نظر را در بر گرفته است، قرار می گیرند. این نتیجه گیری، مورد تأیید عدّه ای از عالمان روان شناسی قرار گرفته است.(۲)

فردی به نام کینزی نیز در مورد اختلاف زن و مرد در تحریک پذیری، تحقیقاتی دارد که نتیجه این تحقیقات مورد تأیید روان کاوان قرار گرفته است. از آنچه کینزی در قالب آمار و ارقام ارائه داده، چنین برمی آید که از اساس، آنچه مردان را بیشتر به هیجان و تحریک وا می دارد، داده های شهوت انگیز

۱- ۱. محمود، بهزاد، «تفاوت های زن و مرد از نظر فیزیولوژی و روان شناسی»، مجلّه نگین، ش ۱۳۴، تیر ماه ۱۳۵۵، ص ۲۴.

۲- ۲. روژه پیره، روان شناسی اختلافی زن و مرد، مترجم: محمّد حسین سروری، انتشارات همگام، ۱۳۶۱، چ ۱، ص ۴۴.

محرکی است که از راه چشم دریافت می دارد یا توسّط قوّه مخیّله پردازش می گردد، در صورتی که مطالعه متون ادبی رمان، شعر و... که عشق و محبّت موقعیت مهمی را درآن اشغال کرده باشد، زنان را بیشتر از مردان تحریک می کند. این مسئله درباره فیلم ها نیز صدق می کند.(۱)

د) زن، مظهر جمال و زیبایی

زن موجودی ظریف و یکی از مظاهر جمال آفرینش است. این زیبایی و ظرافت اندام و حرکات، از سرمایه های وجودی اوست و در عین حال، دارای غریزه ای است که قرآن کریم از آن به «تبرّج» تعبیر می کند. به زبان ساده تر، زن ذاتاً مایل به خودنمایی، خودآرایی و جلب توجّه است. به قول استاد شهید مرتضی مطهّری، «آفرینش، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و زن را مظهر محبوبیّت و معشوقیت قرار داده است. احساسات مرد، نیازآمیز و احساسات زن، نازخیز و مطلوبانه است».(۲)

آری، آفرینش زن، زیبا و فطرت او مایل به جلوه کردن و مطلوب واقع شدن است و میل دیدن زیبایی قهری است، به ویژه برای مرد که مهارت عمیقی در این زمنیه دارد. در موقع دیدن، مرد حرف اول را می زند و چون چشم دید، دل نیز مایل می گردد و همین که پای دل به میان آمد، قضیّه رنگ دیگری به خود خواهد گرفت. در این عرصه است که پای مرد می لغزد و قدرت مقاوت از او سلب می گردد. حالا دیگر مرد نیست که دیده را هدایت

۱- ۱. نک: همان، ص ۹۹.

۲- ۲. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۴.

می کند، بلکه اسب چموش دل است که او را به دنبال خود می کشد. اینجاست که آتش هوس در درون او شعله بر می فروزد و هرچه واردات مشتعل کننـده بیشتری از ورودیِ چشم به دل سـرازیر گردد، شـعله این آتش نیز بر افروخته تر خواهـد شد، تا آنجا که اگر این حریق به زودی مهار نشود، نه تنها وجود مرد، که دامن زن را نیز خواهد بلعید.

به طور کلّی، این دو غریزه را می توان به دو رشـته سـیم مثبت و منفی تشبیه کرد که در کنار هم قرار گرفتن آنها، با یک سری ضوابط و شـرایط، چنان قـدرتی به آنان می بخشـد که قادرنـد ظلمات شب را دریده، به روشـنایی چون روز تابنده سازند. البته همین دو رشـته سـیم اگر بـدون هیـچ ضابطه و حایلی در مجاورت هم قرار گیرنـد، نتیجه ای جز جرقّه، آتش و انفجار نخواهد داشت. به راستی در جـامعه ای سـرشار از بـدن هـای عریان و نیمه عریان زنان و چشم های خیره مردان، این جرقّه ها چه شـعله هـای خانمـان سوزی را برخواهـد افروخت؟ آیـا در بازار گرم این جـذب و انجـذاب دایمی، فرصتی برای گام برداشـتن در راه کسب ملکـات اخلاقی و رشـد صـفات انسـانی برای زن و مرد وجود خواهـد داشت؟ در این صورت، پـاکی و عفـاف عمومی جامعه چه وضعی خواهد داشت؟

آیـا این وضع، مسـتلزم مفاسـد اجتماعی گسترده ای همچون رخوت و سـستی نیروی کارآمـد جامعه، افزایش آمار طلاق، قتل، تجـاوز، خودکشـی هـای ناشـی از ناکـامی، کاهش رشـد آمار ازدواج، رشـد شدیـد تعـداد کودکان بی خانمان و بی هویت و افزایش انواع بیماری های روحی و روانی نخواهد بود؟

در اسلام، کانون گرم خانواده از محوری ترین و حسّاس ترین محیط ها برای

پرورش انسان های الهی و تکامل یافته است. آیا در شرایط پیش گفته، هیچ کانون گرم خانوادگی ای وجود خواهد داشت؟ چه رسد به کانونِ سرشار از مهر و عطوفتی که باید مهد پرورش مسجود فرشتگان قرار گیرد! آیا یک جامعه با اهداف بلند و عالی، با این وضع به آرمان های خویش خواهد رسید؟

ویل دورانت می گوید:

سر و سامان بخشیدن به روابط جنسی، همیشه مهم ترین وظیفه اخلاقی به شمار می رفته است؛ زیرا غریزه تولید مثل، نه تنها در حین ازدواج، بلکه قبل و بعد از آن نیز مشکلاتی فراهم می آورد و در نتیجه شدّت وحدّت همین غریزه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافاتی که از جادّه طبیعی پیدا می کند، بی نظمی و اغتشاش در سازمان های اجتماعی تولید می شود.(۱)

با این حال، پرسش این است که سرانجام برای سامان بخشیدن به این روابط و فرونشاندن شعله های خانمان برانداز غریزه جنسی چه باید کرد؟!

ه) سرکوب مطلق غریزه جنسی و نقد آن

شاید به گمان برخی، چون شعله های این آتش از درون مرد شعله ور می شود، اگر قرار باشد چیزی مهار و کنترل گردد، غریزه سرکش مرد است. ازاین رو، باید در صدد سرکوب این میل سرکش درونی بر آمد.

این عقیده تا آنجا پیش رفته که حتّی بعضی مکتب ها و آیین ها، علاقه جنسی را امری ذاتاً پست و پلید می دانند و برخی، توجّه به این میل را حتّی اگر به صورت ازدواج مشروع و قانونی باشد، موجب تباهی و سقوط به شمار

---

۱ - ۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، مترجم: احمد آرام، ع. پاشایی و امیر حسین آریان پور، تهران، شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۴، ج ۱، ص ۵۶.

می آورند.(۱)

این گروه از چند نکته غفلت ورزیده اند:

۱. این میل و کشش در وجود مرد، ودیعه ای الهی و سرمایه ای برای بقای نسل بشر و از لوازم حیات بشری است و قلع و قمع کردن آن، با انقراض نسل انسان ها مساوی بوده و با حکمت الهی و هدف آفرینش سازگار نیست.

۲. سرکوب و کنترل این میل، به صورت یک طرفه و بدون مراعات از سوی زنان، آن قدرها هم ساده نیست و برای مرد ارزان تمام نمی شود. در جامعه ای که مردان به دلیل آزادی زنان در پوشش و منش که به طور طبیعی پی آمدهایی چون آرایش، عشوه گری و... در پی خواهد داشت، در یک حال تحریک همیشگی قرار دارند، تا چه حدّ می توان از آنان انتظار مقاومت داشت؟

به راستی، نظام اعصاب مرد تا چه اندازه می تواند بار هیجان ناشی از این تحریک ها را تحمّل کند، حال آنکه صاحب نظران، بر ناتوانی مقاومت مرد در این زمینه اذعان دارند.

بی شک، در اختیار گرفتن عنان تمایلات نفسانی و چیرگی سپاه عقل بر حریف قدرتمندی چون نفس، کاری بس دشوار است که تحمل سخت ترین ریاضت های مشروع را می طلبد و به یقین، تمام مردان درآن درجه از ایمان و تزکیه قرار ندارند که بتوانند از عهده این ریاضت ها برآیند.

۳. غریزه جنسی نیز همچون دیگر غریزه های وجود آدمی، در حدّ مورد نیاز طبیعت، به ارضا نیاز دارد و مبارزه با اقتضای غریزه ها در این حدّ، عوارض

---

۱ – ۱. نک: نظریه سن ژروم؛ مرتضی، مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم، انتشارات صدرا، ص ۱۲؛ برگرفته از: زناشویی و اخلاق، ص ۳۰.

وخیم و ناگواری به همراه خواهد داشت. سرکوب این میل، ناکامی و محرومیّت در پی دارد و در نتیجه، موجب انواع اختلال های روانی و بیماری های روحی می گردد.

روان شناسان، ریشه بسیاری از عوارض ناراحت کننده عصبی و بیماری های روانی و اجتماعی را، احساس محرومیّت، به ویژه در زمینه امور جنسی می دانند و می گویند محرومیت ها، سرچشمه تشکیل عقده هاست که گاه به صورت صفت هایی خطرناک، مانند میل به ظلم و جنایت، کبر، حسادت، انزوا و گوشه گیری، بدبینی و... بروز می کند. این اصل در موضوع زیان هایِ سرکوب غریزه ها، کشف روانی با ارزشی بوده و در ردیف ارزنده ترین موفقیت های بشر به شمار می آید.(۱)

و) رها سازی مطلق و نقد آن

ضررهای ناشی از منع مطلق میل جنسی، گروهی را بر آن داشته تا این نظریّه را به شدّت رد کرده، طرفدار آزادی بی حدّ و حصر غریزه ها گردند. از شمار این افراد، فروید است که می گوید: «تا ممکن است باید غریزه را آزاد گذاشت تا ناکامی و عوارض ناشی از آن پیش نیاید».(۲)

برتراند راسل نیز طرفدار آموزه آزاد گذاشتن غریزهاست. به نظر او، باید غریزه ها را به حال خود رها کرد تا پس از ارضا و اشباع، تسکین یابد.(۳) بر

ص: ۴۱

۱- ۱. همان، ص ۶۳.
۲- ۲. مرتضی مطهّری، مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۷۶، چ ۴۸، ص ۱۱۲.
۳- ۳. همان، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

اساس این دیدگاه، باید زنان را آزاد گذاشت تا غریزه مطلوب واقع شدن و جلوه گری خویش را با نمایش دادن ظرایف و زیبایی های خود و با هر عشوه و شیوه دلخواهی اقناع سازند. همچنین باید به مردان نیز اجازه داد تا با نگاه آزاد و به دنبال آن لذّت جویی روحی و جسمی و بهره وری کامل از جنس مخالف، غریزه جنسی خویش را ارضا کنند. این چیزی نیست جُز بی بند و باری در منش و پوشش زن، و گفتیم که چنین چیزی، به معنای تحریک بدون ضابطه و نامحدود غریزه جنسی است. اگر جامعه ای این مسئله را پذیرفت، به ناچار باید رفع هرگونه محدودیت در رابطه جنسی را نیز پذیرا باشد؛ زیرا تحریک بی ضابطه غریزه جنسی، ارضای بی ضابطه آن را می طلبد وگرنه،سیل بیماری های روحی و روانیِ ناشی از محرومیت هاست که به سوی افراد چنین جامعه ای سرازیر خواهد شد. البته با پذیرفتن این ارضای بی ضابطه، بزرگ ترین جنایت در حقّ زنان روا داشته شده و ظریف ترین موجود بشری، در کثیف ترین منجلاب ها فرو خواهد رفت.

در این آزادی جنسی یا به عبارتی رهاسازی جنسی، بازنده نهایی زن است؛ چنان که در دوره های ترویج حرم سرا، آسیب نهایی متوجّه زن بود. البته با اندکی تفاوت، «دنیای امروز کاری کرده است که مرد عیّاش این قرن، نیازی به تشکیل حرم سرا با آن همه خرج و زحمت ندارد. برای مردِ این قرن از برکت تمدن غرب، همه جا حرم سراست... برای مرد این قرن، داشتن یک اتومبیل سواری و [درآمد اندک ماهانه]، وسیله عیاشی و بهره برداری از جنس زن را فراهم می کند که هارون الرشید هم در خواب ندیده است. اگر قهرمان هزار و یک شب سر از خاک بردارد،... بی درنگ اعلام خواهد کرد تعدد زوجات و

ازدواج موقت ملغی؛ زیرا اینها برای مردان در برابر زنان تکلیف و مسئولیت ایجاد می کند. اگر بپرسید برنده این بازی دیروز و امروز معلوم شد، پس بازنده کیست؟ متأسّفانه باید گفت: موجود خوش باور و ساده دلی است که به نام جنس زن معروف است».(۱)

از سوی دیگر، باید توجّه داشت که بی تردید تقاضای نامحدود، انجام ناشدنی بوده و همواره با نوعی احساس محرومیّت همراه است. ازاین رو، دوباره همان مشکل پیشین رخ می نمایاند؛ محرومیت، ناکامی، عقده های روحی و روانی و... . امام صادق علیه السلام چه زیبا می فرماید:

نگاه ناپاک، تیری از تیرهای مسموم و آلوده ابلیس است و چه بسیار نگاهی که موجب عقده و حسرت طولانی می گردد.(۲)

از این گذشته، طرفداران این دیدگاه، یک مسئله را فراموش کرده اند و آن اینکه همه غریزه های انسانی، همانند غریزه خوردن و خوابیدن نیست که سطحی، محدود و قابل سیر شدن باشد، بلکه گروهی از این غریزه ها همچون مال پرستی و جاه طلبی، سیری ناپذیر و دریا صفتند. مَثَل این غریزه ها، مَثَل آتش دوزخ است که سیری نمی پذیرد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «به جهنّم می گوییم اشباع شدی؟ می گوید: آیا باز هم هست؟» (ق: ۳۰)

غریزه جنسی دو جنبه دارد: از نظر حرارت جسمی از نوع اول است، ولی از نظر تمایل روحی چنین نیست، بلکه از این نظر، هرچه ارضا گردد، عطش روحی آن بیشتر می گردد. سعدیِ شیرین سخن می گوید:

۱- ۱. مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، چ ۲، ج ۱۹، صص ۷۹ و ۸۰.
۲- ۲. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب نوادر، ص ۵۵۹.

مراد هر که بر آری، مطیع امر تو گشت***خلاف نفس که فرمان دهد چو یافت مُراد

خود راسل نیز اعتراف دارد که عطش روحی در مسائل جنسی، غیر از حرارت جسمی است. آنچه با ارضا تسکین می یابد، حرارت جسمی است، نه عطش روحی.(۱) به قول استاد مطهری «به طور کلی، در طبیعتِ انسان از نظر خواسته های روحی، محدودیّت در کار نیست. انسان روحاً طالب بی نهایت آفریده شده است.»(۲) حتّی فروید که طرفدار سرسخت آزادی غریزه جنسی بود، متوجّه شد که خطا رفته است. ازاین رو، پیشنهاد کرد که باید آن را از راه خاص خودش به مسیر دیگری منحرف کرد و به مسائل علمی و هنری مانند نقّاشی و... منعطف ساخت و به اصطلاح طرفدار تصعید (والاگرایی) شد.(۳)

درست است که سرکوب غریزه ها و به ویژه غریزه جنسی، پی آمدهای ناگواری دارد، ولی برداشتن قید و بندهای اجتماعی و آزاد گذاشتن آن نیز نه تنها مشکلی را حل نمی کند که بر شدّت آن می افزاید. چنان که آمار خودکشی و مشکلات روحی در کشورهایی که محدودیت روابط جنسی در آنها نسبت به سرزمین های دیگر پایین تر است، از دیگر کشورها بیشتر است.

از این گذشته، آیا ارضای بی ضابطه این غریزه، مانع از ارضای غریزه های طبیعی دیگر، همچون غریزه پدری، مادری، فرزندی، همسری و سرانجام

۱- ۱. مسئله حجاب، ص ۱۱۴.

۲- ۲. همان، ص ۱۱۸.

۳- ۳. همان، ص ۱۲۱.

خویشاوندی نخواهد بود؟ به یقین، پاسخ، مثبت است.

به طور کلّی، از آنجا که قوانین و مکتب های بشری، از ذهن موجودی محدود برمی خیزد، از اساس یک سویه نگرند، به ویژه آنجا که پای موجود پیچیده ای به نام «انسان» در میان باشد که قضاوت ها در این مورد، همراه با افراط و تفریط است.

ز) بهترین راهکار

تنها قانونی که می تواند حیات این موجود پیچیده را اداره کند و بر همه زوایای زندگی او حکومت نماید، قانونی است که از طرف ذات متعالی باشد که او را با این همه ظرافت و دقّت آفریده است ؛ زیرا تنها اوست که بر همه جنبه های پیدا و پنهان او آگاهی دارد و از همه مهم تر، ذات پاکش عین عدل و عدالت بوده، از هرگونه ظلم و تبعیض به دور است.

دین مبین اسلام، برخلاف مکتب های مادّی و بشری، به صورتی جامع و همه سویه به غریزه های بشر می نگرد. از نظر این مکتب الهی، سرکوب این میل، همانند میدان دادن بی حدّ و حصر به آن، به شدّت نکوهش و نفی شده است. دین اسلام در هر زمینه، افراط و تفریط را مردود دانسته، این دو را شیوه جاهلان معرفی می کند و در زمینه غریزه های انسانی نیز، راه میانه روی را پیشنهاد می کند.

غریزه طالب بودن مرد و مطلوب واقع شدن و جلوه گری در زن، از تدبیرهای دقیقی است که بر اساس حکمت الهی، در وجود هر دویِ آنها به ودیعه نهاده شده است. به این ترتیب که در مرحله اول، برای ارضای مشروع و طبیعی این دو میل، امر مقدّس ازدواج را قرار داده و آن را از آیات و نشانه های

الهی شمرده است.(۱) در احادیث نبوی و همچنین احادیث رسیده از ائمه معصومان علیهم السلام نیز در مورد ازدواج، تأکید و تشویق های فراوانی صورت گرفته است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر کس می خواهد از سنّت من پیروی کند، باید ازدواج کند.(۲) هر کس ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.(۳)

از امام صادق علیه السلام هم روایت شده است که:

دو رکعت نمازی را که افراد متأهل بخوانند، از هفتاد رکعت نمازی که افراد مجّرد بخوانند، برتر است.(۴)

اسلام، جولانگاه این دو غریزه را به محیط خانواده محدود کرده و ارضای این دو را به کانون گرم و سرشار از اُلفت زوجین اختصاص می دهد. با امر مقدّس ازدواج، حس مطلوب واقع شدن زن و بُعد جسمی غریزه جنسی مرد در حدّ اعتدال ارضا می گردد، البته عطش روحی او و بُعد آتشین این غریزه، تنوّع پذیر و اشباع ناشدنی است. با وجود این، باز هم مرد از دیدن زیبایی و ظرافت های جنس مخالف لذّت می برد و به آن گرایش پیدا می کند. پس هنوز هم پنجره ای رو به ناکامی ها برای او گشوده است و عفاف و پاکی جامعه نیز همچنان مورد تهدید است.

۱- ۱. روم: ۲۰.

۲- ۲. محمّد بن الحسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه اسلامیّه، ۱۴۰۳ ه . ق، ج ۷، کتاب النکاح، ابواب مقدماته و آدابه، باب ۱، صص ۳ و ۴، حدیث ۶.

۳- ۳. همان، ص ۵، ح ۱۱.

۴- ۴. همان، باب ۲، ص ۶، ح ۱.

این میل سرکش، به مهار و تعدیل نیاز دارد و اسلام، تدابیری برای رام کردن آن اندیشیده است. البته برخلاف مکتب های مادّی و بشری، این تدابیر، دور از هرگونه یک سویه نگری و جُزئی نگری است. اسلام در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معیّن کرده است. زن و مرد هر دو وظیفه دارند از تحریک و تشدید این میل و شعله ور ساختن آن بپرهیزند. در این زمینه، تکلیف عمومی زن و مرد، کنترل نگاه است که دریچه گناه به شمار می آید. اول از همه، مرد که عامل تحریک پذیر است و به ویژه بینایی اش حساسیت بیشتری در این زمینه دارد، موظّف شده تا ورودی چشم خویش را با چشم پوشی از منظره های محرک و شهوت انگیز و به ویژه اندام جنس مخالف کنترل کند. خداوند تعالی در آیات حجاب، پیش از هر چیز به مردان دستور مراقبت از نگاه می دهد:

قُلْ لِلْمُؤْمِنینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ ... ؛ ای رسول ما، به مردانِ مؤمن بگو تا چشم ها را (از نگاه ناروا) بپوشانند» (نور:۳۰)

البته همان طور که گفتیم، روان شناسان، دانشمندان و صاحب نظران اذعان دارند که مقاومت مرد در این زمینه ضعیف بوده و کنترل این میل به صورت یک جانبه وبدون مراعات از سوی زنان، کاری بسیار دشوار است که هر مردی توان آن را ندارد. اینجاست که نقش مهم زن در حفاظت از عفت عمومی جامعه نمایان می گردد.

در جامعه ای که زنان از نظر تجمل و تبرّج آزادند، مردان تا چه حد می توانند نگاه خویش را کنترل کنند؟ آیا این امر فعالیت اجتماعی آنان را مختل نمی کند و نیمی از نیروی انسانی جامعه را فلج نمی سازد؟ آیا این تکلیف

به مردان، برخلاف عدالت نیست؟ بدون تردید، پاسخ مثبت است.

بدین ترتیب، آشکار می گردد که غریزه خودنمایی و تبّرج زن، به تعدیل و کنترل نیازمند است. به همین دلیل، اسلام پس از آنکه به مردان دستور کنترل نگاه می دهد، بی درنگ زنان را موظّف می کند تا زیبایی های وجود خویش (مگر آنها را که به طور قهری آشکار است) از دید مردان بیگانه نهان ساخته و از خود نمایی بپرهیزند:

... وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ إِلّا ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ ... (نور: ۳۱)

... (ای رسول، زنان مؤمن را بگو) زینت و آرایش خود، جُز آنچه قهراً ظاهر می شود، بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه(۱) بپوشانند... .

بر این اساس، اگر وظیفه پوشش در مورد زن از تأکید بیشتری برخوردار است، بدان سبب است که ملاک آن مخصوص زن است.(۲) به قول صاحب تفسیر الفرقان:

هر چند حکم حجاب درباره زنان شدیدتر و وجوب پوشش برای آنان محکم تر است، ولی همانا مفاتن بدن زنان و زیبایی های اندام آنان نیز تحریک کننده تر است.(۳)

زن، مظهر جمال و مایل به خودنمایی است. ازاین رو، طبیعی است که به

۱- ۱. باید گفت چون منظور از سرپوش، پوشش گردن و روی سینه هاست، شامل مقنعه و هر پوششی که چنین باشد می شود.

۲- ۲. مسئله حجاب، ص ۱۴۴.

۳- ۳. محمد صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فرهنگ اسلام، ۱۴۰۶ ه .ق، چ ۲، ج ۱۸، ص ۱۱۴.

زن بگوینـد که خود را در معرض نمـایش قرار ندهـد؛ نه به مرد. همان گونه که مردان به دلیل گرایش به نگاه و چشم چرانی، پیش از دستور پوشش برای زن، به چشم پوشی موظّف شده اند.

البتّه نبایـد فراموش کرد که اگر حجاب ظاهری زن، با حجابِ باطنی اش همراه نشود و او نتوانـد بر اساس باورهای مـذهبی اش حـایلی میـان افکـار و عقایـد و غریزه هایش پدیـد آورد، بـدون تردیـد، حجاب ظاهری به تنهایی نمی توانـد در پیش گیری از گسترش فسـاد و حفـظ عفـاف عمومی جـامعه نقش قابـل توجهی ایفـا کنـد، بلکه زن باایمـان بر اسـاس آیه ۵۹ سـوره احزاب، موظف به رعـایت حجابی است که توأم با حرکات و سـکنات متین او، معّرف هویّت ایمانی اش باشـد و بـدین وسـیله، از زنان هرزه و مورد طمع فاسقان و اهل شهوت جدایش گرداند.

۲. حفاظت از امنیت زن

اشاره

زن به عنـوان موجودی لطیف و جـذّاب، همیشه مورد طمع مردان هوس ران و هرزه بوده و هست و در این راه، خسـارت هـای روحی و جسمی فراوانی بر پیکر ظریف و روح لطیف او وارد شده است.

امروزه یکی از معضـلات اجتماعی جوامع متمدّن که سـنگ آزادی زن را به سـینه زده و او را به نام آزادی، با پیکری عریان و بزک کرده در صـحنه اجتماع وارد می سازند، مسئله امنیّت زنان است. سیل تجاوزهای به عنف و حتّی تجاوز به محارم و انواع خیانت ها و جنایت های دیگر، دنیا را برای زن نا امن و امنیت را برای او به آرمانی دست نایافتنی بدل کرده است.

الف) آمار ناامنی در کشورهای غربی

گزارش هـای ناگوار و تکان دهنـده ای که از رسانه های گروهی دنیا در این زمینه در اختیار افکار عمومی قرار داده می شود، نیز این مطلب را تأییـد می کنـد و از بحرانی روحی و جنسـی در جوامع امروزی خـبرمی دهـد که هر دو، دست در دست هم، امنیّت زن را خـدشه دار ساخته و آسایش خاطر او را سـلب کرده انـد. روزنامه معروف فرانسوی (لومونـد) در شـماره ۲۰ اکتبر ۱۹۸۴، از قول «نهضت زنـان ایتالیـا» آمـار تجاوزهـا به زنان را چنین گزارش می دهـد: «در ایتالیا، سالیانه تعـداد بیست هزار زن مورد تجاوز قرار می گیرند که به ندرت یک دهم از آنها به علّت بی فایده بودن شـکایت، درصدد شـکایت به مقامات قضایی برمی آیند».

در تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۸۴، کانـال اول تلویزیون فرانسه، در سـاعت یـک بعـد از ظهر به وقت پـاریس، ضـمن گزارش در مورد گسترش روزافزون تجاوزها در فرانسه اعلام کرد: «در فرانسه، سالیانه سیصد هزار نفر، مورد حمله و تجاوز قرار می گیرند».(۱)

این تهدیـدها و نـا امنی هـا، زنان غربی را بر آن داشـته تا هنگام خروج از منزل، همراه خود وسـیله های دفاعی همچون اسـلحه های سـرد و گرم و اسپری های مخصوصی که از گاز اشک آور پُر شده حمل کنند. همچنین آنها به تقویت قدرت بدنی خود می پردازنـد. ازاین رو، بر خلاف آسـیب پذیری و ظرافت اندام خود، با اشتیاق، در کلاس های فراگیری «آموزش های رزمی» که

۱- ۱. آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۴۵.

ورزشی مردانه و خشن است، شرکت می جویند. در این کلاس ها، آموزش های ژاپنی مخصوص دفاع زنان آموخته می شود. به گزارش نشریه معروف آلمانی اشتوتکارتو، «چهار درصد زنان آلمانی در سطح کشور، شیوه های مختلف دفاع از خود را در این کلاس ها فرا گرفته اند که این رقم، در شهرهای بزرگ تا ده درصد رسیده است. در حال حاضر، آموزشگاه های یادگیری فنون دفاع از خود، در اغلب شهرهای مختلف آلمان غربی تشکیل و مشغول به کار شده است».(۱)

البته این تدابیر نیز نتوانسته از اضطراب و دلهره زن غربی بکاهد و امنّیت او را تضمین کند. شاهد این مدّعا، افزایش آمار تجاوزهای ناجوان مردانه به زنان است. روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از همان نشریه که به گزارش ها و طرح و بررسی مسائل و مشکلات زندگی زنان اختصاص دارد، می نویسد: «دویست فقره تجاوز به زن در یک روز. هر روز در کشور آلمان غربی، دویست فقره تجاوز به عنف صورت می گیرد و زنان، قربانیان اصلی این فاجعه می باشند. اخیراً روزنامه آلمانی اشتوتکارتو، ضمن بررسی پی آمدهای افزایش مفاسد اخلاقی و جنسی در آلمان غربی نوشت: سالیانه، هفتاد و پنج هزار تجاوز به عنف به زنان در این کشور صورت می گیرد».(۲)

این آمار، مربوط به بیست سال قبل است، ولی آمار مربوط به دهه پایانی سال ۲۰۰۰ (دو هزار) میلادی وحشتناک تر است. با تأسف باید گفت فقط در

۱- ۱. همان، ص ۶۲؛ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ص ۸، ش ۲۲۸۶، ۲/۲/۱۳۶۲.

۲- ۲. همان.

کشور امریکا، تعداد فرزندان نامشروع، ۴۴۰/۲۵۷/۱ نفر در سال ۱۹۹۷ بوده که رقم قابل توجهی از آن، ناشی از تجاوز به عنف است. رقم تجاوز به عنف روزانه در سال ۱۹۹۶ نیز، ۵۲ مورد گزارش شده است.(۱)

با مرور گزارش های مستند یاد شده و دیگر آماری که هر روزه به وسیله رسانه های گروهی و دیگر منابع معتبر ارائه می گردد، این پرسش به ذهن می رسد که آیا به راستی زنان در این اوضاع و احوال، چه تکلیف و وظیفه ای دارند؟ آن گاه که به دلیل نیاز یا اقتضای شرایط زندگی اجتماعی، ناچارند در هر گام با مردان تماس داشته باشند و پناه بردن به مأمنِ امن خانه و خانواده نیز برایشان ناممکن است. آیا در صورت خودآرایی و تحریک مردان بیگانه، از امنیت بیشتری بهره مند خواهد بود یا با پوشانیدن خود و آنان را از زیبایی ها و آرایه های پنهان خویش با خبر نکردن و به تبع، امیال خفته شان را بیدار نکردن؟ زن در مقام پیش گیری از این تهدیدها و ناامنی ها، چه باید بکند؟

ب) پیشنهاد اسلام

دین مبین اسلام که هیچ یک از پرسش ها و نیازهای بشر را بدون پاسخ نگذاشته، در این مورد، تدبیر حجاب و پوشش را به زن پیشنهاد می کند. در قرآن کریم، حفظ امنیّت و آرامش زنان، از فلسفه های حکم حجاب معرّفی شده است:

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنینَ یُدْنینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ وَ کانَ

ص: ۵۲

۱- ۱. ویلیام جی، بنت، شاخص های فرهنگی در ایالات متحده امریکا در پایان قرن بیستم، مترجم: فاطمه فراهانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، چ ۱، صص ۹ _ ۲۵۴، به ویژه صص ۴۰ _ ۶۰.

اللّهُ غَفُورًا رَحیمًا. (احزاب: ۵۹)

ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند که این کار برای اینکه آنها (به عفّت و آزادگی) شناخته شوند تا از تعرّض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا (در حق خلق) آمرزنده و مهربان است.

در تفسیر کاشف ذیل این آیه آمده است: «این امر، نزدیک تر است به اینکه این زنان به عفّت و پاکی و خویشتن داری شناخته شوند. پس همانا حجاب، زن با حجاب را از زنانی که مورد طمع و آزار اهل فسق و شهوتند، جدا می کند. بنابراین، زنان با حجاب به واسطه سخنان شهوت انگیز و نگاه های هرزه این گونه افراد، مورد اذیت و آزار قرار نخواهند گرفت».(۱)

آری، زن با حجاب و با عفّت، با پوشانیدن اندام و زیبایی های خویش، افزون بر تحریک نکردن شهوت مردان بیگانه، دزدان عفّت و مردان هرزه و شهوت پرست را از طمع در کالای وجود خویش ناامید می سازد و در حقیقت، به آنان پیام می دهد که من، زنی هرزه و هرجایی نیستم. حجابم از درون پاک و ایمان استوارم خبر می دهد و گل خوشبویی هستم که عطر و طراوتم را، به گلستان خانواده ام ارزانی می دارم و با خار حجاب، چشم ناپاک دلان را کور می سازم. ولی هنگامی که زن با چهره ای نقّاشی شده و لباس هایی جذّاب، بدون حجاب و پوشش در اجتماع ظاهر گردد، کالای وجود خویش را بهتر در معرض دستبرد دزدان شرف و اخلاق قرار می دهد و خواه ناخواه، نگاه های آلوده و هرزه جوانان و مردانِ بیماردل را به سوی خویش می کشاند و با این

۱- ۱. محمد جواد مغنیه، التفسیر الکاشف، بیروت، مارس ۱۹۸۱ م، چ ۲، ج ۶، ص ۲۴۰.

جرقّه هـا، آتش خفته شـهوت آنـان را شـعله ور می سـازد، غافل از اینکه زبانه این شـعله، پیش از هر کس، دامن خود او را فرا خواهد گرفت و نخستین طعمه این حریق، عفّت، سلامت و امنیّت خود او خواهد بود. به قول شاعر:

ای دختر پری وش و ای ماه نازنین***ای مه ز باغ حُسن تو گردیده خوشه چین

تو در حجاب هم چو گلِ نو شکفته ای*** کو را هزار آفت وی بود در کمین

زینهار بر مگیر ز صورت، نقاب را***تا از غبار پاک بماند تو را جبین

آن کس که گفت خیرِ تو اندر حجاب نیست*** بی شک نباشد همچو کسی ناصح و امین

او برخلاف عقل و طبیعت زند سخن***حرص مگس کجا و کجا شهد انگبین

تنها حجاب نیست تو را مانع از نظر***صد نکته ای است غامض و پیچیده اندر این

این پرده لطیف که اسمش حجاب شد***بر دفع دشمن از تو بود سدّ آهنین

گر سدّ شکست لشکر دشمن به نام دوست***هم از یسار حمله ات آرد هم از یمین

پامال راه جهل شود اعتبار تو***شادی ندیده ای بت زیبا، شوی غمین

چون رفع شد حجاب، ره فتنه باز شد***باید شدن به مردم چون دیو و دد قرین(۱)

مهر منیر

البّته نبایـد فراموش کرد که به طور معمول مفسده ها و معضـلات اجتماعی، تک علّتی نیسـتند. ازاین رو، خداوند تعالی پس از اینکه در آیه ۵۹ سوره احزاب برای جلوگیری از مزاحمت های افراد هرزه، به زنان دسـتور می دهـد که بهانه ای به دست آنان ندهند، بی درنگ در آیه بعد روی سخن را به طرف اراذل و اوباش گردانیده با لحنی تهدیدآمیز می فرماید:

اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان مرضـی هست و شایعه افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نایسـتند، تو را سـخت بر آنان مسلّط می کنیم تا [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند. از رحمت خدا دور گردیده و هرکجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. (احزاب: ۶۰ و ۶۱)(۲)

آن گاه می افزاید: این دستور تازه ای نیست، بلکه:

این سنّت خداست که در همه دوره ها و امت های گذشته برقرار بوده و بدان که سنت خدا هرگز مبدّل نخواهد شد. (احزاب: ۶۲)

در جامعه ای که نگاه، آزاد و بی ضابطه باشـد، ارضا نیز بایـد نامحدود باشد؛ زیرا نگاه بی ضابطه، ارضای بی ضابطه می طلبد. البته، به یقین ارضـای نامحـدود نـاممکن است و محرومیّت به دنبال خواهـد داشت. غریزه جنسـی، از قوی ترین غریزه هاست و محرومیّت ناشـی از ارضـا نشـدن آن نیز، شدیـدترین محرومیّت ها خواهـد بود. در روایتی نقل شـده که: «چه بسـیار نگاهی که موجب عقده و حسرت

۱- ۱. یوسف نجفی جیلانی، طومار عفّت، رشت، مطبعه فردوس، ۱۳۴۵، ص ۱۶۴.
۲- ۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۴۳۲.

طولانی می شود.»(۱) چشم، عضو متمرکز کننده امواج برخاسته از اقیانوس عظیم حسرت، محرومیّت، مکنت و ناکامی هاست؛ همان گونه که ذرّه بین، اشعه های جداشده از اقیانوس های نورانی خورشید را متمرکز ساخته و می سوزاند. به راستی این امواج سوزنده، با بدن لطیف، ولی عریان زنی که در معرض این نگاه ها قرار خواهد گرفت چه خواهد کرد و چه تأثیری بر زیبایی او خواهد گذاشت؟! اینجاست که عمق تعبیر لطیف امیرمؤمنان علی علیه السلام جلوه می نماید که فرمود: «زکوةُ الجَمالِ العِفاف؛(۲) زکات زیبایی، عفاف است».

زکات از ریشه زکی، به معنای رشد و نمو است. در اسلام برای سرمایه های مختلف، همچون مال، علم و... زکات، مایه رشد و ازدیاد بیان گردیده است. برای مثال، زکات مال، صدقه دادن و زکاتِ علم، آموزش به دیگران است. آنچه هم مایه رشد و فزونی سرمایه زیبایی زن معرفی شده، برخلاف موارد دیگر، بذل و بخشش آن نیست، بلکه عفّت ورزیدن است. کلید عفاف، ستر و پوشش است؛ چنان که در آیه ۶ سوره نور، آنجا که به زنان پیر و سالخورده که امید ازدواج بر آنان نمی رود رخصت برداشتن چادر(۳) داده شده، در پایان پوشیدن این لباس ها را برابر با عفّت ورزیدن معرفی می کند و می فرماید:

وَ الْقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ اللاّتی لا یَرْجُونَ نِکاحًا فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُناحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجاتٍ بِزِینَهٍ وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ. (نور:

ص: ۵۶

۱- ۱. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب نوادر، ص ۵۵۹.
۲- ۲. عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و دررالکلم به صورت موضوعی، مترجم و محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷، چ ۱، ج ۲، باب العفّه، ص ۱۲۹.
۳- ۳. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب القواعد من النساء، ص ۵۲۲، ح ۲.

و زنان سال خورده که از ولادت و عادت بازنشسته اند و امید ازدواج و نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه های اولی خود نزد نامحرمان از تن برگیرند و اگر باز هم عفّت و تقوای بیشتر گزینند، بر آنان بهتر است.

خلاصه آنکه:

آینه بی حجاب به طبع گیرد غبار***خوش بود آیینه را پرده بر او داشتن

غنچه به باغ ایمن است تا بود اندر حجاب***آفتِ جان و دل است چهره عیان داشتن

وافی عراقی

گل تا آن زمان که در پوشش کاسبرگ خود پنهان است و رخ عیان ننموده، شاداب و باطراوت است، ولی همین که از ورای کاسبرگ، سر برآورد، در عمل پایانِ گل بودن را برای خویش اعلام کرده است. زیبایی و طراوت زن نیز تا آن زمان پابرجاست که در پوششی پنهان باشد. جهانِ غرب هم امروز به این مطلب رسیده است و به ناچار از شیپورهای تبلیغاتی خویش فریاد بر می آورد که معدّل زیبایی زن، در برابر برهنگی رو به کاهش است، غافل از اینکه دین مبین اسلام چهارده قرن پیش به این مطلب اشاره کرده و درباره آن هشدار داده است. یکی از حکمت های الزام شرع مقدس اسلام به پوشیدگی زنان، آن هم به حد قابل توجهی بیشتر از مردان، می تواند همین امر باشد. به هر حال، تهدیدی که برهنگی نسبت به زیبایی زن دارد و ضرری که از این جهت

متوجّه اوست، اگر قطعی و صددرصد هم نباشد، محتمل است و رفع ضرر محتمل نزد عقلا واجب است؛ زیرا اگر کودکی به عاقلی خبر دهد که فلان آب مسموم است، او هرگز از آن آب نخواهد نوشید. اگر کسی هم گوهر باارزشی داشته باشد و آن را در معرض دستبرد قرار دهد، عاقلان او را نکوهش می کنند. همچنین است حکم پوشش که اگر زن، پای بند به اصول مذهبی هم نباشد، عقل بر او حکم می کند که خود را در مقابل نگاه مردان بیگانه بپوشاند، وگرنه مورد سرزنش عقلا واقع خواهد شد.

۳. حفاظت از حقوق شخصی زن

انسان افزون بر قوای شهوی، غضبی و بهیمی، از قوّه عقلانی نیز برخوردار است و همین امر، او را از دیگر حیوانات متمایز می سازد. محدوده لذت بری و تمتّع آدمی نیز به واسطه همین قوّه نکته سنج و لطیف، نسبت به دیگر حیوانات گستردگی بیشتری دارد.

قوّه شهوی حیوان برخلاف انسان، بدون دیگر قوای او و به طور جداگانه اعمال می گردد. برای مثال، گوسفند هنگام آمیزش، هیچ گاه درباره زشتی، زیبایی، آرایش و رعنایی طرف مقابل نمی اندیشد و از این امور لذت نمی برد. امّا انسان افزون بر آن لذت مختص به حیوانات، از تمام حرکات، سکنات، صداها، اشاره ها و دیگر ویژگی های طرف مقابل و در یک کلام از تمام بدن او متمتع گردیده، لذّت می برد.(۱) تمتّعات از حقوق شخصی هر فرد است. زن در

۱- ۱. وسیله العفائف یا طومار عفّت، ص ۱۱۰.

بُعد انسانی همتای مرد است، حقوقی دارد و باید از حقوق خود بهره مند گردد.

«حق» از زیباترین و پسندیده ترین واژه های آفرینش است و در تمام ادیان و جوامع بشری مورد توجّه است. حقوق و ادای آنها، فراتر از زمان ها، مکان ها، اشخاص و ادیان است. در واقع، انسان از هر طبقه اجتماعی و با هر دین و مکتبی، به ادای حقوق دیگران حساسیت نشان می دهد و این مطلب، حق و حقوق را فرا زمانی و فرا مکانی جلوه گر می سازد.(۱) از سویی دیگر، حفظ حقوق شخصی، از نظر اخلاقی و عقلی لازم است.

به یقین، پاسبانی از این حقّ شخصی، با بی حجابی ممکن نخواهد بود. زن بی حجاب شاید بتواند از کام جویی هایی که جنس مخالف توسطّ دیگر حواس پنج گانه از او دارد جلوگیری کند، ولی هرگز نمی تواند از لذّت جویی مرد با حسّ قدرتمند بینایی درامان بماند. بر این اساس است که شرع مقدّس اسلام، دژی محکم در اختیار زن قرار داده تا به وسیله آن، از این حق نگهبانی کند و آن قلعه مستحکم، چیزی نیست جز حجابی که بر او واجب کرده است. نه برای اینکه او را محدود کند، بلکه، برای اینکه به او قدرت بخشد و در او مصونیت ایجاد کند.

این حقّ زن است که با پوشانیدن و مخفی داشتن جاذبه های ظاهری خویش، به هیچ مردی اجازه لذت جویی و بهره برداری گناه آلود از آن را ندهد. پس پوشش بیشتر زن نسبت به مرد، نه تنها حافظ حقوق شخصی او که عین حقّ اوست.

ص: ۵۹

۱- ۱. ناهید طیّبی، «حجاب و عفاف، مروری دوباره ۱»، پیام زن، ش ۹۵، سال ۸، بهمن ۱۳۷۸، ص ۷۶.

۴. حفظ ارزش و کرامت والای زن

مسئله ارزش ها و ضدّ ارزش ها در هر مکتب، یکی از مسائلی است که با جهان بینی آن ارتباطی مستقیم دارد و از جمله این ارزش ها، ارزش و اهمیّت زن است که در طول تاریخ و در جوامع مختلف بشری، بسته به نوع جهان بینی هر قوم، قبیله و جامعه ای دارای نوسانات مختلفی است و اشاره به گوشه ای از آن خالی از حُسن نیست:

در یونان [باستان]، زن جزو کالاهای تجاری در بازارها خرید و فروش می شد، بدون شخصیّت حقوقی و اجتماعی بود و بعد از وفات شوهرش حقّ زندگی نداشت. مرد می توانست زنِ خود را به هر که بخواهد قرض دهد یا به دوستانش هدیه کند.(۱)

در استرالیا زنان به مثابه حیوانات اهلی بودند و در مسافرت ها حمل تمام اثاثیه خانه و بچّه توسط زنان انجام می گرفته است. همچنین در مواقع قحطی و گرسنگی، زنان را می کشتند و گوشت آنها را می خوردند.(۲)

مجامع مسیحی ایتالیا و اسپانیا، پس از مناظرات زیاد معتقد شدند که در میان زنان جهان فقط حضرت مریم علیهاالسلام انسان بوده و دارای روح جاوید است؛ بقیّه زنان دارای صفت انسانی نبوده، علاوه بر آنکه روح جاوید ندارند، برزخ بین انسان و حیوان محسوب می گردند.(۳)

در آفریقا اهمیّت زن و دختر از یک تخم مرغ کمتر بود. چه آنکه اگر سبد تخم مرغ از دست دختر یا زن آفریقایی می افتاد و تخم مرغ های آن

۱- ۱. حسن صدر، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران، سازمان کتاب های جیبی، چ ۳، صص ۲۹ _ ۳۱.

۲- ۲. محمد باقر محقق، حقوق مدنی زوجین، ص ۴.

۳- ۳. حقوق مدنی زوجین، ص ۱۱.

می شکست، به اعدام محکوم و کشته می شد؛ در مجلس جشن یا میهمانی از گوشت دختران استفاده می کردند و آنها را می کشتند و گوشتشان را کباب کرده، برای میهمان می آوردند.(۱)

ارزش و اعتبار زن در میان اعراب جاهلی پیش از اسلام نیز تفاوت چندانی با موقعیّت او در میان دیگر اقوام نداشت. زنده به گور کردن دختران در زمان جاهلیّت عرب، معروف است. قرآن در این باره می فرماید:

چون یکی از آنها را به فرزند دختری مژده آید، از شدّت غم و حسرت رخسارش سیاه شده و سخت دلتنگ می شود و از این عار، روی از قوم خود پنهان می نماید. به فکر افتد که آیا آن دختر را با خواری نگهدارد یا زنده به گور کند. (نحل: ۵۸ و ۵۹)

مقام و موقعیّت زن در جاهلیّت نوین غرب نیز دست کمی از موقعیّت او در جاهلیّت عرب و دیگر اقوام و تمدن های گذشته ندارد. در جهان بینی مادّی و بدون معنویت غرب، مادیت حرف اول را می زند. براساس این جهان بینی، انسان جُز «تن» چیز دیگری نیست و این «تن» یکی از مهم ترین آبشخورهای لذّتِ اوست و او در فرصت محدودی که تا مرگ دارد، باید تا می تواند از همه لذت ها بهره مند شود. در چنین جامعه ای، زن دیگر آن انسانی نیست که امانت دار الهی باشد و بتواند تا آنجا والامقامی یابد که به دیدار پروردگار خویش برسد. او فقط «تن» است و ارزش او در این جامعه، تنها به اندازه ارزش «تن» اوست.

در این جهان بینی، زن تنها یک ارزش دارد و آن ارزش زنانگی اش است.

۱- ۱. همان، ص ۳.

او تا وقتی در جامعه اعتبار دارد که بتواند بیشترین لذّت بخشی را با «تن» و اندام زنانه خویش داشته باشد و پس از نابود شدن این جاذبه به هر دلیل و علّتی، همه موجودیّت، هستی، ارزش و اعتبار خویش را در جامعه از دست خواهد داد. در بینش مادیّ و دنیایی غرب، انسان باید بیشترین لذت جسمی را از جهان و هر آنچه در آن است ببرد. پس طبیعت، حیوانات و حتّی انسان ها نیز باید به مصرف او درآیند و از سویی، باید مصرف کنندگان خوبی برای کالاهایی باشند که او برای افزونی سرمایه، تولید کرده است. این جهان بینی بی معنویّت، نظام اقتصادی متناسب با خویش را می طلبد که همان نظام «سرمایه داری» است و وظیفه دارد جهان و هر آنچه در آن است را به هرچه بیشتر مصرف شدن و مصرف کردن(۱) وادارد. زن که فقط جسم و تَن است، برای آنکه در چنین نظامی که غیر از مصرف شدن و مصرف کردن، هیچ ارزش دیگری را به رسمیّت نمی شناسد، موقعیتی بیابد، باید مصرف کننده و مصرف شونده مناسبی باشد. افزون بر این، او نیروی کارآمد و کم توقعی است که برای تولید کالا بسیار مناسب است. اسف انگیزتر اینکه، جاذبه جنسی و ظواهر جسمی او، وسیله خوبی است برای مصرف هرچه بیشتر دیگر کالاهای مصرفی. اینجاست که دست قدرتمند سرمایه دار، زن را چون طعمه ای برای گرمی بازار خویش برمی گزینند و او افزون بر هرچه بیشتر مصرف شدن و مصرف کردن، باید وسیله ای گردد برای مصرف هرچه بیشتر هر چیز دیگر.(۲)

در این راستا، زن باید بیشترین استفاده را از اندام و ظواهر جسمی و زنانه

ص: ۶۲

۱– ۱. البته در «مصرف شدن»، تن و جسم زن است که توسطّ مرد مصرف می شود، ولی در «مصرف کردن»، زن وسیله ای برای تبلیغ کالا و وسیله ای برای مصرف کالاهای تولید شده می گردد.

۲– ۲. نک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، صص ۳۲ _ ۳۶.

خویش بنماید. او هرچه عریان تر گردد، جذّاب تر می شود و هرچه جذّاب تر گردد، به کارآیی خویش می افزاید. زن عروسکی است زیبا و پرجاذبه در دست کارگزاران قدرت و سرمایه داران بزرگ که برای رسیدن به منفعت های خویش، او را با سر و اندام عریان به نمایش می گذارند و وقتی کهنه و فرسوده گشت، به راحتی به دور می اندازند.

در چنین جامعه ای که ارزش های والای انسانی زن رنگ باخته، او ناچار است تنها با تکیه بر ارزش زنانگی خویش جایی برای خود باز کند و شخصیت و ارزشش، به اندازه عروسک یا کالایی بی ارزش و مصرفی پایین می آید. البته مسئله در همین حد تمام نمی شود و این ارزشِ اندک و دروغین نیز برای زن ماندگار نخواهد بود. طبیعت آدمی چنین است که اشیای کمیاب هرچند کم فایده، برای او ارزشمند و اشیای فراوان هرچند پرفایده برایش بی ارزش خواهد بود. مثال روشن این قضیّه، نعمت عظیم آب است. همه می دانند که زندگی بشر بدون آب محکوم به نابودی است و هیچ موجود زنده ای بدون آن، امکان ادامه حیات ندارد، ولی می بینیم که به دلیل وفور و در دسترس بودن این نعمت حیاتی، چه اندازه بی اعتنا و پراسراف با آن برخورد می شود و در عین حال، نگرش انسان به طلاـ که نقش چندانی هم در زندگی او ایفا نمی کند، به علّت کمیاب بودنش به گونه ای دیگر است.

این مسئله عمومیّت دارد و اگر زن اندام و زیبایی های جسمی و جاذبه های جنسی خویش را رایگان و بی حدّ و مرز به نمایش بگذارد، پس از مدتی دامنه این عمومیّت، او را نیز شامل خواهد شد. اندکی بعد این جاذبه ها، به دلیل وفور و همه جایی شدن رنگ می بازد. به گفته ویل دورانت: «آنچه بجوییم و نیابیم،

عزیز و گران بها می گردد. زیبایی یک شی ء چنان که خواهیم دید، بستگی به قدرت میل به آن شی ء دارد؛ میلی که با ارضا و اقناع ضعیف می شود و با منع و جلوگیری قوی می گردد».(۱) «دامن های کوتاه بر همه جهانیان به جز خیاطان، نعمتی است و تنها عیبشان این است که قدرت تخیّل مردان را ضعیف تر می کند. شاید اگر مردان قوّه تخیّل نداشته باشند، زنان نیز زیبا نباشند».(۲)

آلفرد هیچکاک، فیلم ساز معروف غربی که براساس شغل خویش تجربه های فراوانی از زنان دارد، می گوید: «من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پُرآنتریک باشد؛ بدین معنا که ماهیّت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود، مردان را به نیروی تخیّل و تصوّر زیادتری وادارد. باید زنان، پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند؛ یعنی کمتر ماهیّت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت دهد.»(۳) البته نه تنها زنانِ غربی به نصایح این فیلم ساز بها ندادند که متأسفانه زنان شرقی نیز به این آفت دچار شدند. هیچکاک ادامه می دهد: «زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می بردند، خود به خود جذّاب می نمودند و همین مسئله، جاذبه نیرومندی به آنها می داد. به تدریج، با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند، حجاب و پوششی که دیروز بر زنان شرق کشیده بود، از میان رفت و همراه آن، از جاذبه جنسی آنها هم کاسته

ص: ۶۴

۱- ۱. لذات فلسفه، ص ۱۲۸.

۲- ۲. همان، ص ۱۵۷.

۳- ۳. مهدی مشایخی، پاسداران عفّت، قم، انتشارات شفق، ص ۶۷.

شد.»(۱) آنجا که «تن» زن منهای «انسانیت» او حرف اول را می زنـد، کاهش جاذبه جنسـی زن، یعنی از میان رفتن همان یک ذرّه ارزش و اعتبـاری که جـامعه برای او قایـل بود. ازاین رو، می بینیم انسـان غربی به علّت فراوانی و بیش از حـدّ در دسـترس بودن کالایی به نام زن، از واقعیت آن احساس سیری کرده و برای تنوّع، به تصویرش روی آورده است.

شاهد این مدّعا، رواج بیش از حدّ فیلم های سکسـی و کاست های مبتذل، پس از رواج برهنگی زن است. این وضـعیّت اسـت که حتّی کارگردانان معروف سـینما را بر آن داشـته تا بگویند: «افسانه زن پایان یافته و زن ها ناگهان جاذبیّت خود را از دسـت داده اند».(۲)

در این شـرایط، دیگر زن نیست که مطلوب واقع می شود؛ زیرا دیگر جـاذبه و ارزشـی برای مرد نـدارد. چنـان که می بینیم، در کشورهای غربی وضع زن به جایی رسـیده که او باید از مرد خواستگاری کند، نه مرد از او. از جوانی اروپایی پرسیده شد: چرا ازدواج نمی کنی؟ گفت: «وقتی که هر روز شیر تازه را به فراوانی بتوان به دست آورد، چرا گاو تهیّه کنم؟»(۳) از این سخن به خوبی می توان میزان انحطاط زن را در جوامع غربی تخمین زد.

اکنون مسئله را از دیدگاه مکتب الهی اسلام بررسی می کنیم. در جهان بینی اسلامی، معنویت حرف اول را می زند نه مادیّت. بر اساس این جهان بینی،

۱- ۱. همان، ص ۱۰۹.
۲- ۲. اولین دانشگاه آخرین پیامبر، ج ۱۹، ص ۱۱۵؛ برگرفته از: کیهان، ش ۸۹۳۸، ص ۱۲.
۳- ۳. زن و آزادی، ص ۱۲۴.

انسان تنها جسم و تن نیست، بلکه بعد گسترده تری به نام روح دارد. بعد جسمی او فانی و بعد روحی اش ماندگار است. رشد جسم، محدود است، ولی روح می تواند آن قدر اوج بگیرد که به مقام «لقاء اللّه» برسد. تن، مرکب روح است و تا آنجا ارزش دارد که بتواند نردبان مناسبی برای تعالی روح قرار گیرد، نه بیشتر.

از دیدگاه مکتبی که بر چنین جهان بینی ای استوار باشد، نقش زن با دیدگاه مکتب های مادّی بسیار متفاوت است. در اسلام، زن دیگر کالا، حیوان یا موجودی در برزخ بین انسان و حیوان نیست؛ بلکه او از نظر انسانیت، سرشت و سرنوشت با مرد مساوی است. زن می تواند همچون مرد به درجه ای از تعالی و رشد برسد که مورد خطاب وحی الهی قرار گیرد، با فرشتگان سخن بگوید، غذای آسمانی برایش فرود آید و مهم تر از همه، به مقام قرب حق تعالی برسد.

در چنین نظامی، زن دیگر عروسک و اسباب بازی در دست مردان نیست، بلکه او مربّی جامعه است؛ کسی که مرد از دامن او به معراج راه می یابد. او نه تنها دارای ارزش والاست که به سبب نقش خطیر تربیتی خویش «زیر بنای فضیلت های انسانی و ارزش های والای خلیفه اللّه در جهان است».(۱)

برخلاف مکتب های مادّی، اسلام به زن چنان مقام و اعتباری داده که به فرمایش خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله دوست داشتن او، ملاک ازدیاد ایمان است:

«مَا اَظُنُّ رَجُلًا یَزْدادُ فی الایمانِ خَیراً إلاّ إزْدادَ حُبّاً لِلنِّساءِ؛ گمان نمی کنم ایمان مرد ازدیاد نیکویی بیابد، مگر اینکه محبتش به زنان افزایش پیدا کند.»(۲) در مکتب اسلام، این جسم

ص: ۶۶

۱- ۱. پیام زن، سال هشتم، ش ۹۱، مهر ماه ۷۸، ص ۲۷؛ بر گرفته از: کلام امام خمینی رحمه الله.

۲- ۲. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب حبّ النساء، ص ۳۲۰، ح ۲.

و تن آرایش یـافته زن نیست که به او اعتبار می بخشـد، بلکه روح سـرشار از عاطفه و لطافت و تربیت الهی اوست. در ارزش و اهمیت زن در اسـلام، همین بس که به فرموده امـام خمینی رحمه الله: «قرآن کریم (کتـاب آسـمانی این دین مبین) انسـان سـاز است و زنان نیز انسان ساز».(۱)

زن مسـلمان که مقام و موقعیتی شگفت انگیز دارد، چرا بدن عریان خویش را در معرض نگاه های خیره هرزگان قرار دهد؟ او همه جسم و تن نیست تـا بـا ارائه هرچه بیشتر انـدام، بخواهـد جایی برای خویش در جامعه باز کنـد. او نیز انسانی است همانند دیگر انسان ها، امانت دار عهـد الهی و خلیفه خدا بر روی زمین، با روحی مسـتعد تکامل و دارای اسـتعدادهای فراوان و این را خوب می دانـد که تا وقتی همه نظرها به انـدام او خیره باشد، هیچ چشـمی نمی تواند ملکات، سـجایای اخلاقی و اسـتعدادهای والای او را بنگرد.

او در پرتو تعـالیم انسـان ساز اسـلام، ارزش حقیقی خویش را خوب دریافته و می خواهـد انسانیت، ملاک ارزیابی شخصـیتش قرار گیرد، نه ظواهر جسـمانی و زنانگی. پس انـدام و زینت های وجودی خویش را در پرده حجاب محفوظ می دارد تا بتواند با ارزش حقیقی خویش و به اعتبار انسانیت و کرامتِ والای یک زن در جامعه به فعالیت بپردازد، نه به عنوان عروسـکی خوش آب و رنـگ برای سـیر کردن شـهوتِ هرزگـان و وسـیله ای برای تبلیغ کالاها، جلب جهانگردان، تزیین دکور اتاق های انتظار و... ، که وقتی رنگ و لعاب و جاذبه ظاهری اش از میان رفت احساس پوچی و پریشانی کند.

ص: ۶۷

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

البتّه ارزش زنـانگی او هم به جای خویش باقی است، ولی حاضـر نیست همین را هم به بهای هر نگاه آلوده و برای سـیر کردن هوس هـای یـک مشت آلوده فریبکار بفروشـد؛ بلکه این گوهر گران بها را در صـدف وجود مردی قرار خواهـد داد که یگانه مرد زنـدگی اش باشـد، نه هر مرد هرزه و هرجایی دیگر. این نکته ظریف را چارلی چاپلین، هنرمند بزرگ سـینما نیز دریافته و ازاین رو، به دخترش جرالدین چاپلین توصیه می کند: «دخترم، هیچ کس و هیچ چیز دیگر را در این جهان نمی توان یافت که شایسـته آن باشد که دختری ناخن پای خود را به خاطر آن عریان کند.... به گمان من، تن تو باید مال کسـی باشد که روحش را برای تو عریان کرده است.»(۱) افسوس و صد افسوس که زنان غربی و متأسّفانه بسیاری از زنان خودباخته شرق، هنوز هم از این نکته غفلت می ورزند.

۵. حفظ حقوق الهی

آری، حجـاب زن در اسـلام و پوشـش بیشـتر او نسبت بـه مردان، افزون بر دلایـل و مزیـت هـای پیش گفته، از حکمـتی دیگر برخوردار است و آن، حفظ جایگاه اصلی، ارزش واقعی، حرمت و شخصیت زن مسلمان است. ازاین رو، می بینیم در حالی که نگاه به زن مسلمان، حت_ی بدون قصد و نظر تحریم گردیده، شرع مقدس، نگاه کردن مرد به زن غیرمسلمان را بدون اندیشه جنسی حرام نکرده است.

سکونی از امام صادق علیه السلام و ایشان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که:

۱- ۱. محمود اکبری، برای ریحانه، قم، پردیسان، ۱۳۷۹، چ ۵، ص ۱۱۹؛ به نقل از آخرین تصویر چارلی، ص ۷۹.

«لاحُرْمَهَ لِنساءِ أَهْلِ الذِّمّه أَنْ يَنْظُرَ إلی شُعورهِنّ وَ أَیدیهِنِ؛(۱) نگاه کردن به موها و دست های زنان اهل ذمّه حرام نیست».

حضرت امام خمینی رحمه الله نیز می فرماید:

نگاه به مطلق کفّار به شرط عدم التذاذ و ریبه، یعنی خوف وقوع در حرام مانعی ندارد، امّا احتیاط آن است که فقط به مواضعی نگاه کرد که عادتاً نمی پوشانند.(۲)

در اینجا، ملاکِ حرمت نگاه، تحریک قوای جنسی، شهوانی و... نیست، بلکه منزلت و حرمت زن مسلمان اصل و ملاک است؛ حرمتی که به فرموده آیت اللّه جوادی آملی، زنان غیرمسلمان از آن بی بهره اند.(۳) ولی حرمت و کرامت زن مسلمان آن قدر اهمیّت دارد که از محدوده حقوقِ شخصی او فراتر رفته است و به نظر برخی از اندیشمندان و حکیمان اسلامی، از حقوق الهی به شمار می آید. آیت اللّه جوادی آملی در این باره می نویسد:

حرمت زن، نه اختصاص به خود زن دارد، نه مال شوهر و نه ویژه برادر و فرزندانش می باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد بود؛ چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق اللّه مطرح است...(۴) و هتک حرمت او برای احدی روا نیست و همگان موظّف به پاسداری از مقام زن هستند. در خلال احکام دینی مشهود است؛ مثلاًـ اگر کسی به حیثیت وی تجاوز کرده و ناموس او را هتک کند، باید محدود شود و هیچ چیزی مایه

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۲، ح ۱.

۲- ۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۲، ص ۲۲۴، مسئله ۲۷.

۳- ۳. عبداللّه جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر إسراء، ۱۳۷۸، چ ۴.ص ۴۳۸.

۴- ۴. همان، ص ۴۳۷.

سقوط حدّ زانی نیست، نه رضایت همسر و نه رضایت خود زن؛ زیرا ناموس او جنبه حق اللّه دارد و نظیر مال نیست که اگر به سرقت رفت و مسروقٌ منه رضایت داد، حدّ ساقط گردد(۱)... لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دارم. از اینکه قرآن می گوید: هر گروهی اگر راضی باشند، شما حدّ الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود عصمت زن، حق اللّه است.(۲)

بر این اساس، حجاب زن از حق های الهی بوده و هر انسان مؤمنی، نه تنها برای منافع رعایتِ پوشش اسلامی، حفظ شأن و منزلت زن مسلمان، مصالح اجتماعی و...، بلکه از روی بندگی خداوند متعال موظّف به ادای این حق است. می توان گفت که حجاب زن مسلمان، پرچم حق پذیری و حق شناسی او در مقابلِ ذات پاک پروردگار است که آن را با افتخار تمام بر فراز کشور وجود خویش می آویزد.

از این همه ادله بر می آید که تفاوت زن و مرد در احکام و از جمله تفاوت های آنان در پوشش، به تفاوت های ظریف جسمی و روحی میان زن و مرد بازمی گردد. این تفاوت ها نه به عنوان تبعیض که به مقتضای حکمت بالغه الهی، ضرورتشان در نظام آفرینش و بر اساس رعایت عدل و مساوات در وجود هر یک از این دو قرار گرفته است.

آنچه در این فصل بدان اشاره شد، در این سخن مولا علی علیه السلام متبلور است که فرمود: «فَإِنَّ شِدَّةَ الحِجابِ أَبْقى عَلَيْهِنَّ؛ پس بی گمان، شدت حجاب و پوشش، برای

۱- ۱. همان، ص ۵۳.

۲- ۲. همان، ص ۴۳۷.

سلامت و استواری هرچه بیشتر زنان سودمندتر است».(۱)

از هر سو که به مسئله پوششِ زن در اسلام می نگریم، می بینیم که این امر در درجه اول و به طور مستقیم به نفع زن است؛ چه در تأمین سلامت روحی و جسمی اش و حفاظت از حقوق فردی و اجتماعی او. در درجه بعد نیز به مصلحت جامعه اسلامی است که منافع آن به صورت غیرمستقیم به خود زن باز می گردد. به همین دلیل، هرچه زن پوشیده تر باشد، مصلحت افزون تری را برای خویش تضمین می کند. ازاین رو، اسوه و الگوی زنان دو عالم، حضرت فاطمه صدّیقه علیهاالسلام، کسی که تربیت یافته کانون وحی است، در دامن نبوّت پرورش یافته و به واسطه زن بودن، بر مصلحت زنان به خوبی آگاه است، بهترین چیز را برای زن این می داند که: «نه مرد بیگانه ای او را ببیند و نه او مرد بیگانه ای را»(۲) و این کلام پُر مغز و عمیق، مورد پسند رسول گرامی صلی الله علیه و آله واقع می شود و بی درنگ ایشان را پاره تن خویش معرّفی می کند. گویا حضرت با این تعبیر لطیف و واکنش دقیق، اشاره به این دارند که این سخن نیز از مکتب من ریشه می گیرد.

۱- ۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۵۳۶.

۲- ۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه، تهران، کتاب فروشی اسلامیّه، ۱۳۸۱ ه . ق، ج ۲، ص ۲۳.

فصل سوم: مقنعه و روسری از منظر قرآن و احادیث

اشاره

در این فصل می کوشیم تا نظر اسلام را درباره روسری و مقنعه بررسی کنیم و کیفیّت، کارکرد و رنگ این پوشش را از دیدگاه قرآن و احادیث به دست آوریم.

نخست به صورت گذرا، پیشینه و حدود حجاب زن را در اسلام بررسی می کنیم.

۱. پیشینه حجاب در اسلام

تا پیش از سال پنجم هجری، بر زنان مسلمان واجب نشده بود که حجاب داشته باشند. در این سال، خداوند، حکم حجاب را بر زنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قرار داد و به مؤمنان دستور داد تا هرگاه از همسران پیامبر چیزی خواستند، از پشت پرده بخواهند: «فَإِذا سَأَلْتُموهَنَّ مَتَاعاً فَسْئَلوهُنَّ مِنْ وَراءِ حَجابٍ؛ هرگاه از زنان رسول متاعی می طلبید، از پس پرده بخواهید.» (احزاب: ۵۳)(۱) سپس آنها را از تبرّج و خود نمایی بازداشت.

اصولاً روش قرآن کریم در بعضی از احکام، تشریع تدریجی است. برای مثال، در تشریع حرمت شراب خواری، نخست شراب خوری و مستی را در اوقات نماز نهی می کند و آن گاه پس از مدتی، حرمت همیشگی آن تشریع

۱- ۱. احمد عابدینی، «سیری در آیات حجاب»، مجلّه فقه، ش ۲۳، س ۷، بهار ۷۹، ص ۵۱.

می شود. در این مورد نیز نخست در مورد همسران پیامبر که به علّت زیستن در کانون وحی و نزدیکی ویژه ای که با رسول خدا صلی الله علیه و آله دارند، از موقعیّت خاصّی برای مؤمنان زن و مرد دارند و مسئولیت بیشتری نیز بر دوششان نهاده شده، حکمِ حجاب صادر می گردد و در مرحله بعد، همه زن های مؤمن به پوشاندن زینت های خویش از چشم نامحرمان وظیفه می یابند:

وَ قُلْ لِلْمؤمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُروجَهُنَّ وَ لاَیُبْدینَ زینَتَهُنَّ إلاّ مَا ظَهَرِ مِنْهاَ. (نور: ٣١)

ای رسول، به زنان مؤمن بگو تا چشم ها و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را، جز آنچه قهراً ظاهر می شود، بر بیگانه آشکار مسازند.

واژه «زینت» به طور مطلق از مفهومی عام برخوردار است که هم زینت طبیعی (خلقی) و هم زینت اکتسابی (عارضی) را شامل می شود.

خلیل بن احمد فراهیدی می گوید: «زیبایی، نقیض زشتی است... و زینت، هر آنچه را به واسطه آن آراسته شود، در بر دارد.»(١) فخر رازی نیز در این باره می نویسد: «بدان! زینت نامی است بر زیبایی های مخلوق که خداوند آفریده و همین طور به آنچه انسان به وسیله آن آراسته و مزیّن می شود، مثل لباس و... اطلاق می شود».(٢)

آیه شریف بالا، زن را مأمور می کند که زینت هایش را بپوشاند و آنها را در مقابل چشمان نامحرم ننهد. البته این حکمِ عام، در ادامه آیه در دو بُعد،

---

١ - ١. فتحیّه فتّیاحی زاده، حجاب از دیدگاه قرآن و سنّت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ١٣٧۶، چ ٢، ص ٢۶؛ برگرفته از العین، ج ٧، ص ٣٨٧.
٢- ٢. فخر رازی، التفسیر الکبیر، قم، ج ٢٣، ص ٢٠۵.

تخصیص خورده و شامل استثناهایی می گردد. عبارتِ: «إلاّ مَا ظَهَرَ مِنْهاَ» اولین استثنا را بیان می کند. از این جمله نتیجه گرفته می شود که زینت زن به دو دسته زینت هایی که به طور طبیعی آشکار است و زینت هایی که به طور معمول پنهان است، تقسیم می گردد.

فقیهان و مفسران در اینکه کدام یک از زینت های طبیعی یا اکتسابی زن، زینت ظاهری است و کدام یک، از زینت های پنهان به شمار می آید، دیدگاه های گوناگونی دارند. همچنین درباره آن، احادیث متعدّدی از معصومان علیهم السلام نقل شده که به علّت گستردگی این دیدگاه ها مجال آوردن همه این احادیث و گفتارها را نمی یابیم. در این مورد، هر کس باید در عمل به فتوای مجتهدی عمل کند که از او تقلید می کند، ولی در اینکه غیر وجه وکفّین (دست ها از مچ به پایین) از زینت های پنهان زن به شمار آمده و پوشانیدن آنها واجب است، از لحاظ فقه اسلامی هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. این قسمت، جزءِ ضروریات و مسلمات است. نه از نظر قرآن و نه از نظر فتواها، در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد.(۱)

فضیل بن یسار می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا ذراعینِ زن نیز از شمار زینت هایی است که خداوند تبارک و تعالی در مورد آن فرمود: (وَ لاَیُبْدِینَ زینَتَهُنَّ)؟ ایشان فرمود: «بلی، آنچه روسری آن را می پوشاند و بالاتر از دو دستبند، از شمار زینت است».(۲)

۱- ۱. مسئله حجاب، ص ۱۸۱.

۲- ۲. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب مایحلّ النظر الیه من المرأه، ص ۵۲۱، ح ۱.

از مسعده بن زیاد نیز نقل است که گفت: «شنیدم که از حضرت صادق علیه السلام در مورد زینت های آشکار زن سؤال شد، ایشان فرمود: صورت و کفّین (دست ها از مچ به پایین).»(۱) همچنین عایشه نقل می کند که خواهرش اسماء در حالی که لباس نازکی به تن داشت، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، حضرت روی از وی بر تافت و فرمود:

ای اسماء، زن هنگامی که به بلوغ می رسد، صحیح نیست که غیر از این قسمت و این قسمت از بدنش پیدا باشد و به صورت و کفّین خویش اشاره کرد.(۲)

در بخش اول آیه، به زنان دستور داده شده زینت های خویش را آشکار نسازند. ظاهر این قسمت از آیه چنین می نمایاند که گویی زن در مقابل جمیع افراد باید این دستور را اجرا کند، ولی ادامه آیه که بیانگر دومین استثنا است، با عبارت: «إلاّ لبعولتهنّ...»، گروه دوازده گانه ای را از این عام، خارج می سازد. این گروه عبارت است از: ۱. شوهران؛ ۲. پدران؛ ۳. پدر شوهران؛ ۴. پسر شوهران؛ ۵. پسران؛ ۶. برادران؛ ۷. پسر برادران؛ ۸. پسر خواهران؛ ۹. زنان؛ ۱۰. مملوکان؛ ۱۱. خدمتکاران مردانی که از زن بی نیازند؛ ۱۲. کودکانی که از امور جنسی بی خبرند.(۳)

پس از اینکه تاریخچه پوشانیدن زینت زن در اسلام و استثناهای آن نیز مشخّص گردید، اینک باید از چگونگی پوشش و پنهان ساختن زینت، سخن به میان آورد.

ص: ۷۵

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۰۹، ص ۱۴۶، ح ۵.
۲- ۲. یا أسماءُ إنَّ المرأَهَ إذا بلَغت المحیضَ لَمْ تَصْلُحْ أنْ یُرَی مِنْهاَ إلاّ هَذَا و هَذَا» و أشارَ إلی وجهِه و کفیَه. أبی داوود سلیمان بن اشعث سجستانی الازدی، سنن أبی داوود، دار احیاء السنه النبویّه، ج ۴، باب فیما تبدی ء المرأه من زینتها، ص ۶۴.
۳- ۳. نک: نور، ۶۰.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

شوهر حق دارد به بدن زن که زیر پیراهن قرار دارد نگاه کند و برادر و فرزند مجازند از روی پیراهن به بدن زن نگاه کنند، ولی در برابر نامحرم، باید چهار لباس پوشید: پیراهن، مقنعه، چادر و شلوار.(۱)

قرآن کریم نیز افزون بر صدور حکم پوشش زنان، برای تأمین حجاب بیشتر و بهتر آنها و همچنین پیشگیری از رواج سلیقه ها و مدل های نامطلوب لباس در مواجهه با نامحرم، دو شکل پوشش خاص به نام «خمار» و «جلباب» را برای بانوان تعیین کرده که در این فصل و فصل بعد، به بررسی این دو نوع پوشش از منظر قرآن و احادیث می پردازیم.

۲. پیشینه مقنعه از منظر قرآن و احادیث

خِمار یا همان مقنعه، یکی از دو پوششی است که در قرآن کریم برای حفظ حریم عفاف زن به آن اشاره گردیده است. این پوشش، از شمار پوشش هایی است که بلافاصله پس از به تکلیف رسیدن دختران غیر مملوك و آزاد بر آنان واجب می گردد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

عَلَی الصَّبِیِّ إِذَا احْتَلَمَ الصّیامُ و عَلی الجاریه إذا حاضَتْ الصِیّامُ و الخمار إلاّ أن تکون مملوکه.

هنگامی که پسر به بلوغ رسید، روزه گرفتن بر او واجب می گردد و هنگامی که دختر به بلوغ رسید، روزه گرفتن و مقنعه پوشیدن بر او واجب می شود،

۱- ۱. لِلزّوجِ مَا تَحْتَ الدّرع و لِلْاِبْنِ و لِلْأَخِ ما فوقَ الدِّرع و لغیرِ ذی مَحرمٍ أربعهُ أثوابٍ: درعٌ و خِمارٌ و جِلْبابٌ و إزارٌ. ابوعلی الفضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۴ ه . ق، ج ۷، ص ۱۵۵، ذیل آیه ۶۰ سوره نور.

مگر اینکه دختر مملوک باشد (آزاد نباشد).(۱)

پوشیدن این نوع حجاب در آیین مقدس اسلام، از تأکید خاصّی برخوردار است. خداوند تعالی در آیه ۳۱ سوره نور که به آیه حجاب نیز معروف است، پس از اعلام دستور پوشش به زن، بلافاصله بی هیچ درنگی خطاب به زن های مؤمن می فرماید: «وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ؛ و (زنان) باید سینه و بر دوش خود را به مقنعه بپوشانند».

در فصل دوم، دیدگاه های لغت شناسان را در مورد واژه خمار گفتیم. از مجموع آنها می توان نتیجه گرفت خمار، پوششی است که زن به واسطه آن، سرش را می پوشاند و این همان لُبِّ مطلبی است که در مورد مفهوم مقنعه و چارقد در کتاب های لغت فارسی مطرح شده است. بنابراین، خِمار همان مقنعه و روسری است که در ایران و نیز بسیاری از کشورهای دیگر متداول بوده و زنان آن را بر سر انداخته، موهایشان را در زیر آن پنهان می ساختند.

مفسّران نیز ذیل آیه مورد نظر، خمار را به همین ترتیب معنا کرده اند که برای اطلاع بیشتر خوانندگان، به پاره ای از آنها اشاره می شود:

الف) المیزان: آن جامه ای است که زن سر خود را با آن می پیچد و زاید آن را به سینه اش آویزان می کند.(۲)

ب) مجمع البیان: خُمُر: مقنعه هاست (جمع خمار) و آن پوشش سر زن

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلوه، ابواب لباس مصلّی، باب ۲۹، ص ۲۹۷، ح ۱.

۲- ۲. سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات محمّدی، ۱۳۵۶، ج ۲۹، ص ۱۶۳.

است که به پیشانی آویخته می شود.(۱)

ج) التبیان: خِمار پوشش سرِ زن است که بر پیشانی می آویزد و جمع آن خُمُر است. جبائی گوید: خُمُر همان مقانع (مقنعه ها) است.(۲)

د) روح المعانی: مقنعه ای که زن بر سر قرار می دهد.(۳)

ه) الجامع لأحکام القرآن: خُمُر: جمع خمار است و چیزی است که زن سرش را با آن می پوشاند.(۴)

و) أحسن الحدیث: خمر «به ضمّ خاء و میم» روسری ها و مفرد آن خِمار است.(۵)

جالب اینجاست که یکی از چیزهایی که به عنوان جهیزیّه برای حضرت زهرا علیهاالسلام خریداری شده، همین «خمار» (مقنعه) بوده است.(۶) این پوشش، همراه با پیراهن و شلوار، حدّ متوسّط پوشش زن در مقابل نامحرم است. محمد بن مسلم در مورد کفّاره قسم که اطعام یا پوشش ده مسکین است و خداوند در مورد آن می فرماید: «مِنْ اَوْسَطِ مَا تُطْعِموُنَ اَهْلیکُمْ اَوْ کِسْوَتِهِمْ» (مائده: ۸۹)، از

۱- ۱. مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۳۸.

۲- ۲. أبی جعفر محمد بن الحسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ه . ق، ج ۷، ص ۴۳۰.

۳- ۳. آلوسی بغدادی، روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ه . ق، چ ۴، ج ۱۸، ص ۱۴۲.

۴- ۴. محمد بن الاحمد الانصاری قرطبی، الجامع لأحکام القرآن، لبنان، دار الکتب العلمیّه، ۱۴۰۸ ه . ق، چ ۱، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۵- ۵. سید علی اکبر قرشی، احسن الحدیث، انتشارات بنیاد بعثت، ۱۳۷۰، چ ۱، ج ۷، ص ۲۰۶.

۶- ۶. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، المطبعه الاسلامیه، ۱۳۸۱ ه . ق، ج ۴۳، ص ۹۴، باب ۵، ح ۵.

امـام باقر یا امام صادق علیهماالسـلام روایت می کنـد که فرمودنـد: «برای هر مردِ مسـکین یک ازار و یک رداء و برای هر زن، آنچه محرّمات بدن او را می پوشاند: شلوار، مقنعه و پیراهن (ازار، خمار یا درع)».(۱)

نکته قابل توجّه اینکه در قسـمت قبلِ آیه، به پوشـش زینت های پنهان زن دسـتور داده شـده بود و مو و سـر و گردن زن نیز از زینت هـای چشم گیر او به شـمار می آیـد و دسـتور دوبـاره به پوشـش مقنعه و تأکیـد مضـاعفِ این مطلب، می توانـد نشان از اهمیت و حساسیت پوششِ این قسمت از بدن زن باشد.

در کتـاب التحقیـق فی کلمـات قرآن الکریـم، در بحـث از ایـن آیه آمـده است: «ذکر این جمله پس از امر به پوشـش و پنهـان داشتن زینت، بر شدّت این امر و تأکید در آن دلالت دارد».(۲)

تاریـخ ثـابت کرده که فسـاد، همیشه از برهنگی سرِ زن که سـر آغـاز همه برهنگی هاست، شـروع شـده و به تدریـج به دیگر اعضای او سـرایت می کند. اسـتعمارگران نیز همین که بخواهند ملّتی را اسـتثمار کنند، نخست بدن زنان آن ملت را عریان می سازنـد و در این مسیر از سـر شـروع می کننـد. این همان کاری است که اسـتعمار فرانسه با ملّت رنـج دیـده الجزایر انجام داد. فرانتس فانون، جامعه شـناس و روان شـناس مشـهور می گویـد: «نخستین اقـدام ضدّ فرهنگی که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود و در این کار موفق شد و هر چه بدن زن الجزایری را بیشتر عریان کرد، چنگال

۱- ۱. محمّد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۰۴۳ ه . ق، چ ۲، ج ۱۰۱، ص ۲۲۵، روایت ۴۲.
۲- ۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۳۵۸.

استعمارگر بیشتر به حلقوم الجزایری فرو رفت».(۱)

گویا تاریخ نیز گواهی می دهد برهنگی ها همه پیرو برهنه شدن سر است و تا دست به ترکیب جمجمه نزنند، اعضای دیگر حاضر نیستند ترکیبشان به هم بخورد، بلکه با تصرّف جمجمه است که همه چیز به استثمار و استعمار پایان می پذیرد.(۲) ازاین رو، اسلام در خصوص برهنگی سرِ زنان حساسیت نشان می دهد؛ چون پایه گذار همه برهنگی هاست و مفسده های فراوانی به آن وابسته است.

بر این اساس است که دُردانه امام حسین علیه السلام در نخستین ملاقات با پدر بزرگوار خویش، پس از شهادت ایشان که فرصت درد دل کردن پیش آمده، با وجود اینکه شهادت پدر بزرگوار، عموی با وفا، برادران گران قدرش و صدها مصیبت جان سوز دیگر، جگرش را به آتش کشیده و اسارت، کتک، اهانت و زخم زبان نامردان، سراسر وجودش را پر از درد و رنج کرده بود، به عنوان اولین شِکوه و درد دل عرضه می دارد: «یا أَبَتَا اُنْظُر إلیَ رُؤُسِنَا المُکشَفَه ؛ پدر جان، سرهای برهنه مان را ببین».(۳)

آری، این آغاز درد دل دختر با پدر است و می فهمانند که جانگدازترین مصیبت برای او، برهنه شدن سرش می باشد که از همه مصیبت هایی که در این مدّت بر وی وارد گردیده، پراهمیّت تر است. هرچند بر اساس نقل مقاتل معتبر، حضرت أبا عبداللّه الحسین علیه السلام پیش از رفتن به میدان، به زنان و دختران سفارش کردند تا در زیر معجر، پارچه هایی را محکم بر سر و موی خویش

۱- ۱. روح اللّه حسینیان، حریم عفاف، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، چ ۲، ص ۴۸؛ برگرفته از الجزایر؛ فصل الجزایر بی حجاب.

۲- ۲. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۲۰، ص ۱۱۱.

۳- ۳. سیّد رضی بن بنی قزوینی، تظلّم الزّهرا، ۱۳۱۱ ه . ق، ص ۱۳۳.

ببندنـد تا هنگام غارتِ معجرها از سوی دشـمن، سـر و موهایشان آشـکار نگردد. آنان نیز چنین کردند و ازاین رو، سـر و موی دختر امـام پس از به غارت رفتنِ مقنعه او آشـکار نگردیـد، ولی همین قـدر برهنگی و کشف حجاب نیز او را آزار می دهـد و همـان گونه که هر حرکت و سـخن امـام در برابر مردم برای تعلیم و مکتب سـازی است، این حرکت و شـکوائیّه دختـر ایشـان خطاب به پدر بزرگوارش نیز می تواند هشداری تکان دهنده به همه دختران، در مورد اهمیت و حسّاسیت پوشیدگی سر باشد.

پس از اشاره به اهمیت و موقعیت خاص این پوشـش، جا دارد به بررسی کیفیّت، کارکرد و رنگ آن از نظر آیات شریفه قرآن و راهنمایی های اهل بیت علیهم السلام بپردازیم.

۳. کیفیت پوشش مقنعه

پیش از ورود بـه بحث، یـادآوری این مطلب منـاسب است که پوشـیدن خمـار (مقنعه) پیش از اسـلام نیز در میـان زنـان جزیره العرب مرسـوم بوده است. این امر به خوبی در اشـعار عرب جـاهلی مشـهود است. از جمله قاضـی ابوعلی تنوخی به نقـل از ابن خلکان گفته است:

قُلْ لِلمَلیحهِ فی الخمار المذهب

افسدت اَخی التقی المترهب(۱)

به ملیحه ای که در پرده زربفت روسری است، بگو: عبادت برادر پارسای مرا فاسد کردی.

البتّه این مسئله جای تعجّب ندارد؛ زیرا مقنعه را می توان از پوشش های

ص: ۸۱

۱- ۱. حجاب در اسلام، ص ۷۳.

فطری زنان به شـمار آورد. حضـرت حوّا همسر حضرت آدم، نخستین فرستاده خدا بر روی زمین نیز از این نوع پوشش استفاده می کرد.(۱) البتّه کیفیّت پوشـش آن با آنچه اسـلام دسـتور می دهـد، متفاوت بوده است. ازاین رو، باید نگاه دین را در مورد چگونگی پوشـش و انـدازه مقنعه یـافت. خداونـد در آیه مورد بحث می فرمایـد: «وَلْیَضْـرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ؛ زنـان باید مقنعه های خویش را بر سینه و گریبان ها بیفکنند».

از این عبارت برمی آیـد که زنان پیش از نزول آیه، دامنه روسـری خود را به شانه ها یا پشت سـر می افکندنـد، به گونه ای که گردن و کمی از سـینه آنها نمایان می شـد.(۲) در تفسـیرهای مختلف، از جمله تفسیر نمونه،(۳) جوامع الجامع،(۴) الفرقان فی تفسیر القرآن،(۵) منهج الصّادقین(۶) و تفسیر راهنما(۷) نیز به این مطلب اشاره شده است.

مرحوم طبرسـی رحمه الله می فرماید: «زنان عرب، دامن مقنعه ها را پشت سـر می انداختند و به این سـبب گلو و سینه شان پیدا می شد».(۸) خداونـد، زنـان پرهیزکـار را از این امر نهی فرموده و با عبارت «ولیضـربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ» کیفیّت پوشـش صحیح

ص: ۸۲

۱- ۱. محمّد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ ه . ق، ج ۱، ص ۳۶.

۲- ۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۰.

۳- ۳. همان.

۴- ۴. ابوعلی فضل بن حسن طبرسـی، ترجمه تفسـیر جوامع الجامع، مترجم: حبیب روحانی و علی عبـد الحمیدی، ۱۳۷۶، چ ۱، ج ۴، ص ۳۰۶.

۵- ۵. الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۱۰.

۶- ۶. مولی فتح اللّه کاشانی، منهج الصّادقین، تهران، انتشارات کتاب فروشی علمیّه اسلامیّه، ج ۴، ۲۹۷.

۷- ۷. اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۵۲.

۸- ۸. ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۳۰۶.

مقنعه را به آنان ارائه می کند. برای درک صحیح این کیفیّت ارائه شده، لازم است پیش از هر چیز، واژه های «ولیضربن» و «جیوب» به دقت بررسی شود:

وَلْيَضْرِبنَ بِخُمُرِهِنَّ: ضرب، در لغت به معنای زدن است، ولی بر اساس نقل تفسیرها، در این آیه به معنای قرار دادن، به کار رفته است. مرحوم طبرسی رحمه الله در تفسیر جوامع الجامع می فرماید: «مراد از زدن روسری ها بر گریبان ها که بر زنان واجب شده، این است که روسری ها را بر سر و گردن و سینه هاشان قرار دهند تا آنها را بپوشانند. چنان که عرب ها می گویند: «ضَرَبتُ بِيَدی عَلَی الحائِطِ؛ دستم را به دیوار گذاشتم.»(۱) زمخشری نیز، ضرب را در اینجا به قرار دادن، تفسیر کرده است.(۲)

نکته جالبِ دیگر اینکه به کار بردن واژه ضرب که نوعی شدت وحدّت را در بردارد، برای رسانیدن این معناست و حال آنکه به جای این تعبیر، ممکن بود از واژه های مترادف دیگری همچون «سَدْل» و... استفاده گردد. یکی از محققان واژه های قرآنی در این باره می نویسد: «تعبیر به ضرب، اشاره دارد به شدّت پوشش و محکم نمودن مقنعه به هر طریق ممکن، خواه با بستن، گره زدن و وصل نمودن تا اینکه از روی گریبان کنار نرود و تعبیر به صیغه امر ولیضربن، به امر و تأکید آن اشاره دارد».(۳)

بر این اساس، تعبیر «ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ» افزون بر دلالت بر

ص: ۸۳

۱- ۱. همان.

۲- ۲. زمخشری، تفسیر کشّاف، منشورات البلاغه، ج ۳، ص ۲۳۱.

۳- ۳. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۳۵۸.

پوششی خاص، تأکید می ورزد که پوشیدن آن باید همراه با دقّت و ظرافت باشد و چنان محکم گردد که به راحتی از آنجاهایی که برای پوشیدن آنها به کار رفته، کنار نرود.

جیوبهنّ: مسئله دیگری که به توجّه و دقّت نیاز دارد، بررسی واژه جیوبهنّ است. جیوب، جمع جَیْب است و جیب در لغت به معنای گریبان، یقه، قلب و دل آمده است.(۱)

بعضی از مفسّران، از جمله علّامه طباطبایی،(۲) مرحوم طبرسی(۳) و سید علی اکبر قرشی،(۴) جیب را به سینه و برخی دیگر همچون مولا فتح اللّه کاشانی،(۵) آلوسی بغدادی(۶) و قرطبی از آن(۷) به یقه تفسیر کرده اند.

در قاموس القرآن(۸) آمده است: «قاموس (لغت نامه قاموس المحیط) و اقرب الموارد، معنای اولّی جیب را قلب و سینه گفته اند، ولی از گفته مجمع البیان پیداست که جیوب، را به معنای گریبان ها (یقه های لباس) گرفته است. فرموده: جیوب، کنایه از سینه هاست؛ زیرا گریبان هاست که روی سینه ها را می پوشاند،

۱- ۱. احمد سیّاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، کتاب فروشی اسلام، چ ۹، ج ۱ و ۲، ص ۲۲۲.

۲- ۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۹، ص ۱۶۳.

۳- ۳. ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ص ۳۰۶.

۴- ۴. احسن الحدیث، ج ۷، ص ۲۰۷.

۵- ۵. منهج الصّادقین، ج ۴، ص ۲۹۷.

۶- ۶. روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۴۲.

۷- ۷. الجامع لأحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۸- ۸. قاموس القرآن، ج ۲، ص ۹۱.

ولی اگر جیوب را سینه ها معنا کنیم، از لحاظ آیه و لغت، اشکالی نخواهد داشت. به نظر می آید گریبان لباس را به جهت روی سینه بودن، جیب القمیص گفته اند». البته بعضی دیگر نیز بر این اعتقادند که جیب به معنای یقه پیراهن است و قسمت بالای سینه را به دلیل همجواری با یقه پیراهن، جیب می گویند. به هر حال، آنچه بیشتر مفسّران به رغم اختلاف نظر در معنای جیب بر آن اتّفاق دارند، این است که بر اساس دستور آیه، خمار (مقنعه) باید موها، گردن، زیر گلو، گوشواره ها و سینه را بپوشاند.

منهج الصّادقین: باید بزنند، یعنی فرو گذارند زنان (خمرهن) مقنعه های خود را (علی جیوبهنّ) بر گریبان های خویش؛ یعنی گردن خود را به مقنعه بپوشانند تا موی و بنا گوش و گردن و سینه ایشان پوشیده بماند.(۱)

روح المعانی: همان طور که إبن أبی حاتم از إبن جبیر روایت کرده، منظور آیه، امر زنان است به پوشانیدن گردن ها و سینه هاشان.(۲)

مجمع البیان: امر شدن زنان به انداختن مقنعه ها بر سینه هاشان، تا گردن هاشان پوشیده گردد و گفته شده آنها به این کار امر شدند تا موها، گوشواره ها و گردن هاشان را بپوشانند.(۳)

کشّاف: یقه های لباس زنان گشاده بود. ازاین رو، گردن، سینه و اطراف آن نمایان می گردید و آنها مقنعه های خویش را به پشت سر آویزان می کردند و

۱- ۱. منهج الصّادقین، ج ۴، ص ۲۹۷.
۲- ۲. روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۴۲.
۳- ۳. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۵.

این قسمت ها معلوم بود. بنابراین، امر شدند به اینکه آن را از جلوی رو آویزان سازند تا آن قسمت ها را بپوشانند.(۱)

ابن عباس، مفسّر بزرگ قرآن و صحابی والاـ مقام رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه گفته است: «زن، مو و سینه و دور گردن و زیر گلویش را بپوشاند».(۲)

البته بعضی خواسته اند صورت را نیز از حدود پوششی مقنعه قرار دهند و نوشته اند: «مقنعه، چیزی است که زن با آن، صورت و سرش را از نگاه مردان نامحرم می پوشاند».(۳) یا اینکه مُراد آیه از «ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ» را آویختن روسری ها مانند پرده از جلو چهره دانسته اند: «خمار به معنای مقنعه و نقاب است. زنان، نقاب و مقنعه را بر گریبان هایشان فرو اندازند تا به طور کامل صورت و گلو و سینه پوشیده باشد».(۴)

بحث مذکور درباره مفهوم شناسی واژه خمار و آنچه از تفسیرهای مشهور شیعه و عامّه در ذیل آیه نقل گردید و همچنین احادیثی که درباره جواز عدم پوشش وجه و کفّین بدان اشاره شد، بر نا استواری این بیان دلالت دارد. افزون بر این، همان گونه که پیش تر هم اشاره شد، بیشتر مفسران، ضرب را در این آیه، به «قراردادن» تفسیر کرده اند نه آویختن.

خلاصه آنکه بر اساس این آیه، زنان باید مقنعه را آن چنان بر سر اندازند

۱- ۱. کشّاف، ج ۳، ص ۲۳۱.
۲- ۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۵.
۳- ۳. الملابس و الزینه فی الاسلام، ص ۱۹۱.
۴- ۴. حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۱۲۵؛ برگرفته از: الحجاب و الاسلام، ص ۷۲.

که زینت های طبیعی، همچون موها، زیر گلو، گردن، سینه و البته زینت های اکتسابی مثل گوشواره را به طور کامل بپوشاند. تعبیر به کلمه «علی» در «علی جیوبهنّ» نیز به احاطه و چیرگی مقنعه بر جیوب اشاره دارد، به طوری که هیچ قسمت از آن، بدون پوشش باقی نماند.(۱) ازاین رو، خمار (مقنعه) از نظر کیفیّت باید خاصیّت پوششی شدید و کافی را در خصوص مکان های ذکر شده داشته باشد. از جمله، نوع پارچه مورد استفاده در مقنعه نیز باید در راستای همین مقصود انتخاب شود. بنابراین، استفاده از پارچه های توری و نازک که کیفیّت پوششی مطلوبی ندارد، برای این نوع پوشش مناسب نبوده و در روایت معصومان علیهم السلام نیز منع گردیده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

لایَصلَحُ لِلمرأهِ المُسلِمه أَنْ تَلبس مِنَ الْخُمُرِ و الدِّرعِ مالا یُواری شیئا.(۲)

در شأن زن مسلمان نیست که لباسی مانند روسری و پیراهن بپوشد که بدن نما باشد.

همچنین، این پوشش باید به هر وسیله ممکن، به شکلی محکم گردد که به سادگی از محل های تعیین شده کنار نرفته، آن مواضع نمایان نگردد.

۴. کارکرد مقنعه

بعضی بر این نظرند که صدور حکم «قراردادن مقنعه بر روی سینه و گردن» در این آیه، برای جدا سازی زنان با ایمان از دیگران بوده است. از جمله محمّد سعید العشماوی، در توجیه این آیه گفته است: «در عصر پیامبر، زنان پارچه به

۱- ۱. التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، ج ۳، ص ۳۵۸.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ابواب لباس مصلّی، باب ۲۱، ص ۲۸۱، ح ۲.

سر کرده و دو طرف آن را به پشت سر می انداختند، به گونه ای که گردن و بالای سینه آنها آشکار بود. برای آنکه بین زنان مؤمن و غیرمؤمن تفاوت باشد، خداوند دستور داد زنان مؤمن، پارچه را که بر سر کرده، به جلو بدن خویش رها سازند تا از پوشش ممتازی برخوردار گردند.»(۱) او سپس از این توجیه چنین نتیجه گیری می کند: «پس این دستور دایمی نیست، بلکه به دورانی برمی گردد که جدا سازی زنان این وضع را می طلبیده است.»(۲) البته آنچه از شأن نزول این آیه مبارکه برمی آید، چیز دیگری است:

«قمی رحمه الله از امام باقر علیه السلام نقل کرده که در مدینه، جوانی از انصار زنی را دید که روسری خود را چونان معمول آن زمان، پشت گوش انداخته بود. پس به آن زن نگریست تا از او گذشت و چشم آن جوان به دنبال آن زن بود تا وارد کوچه ای شد و صورتش به استخوان یا شیشه ای که در دیوار بود خورد و پاره شد و متوجّه نشد تا آن زن رفت. بعد جوان به خود آمد و دید خون بر سینه و لباسش می ریزد و قسم خورد که خدمت پیغمبر برسد و قصّه را عرضه بدارد. وقتی داستان را به پیامبر گفت، خداوند این آیه را فرو فرستاد».(۳)

بدون تردید در شأن نزول بالا که شیعه و عامّه با اندک تفاوتی آن را ذیل آیه مورد نظر آورده اند،(۴) کوچک ترین اشاره ای به جدا سازی زنان با ایمان از

۱- ۱. مهدی مهریزی، حجاب، تهران، مؤسّسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۰.

۲- ۲. همان، ص ۲۱.

۳- ۳. محمد ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، چ ۲، ج ۴، ص ۲۳.

۴- ۴. نک: الدر المنثور، صافی، نور الثقلین، المیزان و تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور.

دیگر زنان نیست، بلکه آیه، به خاطر جوانی از انصار نازل گردیـد که نزد پیامبر از بدحجابی زنی که به وارد آمدن جراحتی به او انجامیده، شـکایت کرد. این آیه، دسـتوری است به زنان، برای رعایت پوشـشِ کامل تا از مفسده های ناشی از بی حجابی و بـدحجابی جلوگیری به عمل آیـد و این همان چیزی است که سـیاق آیه به آن اشاره دارد. این آیه در آغاز، به زنان فرمان می دهد تا چشم بپوشانند و زینت های خویش را پنهان سازند. در پایان نیز دوباره و با تأکید، دسـتور آشـکار نساختن زینت ها را، جز در دیـده محرم ها که در آیه اسـتثنا شـده انـد، صادر می کنـد. حتّی حفظ فرج نیز که در دیگر آیات قرآنی به معنای حفظ پاکدامنی است، در این آیه پوشش را می رساند؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

کُلَّما کانَ فی کتاب اللّه مِن ذکرِ حفظ الْفَرجِ فَهُو مِنَ الزِّنا إلاّ فی هذا الْمَوضِعِ فَأَنَّهُ لِلْحِفظ مِنْ أن یُنظَر إلیه.(۱)

هر جـا در قرآن سـخن از حفـظ فرج آمـده، منظور پاکـدامنی از زنـاست، مگر در این آیه که منظور، حفظ آن از نگاه دیگران است.

به طور کلّی، آیه درصـدد بیان دسـتور حجاب، حدود آن و لزوم رعایت حریم عفاف به زنان است، نه جدا سازی زنان آزاد از کنیزکـان. ازاین رو، بر اسـاسِ این آیه، کـارکرد مقنعه پوشـش قسـمتی از زینت هـای زن، از نگـاه های بیگانه و آلوده است تا بیماردلان به وسوسه نیفتند و مفسده های ناشـی از بی حجابی و بدحجابی، گریبان گیر زنان و مردان و جامعه اسـلامی نگردد؛ زیرا سر، موها و گریبان زن، نسبت به دیگر زینت های او وسوسه آمیزتر است. در حدیثی از امام رضا

۱- ۱. ابی جعفر صدوق، من لایحضره الفقیه، نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ه . ق، چ۴، ج۱، ص۶۳، ح ۱۱.

علیه السلام آمده است:

نگـاه به موی زنان حرام گردیـده است؛ زیرا موجب تهییـج و تحریک مردان می گردد و تهییـج، به فساد و کارِ حرام و ناپسـند خواهد انجامید.(۱)

در کتاب الفرقان فی تفسیر القرآن، حکمت پوشـش مقنعه و قرار دادن بخشـی از آن بر روی سینه و گردن چنین بیان گردیده است:

به دلیل اینکه سـینه زنان، روزنه های شـهوت را به سوی قلب و سـینه مردان باز نسازد، امر شدنـد تا آن را با قرار دادن مقنعه بر گریبان هایشان بپوشانند.(۲)

۵. رنگ مقنعه

یکی از مسـائلی که از اسـاس مورد بی توجّهی قرار گرفته، ولی در زنـد گی انسـان هـا نقش مهمّی دارد، مسـئله رنـگ هاست. امروزه از نظر روان شناسـی ثابت شده است که رنگ، اثر روانی مؤثری بر فعالیت و حالت های روحی و روانی انسان دارد. اثر روانی رنـگ تا آنجا قطعی شـناخته شـده که می توانـد محیط را شادی آفرین یا حُزن آور، سـبک یا سـنگین، گرم یا سـرد و... نمایان سازد.

هر رنگ، ویژ گی خود را دارد و اثر هر یک، بر حالت های روحی انسان متفاوت است. رنگ ها می تواننـد فعالیّت بـدنی افراد را تشدیـد، ادراک را تهییـج، احساس را تحریک و هیجان را زنـده کنند یا برعکس، فعّالیت ها را به رکود کشانیده، هیجان را خاموش و احساس را مخفی سازند.

در دین مبین اسلام، رنگ ها و اثرهای مختلف روحی آن، جایگاه خاصّی

۱- ۱. محمد بن علی بن بابویه قمی صدوق، علل الشرایع، قم، مکتبه الطباطبایی بالمدرسه الفیضیّه، باب ۳۶۴، ص ۲۵۱.

۲- ۲. الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۱۹.

دارد. خداوند تعالی در قرآن کریم، تنها در یک مورد به دانشمندانی اشاره می فرماید که از ساحت مقدسش ترسی همراه با تعظیم و تکریم دارند، ولی این دانشمندان را به گونه ای با رنگ ارتباط داده است و می فرماید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ ثَمَراتٍ مختَلفاً أَلوانُها وَ مِنَ الجِبالِ جُدَدٌ بيضٌ وَ حُمْرٌ مختلفٌ أَلوانُها و غَرابيبُ سودٌ. وَ مِنَ النّاسِ و الدَّوابِّ و الأنعامِ مُختَلفٌ أَلْوانُهُ كذالكَ إنَّما يَخْشَى اللّهَ مِنْ عِبادِهِ العُلَمؤُا إنَّ اللّهَ عزيزٌ غَفوُرٌ. (فاطر: ۲۷ و ۲۸)

آیا ندیدی که خدا باران را از آسمان فرو فرستاد و با آن انواع میوه های گوناگون و رنگارنگ پدید آورد و در زمین از کوه ها راه های زیاد و صنف ها و رنگ های مختلف سفید و سرخ و سیاه آفرید و از صنف های مردم و جنس های جنبندگان و جانوران نیز به رنگ های مختلف آفرید، همین گونه (بندگان هم مختلفند) و از (میان) صنف های بندگان، تنها مردمان دانا، مطیع و خدا ترسند و خدا البتّه مقتدر و آمرزنده گناهان است.

در اهمیّت رنگ ها در اسلام، همین بس که قرآن کریم درباره اثر رنگ در فعّالیت های زندگی انسان، مطالبی بیان داشته و در مورد بعضی رنگ ها (بیاض، اسود، اصفر، احمر و...) سفید، سیاه، زرد، قرمز و... و وضع هر کدام در حالت های گوناگون جماد، نبات، حیوان و حتّی انسان، آثار ویژه ای ذکر کرده است.(۱)

این مصراع معروف است که: «رنگ رخساره خبر می دهد از سرّ درون» و حتّی گاهی نیز به صورت مثل به کار می رود. به این معنا که تغییر رنگ چهره هر فرد، بیانگر تغییر اوضاع و حالات درونی اوست؛ البتّه ما می خواهیم قدری پا

۱- ۱. نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵، بحث: رنگ های گوناگون عسل.

را فراتر نهاده و بگوییم نه تنها رنگ رخساره که رنگ پوششی هم که انسان برای خویش انتخاب می کند، از سرّ درون او خبر می دهد. همچنان که شکل لباس افراد، به نوعی با انسان سخن گفته و بیانگر فرهنگ، ملیت، شخصیّت و حتی شغل آنهاست. رنگ لباس هر کسی نیز به نوعی زبان درون و معرّف شخصیّت اوست. ازاین رو، هنگام بحث از پوشش، نوع رنگ آن نیز اهمیّت دارد.

اکنون که به بررسی مقنعه از منظر قرآن و احادیث می پردازیم، جا دارد قدری هم به رنگ آن بپردازیم. در بحث مفهوم شناسی، به پاره ای از مترادف های مقنعه در لغت عرب اشاره گردید، ولی از میان آنها، واژه خِمار در این آیه به کار رفته است. به نظر برخی کارشناسان(1) تعبیر به خمار در این آیه، از این جهت است که مفهوم پوشش در درون این واژه نهفته است. پس، واژه خمار پیش از اینکه پوششی برای سر قرار گیرد، خود، معنای پوشش را در بر دارد و این تأکید، خاصیّت پوششی خمار را می رساند. نیز گذشت که کارکرد مقنعه، پوششِ سر، گردن، سینه و زیر گلوی زن و حفظ آنها از نگاه های آلوده مردان بیگانه است. به یقین، رنگ این پوشش نیز باید در راستای تحقّق همین هدف انتخاب گردد. رنگِ مقنعه همانند دیگر ویژگی های آن، باید دارای خصوصیّت پوششی، طرد کننده نگاه های آلوده و فاقد هرگونه خاصیّت تحریک کنندگی و جلب توجّه باشد.

ازاین رو، به پاره ای از ویژگی ها و پی آمدهای برخی رنگ ها می پردازیم تا

ص: ۹۲

۱- ۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۳۵۸.

خوانندگان محترم، خود بتوانند بهترین رنگ را برای این پوشش تشخیص دهند.

۶. اثر رنگ ها

بر اساس نظر روان شناسان، هر رنگ ویژگی های مثبت و منفی دارد و درک هر کدام از این ویژگی ها، نسبت به حالت های روحی و روانی افراد متفاوت است.(۱)

الف) قرمز: خاصیّت حرارتی دارد و در اصطلاح به آن «رنگ گرم» گفته می شود. از نظر روانی، اثر محرّک و هیجان آوری دارد و در میان انواع رنگ ها، اثر تحریکی آن از همه بیشتر است. به علت همین اثر تحریکی است که برای جلب توجّه و دادن علامت یا نمایاندن سریع تر و صریح تر چیزی از دور، به کار می رود تا توجّه انسان را به خود کشاند و از وقوع حادثه جلوگیری کند.(۲) رنگ قرمز، محرّک فکری است، گرم بوده و شرایط التهاب را تشدید می کند.(۳)

ب) زرد: رنگ زرد در آزمایش ماکس لوشر، استاد روان شناسی دانشگاه بل، روشن ترین رنگ و وسوسه آمیز معرّفی گردیده است.(۴)

ص: ۹۳

۱- ۱. علی شیرازی، «نفی رنگ سیاه یا مبارزه با حجاب»، پرتو سخن، ش ۱۰۷، ۴/۹/۱۳۸۰، ص ۴؛ برگرفته از: روان شناسی کار، ص ۵۱.

۲- ۲. آیین بهزیستی اسلام، ج ۲، صص ۴۰ و ۴۱.

۳- ۳. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵، ص ۱۸۸.

۴- ۴. ماکس لوشر، روان شناسی رنگ ها، مترجم: لیلا مهراد پی، انتشارات حسام، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۸۷.

به یقین، این دو رنگ، با هدف پوشش مقنعه که جلب توجّه نکردن، از میان بردن زمینه های تحریک و التهاب زدایی در جامعه است، مغایرت خواهد داشت.

ج) نارنجی: تابان و درخشنده است، برانگیزنده، تهییج کننده و... تحریک زیاد آن ایجاد خستگی می کند.(۱)

د) سبز: خنک کننده، آرام بخش و در عین حال مهیّج است.(۲)

این دو رنگ نیز ویژگی تحریک و تهییج داشته، برای مقنعه مناسب نیست.

ه) آبی: ماکس لوشر، آن را نمایان گر تسلیم معرّفی کرده است،(۳) حال آنکه پوشش و حجابِ زن، نشانه تسلیم ناپذیری او در برابر مردان بیگانه است.

و) بنفش: رنگ بنفش، ترکیبی از رنگ های قرمز و آبی است. بنفش با آنکه یک رنگ جدا و مشّخص به شمار می آید، ولی روشنی این دو رنگ را ندارد. البتّه بعضی از ویژگی های رنگ های قرمز و آبی را به عنوان یک ترکیب حفظ می کند. بنفش می کوشد تا انگیزش تسخیر رنگ قرمز و تسلیم ملایم رنگ آبی را به یک شکل در آورد.

شخصی که رنگ بنفش را برمی گزیند، خواهان دسترسی به رابطه ای جادویی است. او نه تنها می خواهد خویشتن را مسحور سازد، بلکه در عین حال، می خواهد دیگران را مفتون و مشعوف سازد تا درجه ای از افسون و فریبندگی را در آنان به کار برد.(۴) رنگ بنفش، فعّالیت جنسی را زیاد می کند.(۵)

ص: ۹۴

۱- ۱. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵، ص ۱۹۱.
۲- ۲. همان، ص ۱۹۰.
۳- ۳. روان شناسی رنگ ها، ص ۷۷.
۴- ۴. همان، ص ۹۰.
۵- ۵. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵، ص ۱۹۱.

این ویژگی ها نیز با کاربرد مقنعه سازگاری ندارد.

ز) سفید: ملیح و برّاق است.(۱) به طور کلّی، رنگ های روشن و نزدیک به سفید، اثر محرّک روانی عمومی دارد(۲) و در این میان، سفید که خود، از ویژگی ملاحت برخوردار است، نمی تواند برای این پوشش مناسب باشد؛ زیرا مقنعه، وسیله پوشانیدن قسمتی از ملاحت و زیبایی های زن است و برّاق بودن، سبب جلب توجّه می گردد که برخلاف حکمت پوشش است.

از آنچه در مورد اثر فیزیکی و روانی رنگ ها گفتیم، می توان نتیجه گرفت که برخلافِ تصور عده ای، رنگ پوشش زن، نه تنها اهمیّت دارد که در تأمین امنیّت، سلامت و عفاف او و در حدّ بالاتر، سلامت و عفاف عمومی جامعه اسلامی نقش به سزایی خواهد داشت.

برخی بر این باورند که: «مباحثی مثل رنگ، شکل و فرم حجاب، مواردی نیست که روی آن تأمّل زیادی داشته باشیم. مهم این است که سلامت را در جامعه ایجاد کنیم.»(۳) به نظر ما، به دلیل همین ایجاد سلامت است که رنگ پوشش زن، بسیار اهمیت دارد و باید پیرامون آن بحث کرد.

بی شک، رنگ های روشن، پرجاذبه، شادی آفرین و مسرّت بخشند، ولی

۱- ۱. همان، ص ۱۹۲.

۲- ۲. آیین بهزیستی اسلام، ج ۲، ص ۴۸.

۳- ۳. قاسم روان بخش، «گامی دیگر برای مبارزه با حجاب!»، پرتو سخن، س۲، ش۱۰۲، ۹/۸/۱۳۸۰، ص ۴؛ به نقل از ایران، ۲۰/۷/۱۳۷۹.

بحث ما در مورد پوشش زن در خارج از منزل است؛ جایی که در معرض انواع نگاه های هرزه، آلوده و شهوت انگیز قرار می گیرد و ازاین رو، با کوچک ترین غفلتی ممکن است سدّ حرمت و حریم عفاف او شکسته شود و امنیتش مخدوش و صدمات جسمی و روحی فراوانی بر او وارد گردد. بنابر این، بحث در این است که کدام رنگ، زنان و دختران را از چشم هرزگان و هوس بازان مصونیت بخشیده و در امان نگاه می دارد. با توجّه به آنچه از ویژگی های روان شناسی رنگ های مختلف گذشت، نتیجه می گیریم که این رنگ ها، از اساس خاصیّت جلب توجّه، تحریک کنندگی و هیجان زایی داشته، گاه وسوسه آمیزند و در صورتی که رنگ پوشش زن در خارج از منزل قرار گیرند، از حکمت پوشش و حجاب که مصونیّت بخشی است، خواهند کاست.

ازاین رو، حرمت زن مخدوش گشته و عفاف عمومی و سلامت جامعه اسلامی را نیز مخدوش می کند. در اینجا، سزاوار است به سراغ رنگ های تیره برویم:

رنگ های تیره، از اساس مات و بدون جاذبه است و برخلاف رنگ های روشن، ویژگی تهییج و تحریک کنندگی ندارد. در رأس همه رنگ های تیره، رنگ مشکی قرار دارد. «رنگ سیاه، تیره ترین رنگ بوده، خود را نفی می کند و از تأثیر قوی بر هر رنگی که در همان گروه قرار گرفته باشد، برخوردار است و خصلت آن رنگ را مورد تأکید و اهمیّت قرار می دهد.»(1) ازاین رو، اگر رنگ سیاه در میان چند رنگ دیگر قرار گیرد، جلوه و نمای خود را نفی کرده،

ص: ۹۶

۱- ۱. روان شناسی رنگ ها، ص ۹۴.

نگاه ها را شکسته و به سوی رنگ های اطراف خویش می کشاند.

نتایج کسب شده از یک بررسی پیمایشی به عمل آمده از ساکنان منطقه ۱۲ تهران در تاریخ های ۳۰/۹/۶۸ و ۱/۱۰/۶۸ نیز حاکی است که اکثریت این افراد رنگ های قرمز، زرد، رنگ های روشن، صورتی، لیمویی، بنفش روشن، آبی روشن و سبز روشن را برای پوشش زن در خارج از منزل نامناسب دانسته و معتقدند مناسب ترین رنگ برای این منظور، رنگ مشکی و رنگ های تیره است.(۱) با بررسی های انجام یافته در مورد رنگ این نوع پوشش، روایتی از معصومین علیهم السلام به دست نیامده، ولی در تفاسیر آمده است: «زنی بر عایشه همسر رسول الله صلی الله علیه و آله وارد شد، در حالی که مقنعه ای قرمز رنگ بر سر داشت. هنگامی که عایشه او را دید گفت: ایمان نیاورده است به سوره نور، زنی که چنین مقنعه ای بپوشد».(۲)

با توجه به این روایت، بی گمان رنگ خاصی (هر چند به صورت کلّی) در آیه ۳۱ سوره مبارکه نور برای مقنعه مشخص شده بود، وگرنه دلیلی نداشت پوشیدن مقنعه قرمز نشانگر بی ایمانی به این سوره باشد، ولی در این آیه قرینه یا عبارتی جهت تعیین رنگ این پوشش وجود ندارد. بنابراین، باید به سراغ لفظ «خمار» برویم و ببینیم آیا خود واژه، افزون بر پوشش سر زنان به رنگ خاصّی نیز دلالت می کند یا خیر؟

کتاب های لغت، عموما به رنگ «خِمار» (مقنعه) اشاره ای نکرده اند، ولی

ص: ۹۷

---

۱ - ۱. نک: پژوهشی پیرامون حقوق، نقش اجتماعی و پوشش بانوان و کنکاشی در زمینه شناخت الگوی اسلام برای زن امروز، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای، ۱۳۶۹، صص ۱۶۹ _ ۱۷۲.
۲- ۲. الجامع لأحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۴.

همیشه، رجوع به کتاب های لغت تنها راه دست یابی به معنای حقیقی یک واژه نیست، بلکه برای کشف معنای حقیقی لفظ (هنگامی که قرینه ای در کار نباشد) یک ضابطه اصولی وجود دارد، به نام «تبادُر».

«تبادُر» انسباق (سبقت گرفتن) یک معنا به ذهن از خود لفظ است، در حالی که مجرّد و خالی از هر قرینه ای باشد. پیشی گرفتن یک معنا به ذهن شنونده در این حالت، دلالت بر این دارد که همیشه اولین معنایی که در هنگام شنیدن یک لفظ (بدون وجود قرینه) به ذهن می رسد، (معنای مُتبادر به ذهن) همان معنای حقیقی است که لفظ در اصل برای آن معنا وضع گردیده است.(۱)

از سویی خداوند حکیم، قرآن کریم را به زبان عربی مبین نازل گردانیده که برای مردم عرب زبان، به ویژه اعراب زمان نزول قابل درک بوده است. ازاین رو، باید بررسی شود که زنان مؤمن عرب عصر نزول از واژه «خمار» چه برداشتی داشته اند و نخستین معنایی که پس از شنیدن لفظ «خمار» در این آیه مبارکه، به ذهن آنان متبادر گردیده چه بوده است؟

زمخشری در کشّاف ذیل آیه ۳۱ سوره نور، قضیه ای را از «عایشه» نقل می کند که بیانگر تبادر ذهنی زنان عرب است: «عایشه می گوید: زنانی را بهتر از زنان انصار ندیدم. هنگامی که آیه نازل شد، هر یک از آنها به طرفِ پارچه های ندوخته خویش رفت، قسمتی از آن را شکافت و سر خویش را با

۱- ۱. جعفر سبحانی، الموجز فی اصول الفقه، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۲ ه . ق، چ ۶ ، ص ۱۵۴.

آن پوشاند؛ پس، چنان گردیدند که گویی کلاغ سیاه بر سرشان نشسته است».(۱)

بی گمان مقنعه ای که زنان انصار سر کرده بودند، به رنگ مشکی بوده که عایشه آن را به کلاغ سیاه تشبیه کرده است. بنابراین، تبادر ذهنی زنان عرب از واژه «خِمار»، سرپوشی سیاه رنگ بوده است. ازاین رو، می توان نتیجه گرفت که معنای حقیقی این واژه نیز همین است و کلمه «خِمار» در اصل برای مقنعه «سیاه رنگ» زنان وضع گردیده است.

در پایان باید گفت، با توجه به قواعد و ضوابط علم اصول در تبیین آیه مربوطه در سوره احزاب و روایات وارده در این زمینه و نیز با توجه به مباحث کارکرد رنگ ها و نظر به حکمت پوشش، رنگ های تیره مانند مشکی، حداکثر پوشش را دارد و می تواند مصونیّت بخش ترین رنگ برای پوشش زن در دیدگان نامحرمان و خارج از منزل باشد.

۱- ۱. تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۲۳۱؛ نک: الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۴؛ حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، ص ۶۸.

فصل چهارم: چادر از منظر قرآن و احادیث

اشاره

یَآ أَیُّهاَ النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤمِنینَ یُدْنینَ عَلَیْهِنّ مِنْ جَلابیبِهِنَّ ذلِکَ أدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ و کانَ اللّهُ غَفوُراً رَحیماً. (احزاب: ۵۹)

ای پیغمبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به پوشش فراگیر فرو پوشند که این کار برای اینکه آنها به عفت و آزادگی شناخته شوند تا از تعرّض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا (در حقّ خلق) آمرزنده و مهربان است.

یکی از چهار پوششی که در حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای زنان در مقابل مردان نامحرم مشخّص شده(۱) و قرآن کریم نیز به عنوان الگوی پوشش زنان با ایمان به آن تصریح دارد، جلباب است. در بحث مفهوم شناسی گفتیم که بیشتر لغت شناسان، این واژه را به پوششی گسترده و فراگیر که سر تا پای زن را می پوشاند و به تعبیر امروزی ما، چادر معنا کرده اند. در برخی کتاب های لغتِ قرآن، از جمله لسان التنزیل(۲) و نثر طوبی(۳) نیز کلمه جلباب به

۱- ۱. نک: فصل سوم، ص ۸۳.

۲- ۲. مهدی محقق، لسان التنزیل، تهران، مرکز انتشاران علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، چ ۴، لغات سوره احزاب، ص ۱۰۳.

۳- ۳. ابوالحسن شعرانی، نثر طوبی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ج ۱، ص ۱۳۳، واژه جلباب.

چادر معنا شده است.

این پوشش، در عین اینکه حجاب برتر زنان مسلمان به شمار می آید و عظمت و موقعیّت والایی در میان مسلمانان دارد، مظلومیت ویژه ای نیز دارد.

فصل پیش رو، با یاری طلبی از آیات قرآنی، دیدگاه های مفسران عالی قدر شیعه و عامه، احادیث معصومان علیهم السلام و نیز سیره این بزرگواران، به بررسی اندازه، کیفیت، کارکرد و رنگ جلباب (چادر) می پردازد.

۱. اندازه چادر

اشاره

شایسته است برای دست یابی به اندازه این پوشش، پیش از همه، به توضیحات تفسیرهای مهم شیعه و عامّه در مورد آیه مورد بحث مراجعه کنیم.

علّامه طباطبایی رحمه الله(۱) و شیخ محمّد جواد مغنیه رحمه الله(۲) ابتدا جلباب را جامه گسترده ای که تمام بدن زن، از سر تا قدم را می پوشاند دانسته اند و آن گاه، به دیدگاه دیگری اشاره کرده اند که می گوید: جلباب، همان خمار یا روسری مخصوصی است که سر و صورت زن را می پوشاند.

حاج سلطان محمّد جنابذی نیز در بیان السّعاده فی مقامات العباده در مورد جلباب می نویسد: «جلباب برای زنان، لباس گسترده ای است که آن را بر بالای لباس ها می پوشند و از ملحفه کوتاه تر است یا اینکه همان ملحفه است.»(۳) قرطبی

۱- ۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، صص ۵۰۹ و ۵۱۰.

۲- ۲. کاشف، ج ۶، ص ۲۳۹.

۳- ۳. محمّد جنابذی، بیان السّعاده فی مقامات العباده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴، چ ۲، ج ۳، ص ۲۵۶.

پس از اشاره به بعضی گفته ها درباره این واژه، با اشاره به دیدگاه صحیح می گوید: «صحیح این است که جلباب، لباسی است که تمام بدن را می پوشاند.»(۱) زمخشری نیز در کشّاف می نویسد: «جلباب، جامه فراگیری است گسترده تر از مقنعه و کوتاه تر از رداء.»(۲) تفسیرهای الجامع لِأحکام القرآن(۳) و روح المعانی(۴) نیز در کنار نظر خویش، این گفته را نقل کرده اند. در تفسیر تبیان از شیخ طوسی رحمه اللهمی خوانیم: «جلابیب، جمع جلباب است و آن مقنعه زن و سرپوشی است که پیشانی و سر او را هنگام خروج از منزل می پوشاند.»(۵) روح المعانی(۶) نیز همین معنا را از ابن جبیر نقل کرده است.

آیا «جلباب» همان «خمار» است؟

همان گونه که گذشت، کتاب های تفسیر نیز همانند کتاب های لغت، تصویر دقیق و مشترکی از اندازه جلباب ارائه نداده اند، ولی با توجّه به آنچه ذکر شد، در مجموع می توان گفت در مورد اندازه این پوشش، سه دیدگاه قابل اشاره است:

دیدگاه اول: جلباب، همان خِمار (مقنعه) است، با همان اندازه.

دیدگاه دوم: جلباب، پوششی است که از خِمار بزرگ تر، ولی از ملحفه و رداء _ که تمام بدن را می پوشاند _ کوتاه تر بوده است. بر این اساس، می توان

۱- ۱. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۳.

۲- ۲. تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۵۵۹.

۳- ۳. الجامع لأحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۳.

۴- ۴. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۸.

۵- ۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۶۱.

۶- ۶. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۸.

گفت قدّ این پوشش تقریباً تا زانوها می رسیده است.

دیدگاه سوم: جلباب، پوششی گسترده و فراگیر است که بر بالای لباس ها پوشیده می شده و از سر تا پای زن را می پوشانیده است.

شواهدی وجود دارد که درستی دیدگاه اول و دوم را مخدوش ساخته و درستی دیدگاه سوم را اثبات می کند.

شاهد اول: در آیه ۶۰ سوره نور، خداوند تعالی برای زنان سالخورده که دیگر امیدی به ازدواج آنان نمی رود، رخصتی قائل شده، می فرماید: «فلیس عَلَیْهِنَّ جُناح اَنْ یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ؛ گناهی بر آنان نیست که پوشش خود را کنار نهند.» در مورد اینکه منظور از «ثیاب» در این آیه چیست، بین مفسّران اختلاف نظر وجود دارد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که پس از قرائت این قسمت از آیه، ثیاب را به خِمار و جلباب تفسیر کرده و فرمود: «الخمار و الجلباب.»(۱) در اینجا آن حضرت کلمه جلباب را به خمار عطف کرده است. اگر این دو واژه یک معنا داشت، دیگر لازم نبود که حضرت این دو را با «واو» عاطفه به هم عطف کند، بلکه می توانست یکی از آنها را نام برده یا بفرماید: «الخمار أو الجلباب». ازاین رو، جلباب نمی تواند همان خمار باشد؛ زیرا این امر برخلاف ظاهر عطف است. ظاهر عطف، بر مغایرت دلالت دارد و این شاهد، برخلاف دیدگاه اول می باشد.

شاهد دوم: شاهد دیگر، نحوه پوشش حضرت زهرا علیهاالسلام هنگام خروج از منزل به قصد رفتن به مسجد برای دفاع از ارثیه فدک است. عبداللّه بن حسن از

۱- ۱. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب القواعد من النساء، ص ۵۲۲، ح ۱.

پدران گرامی اش علیهم السلام روایت کرده که:

وقتی که ابوبکر و عمر، حضرت فاطمه علیهاالسلام را از «فدک» منع کردند، ایشان مقنعه را محکم به سربسته و خود را در جامه ای فراگیر پیچید، در جمع زنان بنی هاشم، در حالی که هنگام راه رفتن، دنباله و دامنِ جلبابشان به دلیل بلندی، زیر پایشان قرار می گرفت، باابهّت، آزرم و متانت شگرفی قدم برمی داشته و برای همگان، راه رفتن ایشان، گام زدن رسول اللّه صلی الله علیه و آله را به یاد می آورد تا اینکه به نزد ابوبکر آمدند.(۱)

از این جریان تاریخی درمی یابیم که حضرت زهرا علیهاالسلام هنگام خروج از منزل، دو پوشش مستقلّ قرآنی داشته است؛ یکی خمار (مقنعه) که آن را به سر بسته و محکم می کرد (لاَثَتْ خِمارَها علی رَأْسِها) و دیگری جلباب (چادر) که بر روی همه لباس ها پوشیده بود: «واشتَمَلَتْ بِجَلبابِها» بنابراین، عقیده طرفداران دیدگاه اول باز هم مخدوش می گردد.

افزون بر این، عبارت «تطاء ذیولها» درستی دیدگاه سوم را تأیید می کند. تطاء، از ریشه وطی، به معنای چیزی را لگد کردن است و ذیول نیز جمع ذیل است که در کتاب های لغت، به دنباله و پایان معنا می گردد. ذیل الثوب نیز به معنای دامن لباس بلند است که بر زمین کشیده می شود.(۲)

آنچه سیاق و ظاهر کلامِ عبداللّه بن حسن بر آن دلالت دارد، این است که ضمیر «ها» در ذیولها، به جلباب بر می گردد. در نتیجه، جلبابی که حضرت

۱- ۱. إنَّهُ لما اَجْمَعَ أبُوبکر و عُمَر عَلَی مَنْعِ فاطِمَه علیهاالسلام فَدَکاً و بَلغهَا ذلِک... لَاثَتْ خِمارَهَا عَلَی رَأسِها وَاشْتَمَلَتْ بِجلبابِها وَ أَقْبَلَتْ فی لَمَهٍ مِنْ حَفْدَتِها وَ نِساءِ قَوْمِها تَطاء ذُیولها مَاتَخرم مَشْیتها مَشْیَهَ رَسولِ اللّه صلی الله علیه و آله حَتّی دَخَلَتْ عَلَی أبی بَکر.احمد بن علی ابن ابی طالب طبرسی، احتجاج، قم، المکتبه المصطفوی، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲- ۲. ترجمه المنجد، ص ۲۴۱.

علیهاالسلامی پوشید، آن قدر بلند بوده که هنگام راه رفتن، گوشه ها و دامن آن در زیر پای ایشان قرار می گرفته است. به عبارت دیگر، چادر ایشان، تمام وجود مبارکشان، از سر تا قدم ها را دربرمی گرفته و دیدگاه سوم در مورد اندازه جلباب نیز همین معنا را می رساند. از عبارت «و اشتملت بجلبابها» نیز فراگیر بودن جلباب استفاده می شود که با دیدگاه اول و دوم سازگار نیست.

شاهد سوم: سخن ابن عباس در مورد مفهوم جلباب هم مؤیّد دیدگاه سوم است. در تفسیرهای کشّاف(۱) و روح المعانی(۲) از ایشان نقل است که درباره معنای جلباب گفته است:

«الرّداء الّذی یستر مِن فوق إلی أسفل؛ جلباب، پوشش فراگیری است که از بالا تا پایین بدن را می پوشاند».

این همان چیزی است که بسیاری از مفسّران والا ـ مقام و لغت شناسان بزرگ در مورد واژه جلباب بیان کرده اند و البتّه برخلاف دیدگاه اول و دوم است.

شاهد چهارم: کلام مرحوم مجلسی رحمه الله ذیل این حدیث از امام علی علیه السلام است که: «مَنْ اَحَبَّنا أهلَ الْبیتِ فَلْیُعِدْ لِلْفَقرِ جَلباباً؛ هر کس ما اهل بیت را دوست دارد، پس باید برای فقر خویش جلبابی آماده سازد».(۳)

بی تردید، مُراد حضرت از واژه جلباب در این حدیث، معنای لغوی آن (پوشش اصطلاحی بانوان) نیست، بلکه حضرت در کلام خویش، از صنعت

۱- ۱. تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۵۵۹.
۲- ۲. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۸.
۳- ۳. بحارالانوار، ج ۴۶، باب ۱۰، ص ۳۶۱، ح ۱.

ادبی استعاره سود جسته و از صبر به جلباب تعبیر کرده است؛ زیرا صبر، پوششی است که فقر را به طور کامل پنهان می دارد، همان گونه که جلباب بدن را. مرحوم مجلسی رحمه الله پس از ذکر این حدیث و بیانِ مطلبِ بالا می فرماید: «گفته شده دلیل این تعبیر، اشتمال و فراگیر بودن جلباب است».(۱)

بر اساس آنچه از مجموعه های لغوی در فصل اول ذکر شد، مشخّص می شود که واژه جلباب، خود مفهوم فراگیری را در بر دارد، به گونه ای که بسیاری از لغت شناسان، آن را لباسی شامل و فراگیر معرّفی کرده اند.

از مجموعه آنچه گذشت می توان دریافت که درستی دو دیدگاه اول که جلباب را پوششی ناکامل و شامل، همچون مقنعه یا چیزی بلندتر از آن می دانند، مردود است. بر این اساس، جلباب لباسی است فراگیر که بلندی آن به اندازه ای است که وقتی بر پیشانی محکم می گردد، سرتاسر بدن زن را می پوشاند.

نکته دیگر اینکه در اسلام، بلند بودن جامه به حدّی که به زمین کشیده می شود، برای مردان مکروه و ناپسند است، ولی برای زنان پسندیده شمرده می شود.(۲) روایت شده که امام صادق علیه السلام به مردی که لباسش بلند بوده و به زمین کشیده می شد فرمود: «من، شبیه شدن به زنان را مکروه می شمارم».(۳)

این کلام حضرت علیه السلام دلالت می کند بر اینکه ایشان، بر زمین کشیده شدن

۱- ۱. همان.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلوه، ابواب احکام الملابس، باب ۲۳، صص ۳۶۷ - ۳۷۰.

۳- ۳. همان، ص ۳۶۷.

جامه را ویژه زنان می دانسته است و تفاوت یاد شده به این علّت است که لباس زن هر چه بلندتر باشد، می تواند پوشش کامل تری برای او به شمار آید.

گستردگی و فراخی این پوشش نیز باید به اندازه ای باشد که در عین پوشانیدن اندام و لباس های زیرین زن که به طور طبیعی زینت شده و در نتیجه محرّک و مهیّج هستند، به بدن او نچسبیده و هندسه اندامش را نیز از چشم نامحرمان بپوشاند.

۲. کیفیت پوشش چادر

از اینکه خداوند تعالی در این آیه مبارک، به زنان دستور می دهد جلباب های خویش را به خود نزدیک سازند، معلوم می شود که این نوع پوشش، پیش تر هم در میان زنان عرب مرسوم بوده و زنان، سابقه ذهنی ای از جلباب داشته اند، ولی کیفیّت پوشش آن، با آنچه اسلام می فرماید متفاوت بوده است.

زنان عرب پیش از نزول این آیه، جلباب می پوشیده اند، ولی به تعبیر صاحب کتاب الفرقان فی تفسیر القرآن(۱) «غیر مدنات علیهنّ» بوده است، یعنی آن را جمع و جور و به خود نزدیک نمی کردند و به حال خود، رها می گذاشتند. در اصل، در آن زمان پوشیدن جلباب، جنبه تشریفاتی داشته است؛ چنان که اکنون هم بعضی زنان چادری، با وجود اینکه چادر بر سر دارند، ولی آن را رها می کنند و ازاین رو، چادر این بانوان، کارکرد و کارآیی لازم را ندارد. خداوند

۱- ۱. الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۱۰.

تعالی، کیفیّت پوششی جلباب را تصحیح کرده و می فرماید زنان آن را به خود نزدیک سازند: «یُدنینَ عَلَیْهِنّ مِن جلابیبهنّ».

در تفسیر نمونه آمده است: «مراد از یدنین این است که زنان، جلباب را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارند، به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد. به تعبیر ساده خودمان، لباس خود را جمع و جور کنند».(۱)

یُدنین از مصدر إدناء، به معنای نزدیک کردن است و در مقابل دور کردن قرار دارد. دور کردن لباس از خود؛ یعنی کندن و بیرون آوردن آن و در مقابل، نزدیک کردنِ لباس به خود، به معنای پوشیدن آن است. در تفسیر المیزان(۲) نیز نزدیک کردن جلباب، به معنای پوشیدن آمده است و اینکه چرا خداوند تعالی لفظ «نزدیک کردن» را به جای پوشیدن به کار برده، خود جای تأمّل و دقّت دارد.

نویسنده کتاب حریم عفاف، مطلب جالب توجّهی در این مورد نوشته است: «شاید به علّت این باشد که همان گونه که دور کردن لباس، همراه با نوعی تنفّر است، وقتی انسان در هنگام خستگی با حالتی انزجارآمیز لباسش را می کند، می گویند لباسش را دور افکند، با توجّه به معنای مقابله، نزدیک کردن لباس همراه با یک نوع پیوند معنوی می باشد؛ یعنی جلباب را با علاقه پوشید. ازاین رو، همراه با نوعی محافظت و دقّت پوشیده خواهد شد، نه مانند کسی که

۱- ۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۸.

۲- ۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۰.

از سر مجبوری لباسی را به تن می کند».(۱)

نکته دیگر اینکه در آیه شریف، «يُدنين عَلَيهنَّ...» آمده است. آلوسی بغدادی در تفسیر روح المعانی می نویسد: «الظاهر أنّ المراد بعليهنّ، على جميع اجسادهنّ»(۲) ظاهر این است که مراد از علیهنّ، [پوشانیدن جلباب] بر همه بدن است. معنای لغوی جلباب و کلمات مفسّران درباره آن نیز بیشتر بر گستردگی و فراگیر بودن جلباب دلالت داشت که همین معنا را می رساند. در تفسیر کاشف می خوانیم:

یدنین علیهن من جلابیبهنّ عام است، شامل پوشش و حجاب همه اجزای بدن می گردد... و مؤیّد این شمول، قول خداوند سبحان است که فرمود: ذلک أدنی أن یعرفن و همانا صورت و دو دست از مچ به پایین به خاطر فرموده خداوند تعالی لایبدین زینتهنّ إلاّ ماظهر منها، از عموم، خارج می گردد.(۳)

البتّه، بیشتر مفسّران، از جمله: آلوسی بغدادی،(۴) بیضاوی،(۵) زمخشری،(۶) و محمّد جنابذی،(۷) هدف از عبارت مذکور را پوشانیدن چهره دانسته اند.

۱- ۱. حریم عفاف، ص ۶۳.
۲- ۲. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۹.
۳- ۳. تفسیر کاشف، ج ۶، ص ۲۴۰.
۴- ۴. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۹.
۵- ۵. عبداللّه بن عمر بن محمد بیضاوی، تفسیر بیضاوی، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰، چ ۱، ج ۳، ص ۲۹۲.
۶- ۶. تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۵۶۰.
۷- ۷. بیان السّعاده فی مقامات العباده، ج ۳، ص ۲۵۶.

استاد شهید مرتضی مطّهری رحمه الله در این باره می نویسد:

مفسّـِران قبول دارند که مفهوم اصـلی یدنین، پوشانیدن نیست، امّا چون غالباً پنداشـته اند که این دسـتور برای باز شـناخته شدن زنان آزاد از کنیزان بوده است، چنین تعبیر کرده اند.(۱)

البتّه چنـان که در بحث کـاربرد جلباب نیز به تفصـیل به آن خواهیم پرداخت، این شأن نزول نمی توانـد صـحیح باشـد. چطور ممکـن است قرآن کریم به اذیّت نشـدن زنـان آزاد تـوجه کنـد و به آنـان بگویـد هنگـام خروج از خـانه جلبـاب بپوشـند تـا با کنیزکان اشتباه گرفته نشوند و مورد اذیّت و آزار قرار نگیرند، ولی به امنیّت کنیزکان مسلمان توجّهی نداشته باشد؟!

عجیب اینکه مفسّـِرانی که یدنین علیهن را به پوشانیدن چهره معنا کرده اند، گاه همان هایی هسـتند که در تفسـیر سوره نور، با کمالِ صراحت، پوشانیدن چهره و دو دست را امر حرجی و غیرلازم دانسته اند.

زمخشری در کشّـاف، ذیل آیه ۳۱ سـوره نـور می گویـد: «اگر بگویی چرا در زینت ظـاهره (مثـل خضـاب، انگشـتر و سـرمه) مسـامحه شـده؟ می گویم: زیرا پوشانیـدن اینها حرج است. زن چاره ای نـدارد از اینکه با دو دسـتش اشـیا را بردارد یا بگیرد و چهره اش را بگشاید».(۲)

افزون بر این، بـا نقـل کلمـات مفسّـِران و لغت شـناسان در همین فصل و همچنین فصل مفهوم شناسـی، روشن شـده که کیفیت پوشش جلباب، چنان نیست که برخی مفسّران مذکور تصوّر کرده اند.

۱- ۱. مسئله حجاب، ص ۱۷۹.

۲- ۲. کشاف، ج ۳، ص ۲۳۶.

خلاصه آنکه، منظور از نزدیک کردن جلباب، جمع و جور کردن آن است، به صورتی که به حال خود رها نمانـد و همه بـدن زن را بپوشانـد. البته این جمع و جور کردن، نبایـد به انـدازه ای باشد که جلباب به بدن زن بچسـبد و هندسه اندامش را نمایان سازد. حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله فرموده است: «لَایَنْبَغی للمرأَهِ أَن تجمَر ثوبَها إذا خَرَجَتْ مِنْ بیتها؛ سزاوار نیست برای زن که هنگام بیرون رفتن از خانه، لباس خود را جمع و فشرده کند».(۱)

آیه مورد بحث، حکمت پوشـیدن جلبـاب را، شـناخته شـدن زنـان به عفـاف و حیـا و در نتیجه، حفظ امنیّت و آرامش آنان در خارج از منزل ذکر می کنـد: «ذَلک أدنی اَن یعرفن فلا یُوذین». ازاین رو، کیفیّت پوشـیدن آن نیز باید در راسـتای تحقق همین هدف باشد.

به طور کلّی، می توان نتیجه گرفت که زن بایـد جلباب (چادر) خویش را چنان بپوشـد که آثار پاکـدامنی در وجودش هویـدا گشته، چنان ابهت و متانتی بیابد که چشم ناپاک دلان را از طمع در کالای وجود خویش نا امید سازد، تا از آزار و اذیتشان در امان بماند.

البتّه کیفیت های خاصّی نیز در بعضـی تفسـیرها برای بر سـر کردن جلباب ذکر گردیده است. محمّد بن سـیرین می گوید: «از عبیده سـلمانی در مورد آیه (یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ) پرسـیدم. او ملحفه ای را که بر پشتش بود برداشت، بر سر کرد و تمام سرش را با آن پوشانید تا اینکه ملحفه به ابروهایش رسید. صورتش را نیز پوشانید و تنها چشم سمت چپش را از طرف چپ

۱- ۱. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب التستّر، ص ۵۱۹.

صورت، بیرون گذاشت».(۱)

این کیفیّت پوشش جلباب، بسیار شبیه به چیزی است که بانوان عفیف ایرانی در مورد پوشیدن چادر رعایت می کنند. البتّه، چون پوشش صورت در اسلام بر زن واجب نیست، این شیوه پوشیدنِ جلباب نیز نمی تواند واجب باشد، ولی از آنجا که پوشش بیشتر، مورد توصیه اسلام بوده و به نفع زنان است، پسندیده شمرده می شود.

۳. رنگ چادر

گفتیم که ریشه لغوی جلباب، جلب است. بسیاری از کتاب های معتبر لغوی مثل لسان العرب،(۲) قاموس المحیط،(۳) اقرب الموارد(۴) و منتهی الارب(۵) تصریح کرده اند که یکی از معناهای جلب، سیاهی است. لسان العرب پس از نقل: «و جلب اللیل یطرده النهار» تصریح کرده که شاعر از جلب، سیاهی را اراده کرده است.(۶) همچنین، بسیاری از کتاب های لغوی همچون لسان العرب(۷) و العین(۸) و

ص: ۱۱۲

۱- ۱. عبدالرحمن سیوطی، الدّر المنثور، قم، منشورات مکتبه آیه اللّه العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ه . ق، ج ۵، ص ۲۲۲.

۲- ۲. لسان العرب، ج ۲، ص ۳۱۵.

۳- ۳. قاموس المحیط، ج ۱، ص ۱۷۳.

۴- ۴. اقرب الموارد، ج ۱، ص ۱۳۰.

۵- ۵. منتهی الارب، ج ۱ و ۲، ص ۲۸۶.

۶- ۶. لسان العرب، ج ۲، ص ۳۱۵.

۷- ۷. همان، ص ۳۱۷.

۸- ۸. العین، ج ۶، ص ۱۳۲.

کتاب های تفسیری مثل کشّاف(۱) و روح المعانی،(۲) بعضی از شواهد شعری را که جلب در آنها به معنای سیاهی به کار رفته، نقل کرده اند. تبادر ذهنی زنان عرب از آیه ۵۹ سوره احزاب نیز سیاه بودن رنگ این پوشش را تأیید می کند. در تفسیر الدّر المنثور، از امّ السلمه، همسر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که: «وقتی این آیه نازل شد، زنان انصار به شکلی از خانه ها بیرون آمدند که گویی مثل کلاغ سیاه پوشیده بودند؛ زیرا پوششی سیاه رنگ بر تن داشتند که سراپایشان را گرفته بود».(۳) تفسیرهای المیزان(۴) و روح المعانی(۵) نیز این مطلب را گفته اند و سنن أبی داوود(۶) نیز با اندک تفاوتی، آن را آورده است.

کتاب عون المعبود در شرح سنن أبی داوود، در قضیّه ای از امّ سلمه، آورده است: دلیل تشبیه به کلاغ سیاه، رنگ مشکی پوششی بوده که زنان انصار به عنوان جلباب از آن استفاده می کرده اند.(۷)

از عایشه نیز روایت شده که گفت: «خداوند رحمت خویش را بر زنان انصار نازل فرماید. هنگامی که آیه (یا ایّها النّبی قُل لِأزواجِک...) نازل شد،

۱- ۱. تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۵۶۰.

۲- ۲. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۸.

۳- ۳. الدّر المنثور، ج ۵، ص ۲۲۱.

۴- ۴. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۷.

۵- ۵. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۸.

۶- ۶. سنن أبی داوود، ج ۴، باب لباس النساء، ص ۶۱، ح ۴۱۰۱.

۷- ۷. محمّد شمس الحقّ العظیم آبادی، عون المعبود فی شرح سنن أبی داوود، مدینه منوره، ۱۳۸۹ ه . ق، چ ۲، ج ۱۱، ص ۱۵۹.

پارچه های ندوخته خویش را شکافته بر سر کردند. آنها پشت سر پیامبر نماز خواندند و گویی کلاغ سیاه بر سرشان نشسته بود».(۱)

در فصل سوم نیز به تفصیل گذشت که از نظر ویژگی های روان شناسی، رنگ مشکی، بیشترین سازگاری را با حکمت وجوب حجاب برای زنان دارا بوده و ازاین رو، بهترین رنگ برای چادر است.

۴. کارکرد چادر

برای تشخیص بهتر کارکرد این پوشش، رجوع به شأنِ نزول این آیه مبارک و تفسیرهای عبارت «یعرفن فلا یُؤذین» می تواند مؤثّر باشد.

مفسّران، شأن نزول آیه را با اندکی تفاوت نقل کرده و در تفسیر عبارت مذکور، به دو دسته تقسیم می گردند. مرحوم طبرسی(۲) و زمخشری،(۳) شأن نزول آیه را تعرّض بیمار دلان و مردان فاسد به زنان آزاد، به عذر اشتباه گرفتن آنها با کنیزان دانسته اند. زمخشری می نویسد: «زنان در اول اسلام بر اساس آداب و رسوم جاهلی شان، پوشش کاملی نداشتند و با پیراهن و روسری در میان مردان، ظاهر می شدند و هنگامی که شب از خانه خارج می گردیدند، جوانان فاسد و هرزه به زنان آزاد تعرّض کرده، مزاحمت ایجاد می کردند، آن گاه برای کار خود دلیل می آوردند که گمان کردیم او کنیزک است. بنابراین، زنان آزاد به

۱- ۱. الدّر المنثور، ج ۵، ص ۲۲۱.
۲ - ۲. ابوالفضل بن الحسن طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: حاج شیخ محمّد رازی، مؤسّسه انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰، چ ۱، ج ۲۰، ص ۱۷۶.
۳- ۳. کشّاف، ج ۳، ص ۵۵۹.

پوشیدن روپوش های گسترده و پوشانیدن سر و صورت امر شدند تا بدین شیوه، از کنیزان تمیز داده شوند و حشمت و وقار آنها، مانع طمع اهل شهوت بدیشان گردد».(۱)

مرحوم طبرسی نیز عبارت «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» را چنین تفسیر کرده است: «یعنی این نزدیک تر است به اینکه شناخته شوند به زیّ که اینها زنان آزاد و نجیب هستند و کنیز نیستند. پس اهل هوا و شهوت، ایشان را با مزاح و شوخی و متلک گفتن خود اذیّت نکنند».(۲)

بیضاوی نیز نظر زمخشری و مرحوم طبرسی را پذیرفته، می نویسد: زنان آزاد از کنیزکان باز شناخته شوند تا اینکه اهل شهوت ایشان را با تعرّض آزار ندهند.(۳)

بر اساس این تفسیر، کارکرد جلباب، امتیاز دادن زنان آزاد از کنیزکان بوده است، ولی این مطلب، خالی از ایراد نیست. بر اساس این تفسیر، آزار و اذیّت کنیزکان، بی اشکال بوده و عذر مزاحمان آنان موجّه می شود و این مطلب صحیح نیست؛ زیرا که لازمه آن، تجویز آزار و اذیّت کنیزکان از نظر اسلام است و حال اینکه چنین لازمه ای درست نیست؛ زیرا اگرچه حکم پوشش سر، بر اساس دلایل و مصالحی شامل کنیزکان نگردیده است، ولی به هر حال آزار و اذیّت، حتّی در مورد آنان نیز گناه است. در آیینی که پیشوای آن می فرماید:

۱- ۱. همان.

۲- ۲. ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۰، ص ۱۷۷.

۳- ۳. تفسیر بیضاوی، ج ۳، ص ۳۹۲.

«مسلمان حق دارد از غصّه بیرون کشیدن خلخال از پای دخترکی یهودی دق کند»،(۱) چگونه می توان آزار و اذیّت کنیزکی مسلمان را بدون اشکال دانست؟

به یقین، کنیز بودن، نمی توانسته عذر موجّهی برای منافقان و بیماردلان باشد. ازاین رو، این تفسیر قابل قبول نیست و به سراغ شأن نزول و تفسیر دیگر مفسّران می رویم.

تفسیر قمی ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب آورده است:

شأن نزول این آیه چنین بود که زنان از خانه بیرون می شدند تا به مسجد آیند و دنبال رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز بخوانند. چون شب می شد و زنان برای نماز مغرب و عشا بیرون می آمدند، جوانان سرِ راه آنان می نشستند و متعرّض ایشان می شدند. ازاین رو، خدای تعالی این آیه را نازل کرد.(۲)

علاّمه طباطبایی رحمه الله در مورد عبارت «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یُؤذین» می نویسد:

پوشانیدن همه بدن، به شناخته شدن به اینکه اهل عفّت و حجاب و صلاحند نزدیک تر است. در نتیجه، وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیّت نمی شوند؛ یعنی اهل فسق و فجور متعرّض آنان نمی گردند.(۳)

مرحوم طبرسی نیز با وجود اینکه دلیل نزول آیه را جدا ساختن زنان آزاد از کنیزکان دانسته، ولی پس از آن، از جایی نقل می کند که در تفسیر این عبارت گفته است: «یعنی این نزدیک تر است به اینکه به حفاظ و پوشش و صلاح شناخته شوند. پس متعرّض و مزاحم آنها نشوند، برای آنکه فاسق و زناکار

ص: ۱۱۶

۱- ۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۷۴.
۲- ۲. علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر القمّی، نجف، مکتبه الهُدی، ۱۳۸۷ه . ق، ج ۲، ص ۱۹۹.
۳- ۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۰.

وقتی زنی را به پوشش و عفّت شناخت، دیگر مزاحم او نمی شود».(۱)

بر اساس این تفسیر، کارکرد جلباب (چادر)، معرّفی زن به دارا بودن عفاف، پاکی و پاکدامنی و جدا کردن زنان عفیف و با حیا، از زنان آلوده، جلف و سبک است که همواره مورد طمع جوانان ولگرد و شهوت ران قرار می گیرند.

در نتیجه، جلباب تأمین کننده امنیّت و آرامش زن به شمار می آید. به یقین، وقتی زن پوشیده، سنگین و متین از خانه بیرون رود و با عفّت باشد، افراد فاسد و هرزه جرئت نمی کنند به آزارش بپردازند. در واقع، می توان گفت چادر یا هر پوشش گسترده ای که زنان بر روی لباس های خود بپوشند و هندسه بدن، زیبایی ها و اندام خویش را بدان وسیله از نگاه های آلوده محفوظ دارند، مرزی است که زنانِ دارای هویّتِ فرهنگی و منزلت انسانی و معنوی را از زنان بی هویّت، غرب زده، ناآگاه و اسیر بند هوا و هوس جدا می سازد و امنیّت آنان را تضمین می کند.

در پایان، به نقل سخنان خانم دانشجویی که چادر را به عنوان حجاب برتر برای خویش برگزیده، می پردازیم. خانم ن. ق بیان می دارد:

من برای خودم چادر و حجاب را یک عامل نجات بخش در رویارویی با مرد نامحرم می دانم. به ویژه وقتی متوجّه می شوم مردی یا مردانی نگاه های آلوده ای دارند، در آن وقت که چادرم را محکم تر می گردانم تا صورتم در تیررس نگاه های آنها نباشد، یک احساس امنیت و توأم با رضایت به من دست می دهد؛ به خاطر اینکه هم توانستم آنها را ناکام بگذارم و هم خود را

۱- ۱. ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۰، ص ۱۷۷.

از نگاه آلوده و مسموم کننده حفظ کنم. ازاین رو، احساس آرامش می کنم... . پیش تر حجاب نداشتم. اکنون که با حجابِ کامل (چادر) رفت و آمد می کنم، این دو را با هم مقایسه می نمایم، می بینم حجاب باعث شد که خودنمایی در من کاهش بسیار یافت؛ در صورتی که در دوره بد حجابی، احساس می کردم که گرفتار نقیصه احساس خود کم بینی و خودنمایی هستم... .

توصیه من به بانوان این است که: اگر ما حجاب را برای مصونیّتِ خود برمی گزینیم، چه بهتر که حجاب کامل تر را برگزینیم تا مصونیّت بیشتری داشته باشیم.(۱)

۵. دیدگاه فقیهان در مورد چادر

با توجه به ویژگی های مذکور جلباب در ابعاد پنج گانه مفهوم، اندازه، کارکرد، کیفیّت و رنگ از منظر آیات و احادیث و مقایسه آن با چادر فعلی زنان ایران، می توان گفت چادری که امروزه زنان ایرانی می پوشند، در ابعاد مذکور تقریباً همان چیزی است که خداوند تعالی در آیه ۵۹ سوره احزاب به زنان با ایمان دستور فرموده است و ازاین رو، ارتباط وثیقی با دین اسلام و به ویژه قرآن کریم دارد.

البته، این بدان معنا نیست که حجاب اسلامی، تنها در چادر متعیّن می گردد، ولی آنچه از سخن بزرگان و فتواهای فقیهان بر می آید، این است که چادر، برترین و بهترین نوع حجاب اسلامی برای زنان مسلمان است. در پایان به پاره ای از دیدگاه فقیهان اشاره می گردد:

۱- ۱. آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، صص ۲۲۵ و ۲۲۶.

حضرت امام خمینی رحمه الله:

در مورد حدود حجاب اسلامی برای زنان، واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دست ها تا مچ، از نامحرم پوشیده شود. گرچه با غیر چادر باشد، ولی پوشش با چادر بهتر است و از لباس هایی که توجّه نامحرم را جلب می کند، باید اجتناب شود.(۱)

حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای (مدظلّه العالی):

البتّه، حجاب زن به چادر منحصر نمی شود، ولی چادر، بهترین نوع حجاب و نشانه ملّی ماست و هیچ منافاتی با فعّالیت های زنان مسلمان در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ندارد.(۲)

حضرت آیت اللّه العظمی بهجت:

چادر، حجاب پسندیده است.(۳)

حضرت آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی:

بی شک، چادر حجاب برتر است.(۴)

حضرت آیت اللّه العظمی صافی گلپایگانی:

چادر، بهترین پوشش برای خانم هاست؛ چون تمام مفاتن بدن را می پوشاند. خانم های مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجددگرایی مضر پرهیز کنند.(۵)

حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی:

۱- ۱. محمّد محمّدی اشتهاردی، حجاب، بیانگر شخصیت زن، قم، انتشارات ناصر، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۱۴۸؛ به نقل از توضیح المسائل حضرت امام رحمه الله ، ص ۴۹۱.

۲- ۲. بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، کیهان، س ۴۹، ش ۱۴۳۷۰، پنج شنبه ۹ دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱.

۳- ۳. گزیده ای از بهشت جوانان، ص ۱۶۶؛ به نقل از استفتاء به صورت مستقیم از دفتر مراجع توسّط ویژه نامه فرهنگ اسلام، بهار ۱۳۷۸.

۴- ۴. همان.

۵- ۵. همان.

چادر، حجاب برتر است و سزاوار نیست زن های مؤمن، بدون چادر وارد جامعه شوند.(۱)

حضرت آیت اللّه العظمی فاضل لنکرانی:

چادر مشکی، بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباس هایی که جلب توجّه کند، حرام است.(۲)

۱- ۱. همان، ص ۱۶۷.

۲- ۲. همان.

فصل پنجم: پاسخ برخی شبهه ها و پرسش ها

اشاره

دخترا، می کنم از مغلطه کاران خبرت***که مبادا ببرند از ره عفّت به درت

تا خبردار شوی یا به قلم یا تبلیغ***برده چادر ز تو، بنهاده کلاهی به سرت(۱)

حاج اسماعیل آقا دهقان

فصل پنجم، پاسخ گوی این پرسش است که مهم ترین و جدیدترین شبهه ها درباره حجاب برتر (چادر) چیست و پاسخ آنها از دیدگاه قرآن، حدیث و عقل چیست؟

حجاب اسلامی، به عنوان یکی از شعایر الهی، همیشه مورد تهاجم دشمنان اسلام بوده و هست. در این میان، به چادر که حجاب برتر زن مسلمان است و لباس رزم و نماد مقاومت او به شمار می آید، بیشترین حمله ها شده است. استعمارگران خوب می دانند که اگر زن مسلمان، نخستین عامل سازنده را از دست بدهد، به زندگی عروسکی کشیده می شود و وسیله ای برای گسترش تجمّلات و تشریفات پوچ و مصرف کننده لایقی برای کالاهای غرب خواهد

ص: ۱۲۱

۱- ۱. ذبیح الله محلاتی، کشف الغرور او مفاسد السّفور، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب، اردیبهشت ۱۳۲۸، ص ۵۸.

شد. فرانتس فانون با وجود اینکه مسلمان نیست، می گوید: «هر چادری که دور انداخته شود، افق جدیدی را که برای استعمار ممنوع بوده، در برابر او می گشاید».(۱)

در اهمیّت این پوشش، همین بس که به نماد جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده، به طوری که حتّی دشمنان اسلام و انقلاب نیز به این مطلب اذعان دارند.

ریول کرکت (ادوارد شرلی) صهیونیست، مسئول سابق شبکه جاسوسی سیا در ایران در این باره می گوید: «چادر، نمادی است که وجود انقلاب را در سر هر چهار راهی به نمایش می گذارد. با چادر می توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده و جاوید است».(۲)

در حقیقت، چادرِ زن، خاری است در چشم دشمنان اسلام و به ویژه انقلاب اسلامی ایران که شعله های خشمشان را فروزان تر می کند. به قول شاعر:

چادر زن کیمیای غیرت است*** چون نشان غیرت ملّیت است

از برون، شرحِ درونی می دهد***خشمِ دشمن را فزونی می دهد(۳)

حسن حیات بخش

ازاین رو، دشمنان در برداشتن این پوشش از سر زنان، فراوان می کوشند.

۱- ۱. گزیده ای از بهشت جوانان، ص ۱۶۳.

۲- ۲. قاسم روان بخش، «گامی دیگر برای مبارزه با حجاب»، هفته نامه پرتو سخن، ش ۱۰۲. ۹/۸/۱۳۸۰، ص ۴.

۳- ۳. گزیده ای از بهشت جوانان، صص ۳۶۷ _ ۳۶۸.

البتّه تجربه های تلخی چون قضیّه کشف حجاب رضاخان و مقاومت زنان پرهیزکار و دلیر ایرانی، به آنان ثابت کرد که چادر، آنچنان در اعماق اعتقاد زن مسلمان ریشه دارد که برداشتن آن، به زور هم امکان پذیر نخواهد بود.

بر فرض که کارگزاران رضاخان، در کوچه ها چادر از سر زنان بکشند، آنها تا آخر عمر به مأمن خانه ها پناه برده، در چهار دیواری آن جان می سپارند و اجازه نمی دهند چادر از سرشان برداشته شود. چنان که نمونه های فراوانی از آن در تاریخ ایران به ثبت رسیده است.(۱)

کنت دمارانش، رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه که مدّتی طولانی در رأس این سازمان به عنوان مشاور شخصیت هایی چون شارد دو گل، هنری کیسنجر، رونالد ریگان، پمپدو، ژیسکاردستن و... بوده، به ریگان، رئیس جمهور سابق امریکا می گوید: «شما نمی توانید با یک عقیده، به وسیله تانک و هواپیما مبارزه کنید».(۲)

او طرح هوشمندانه خویش را «نبوغ فعّال» نام نهاده، توصیه می کند: «با هر عقیده ای به وسیله عقیده بجنگید؛ کلام در برابر کلام و گاهی حتّی دروغ».(۳)

بر این اساس، نوک پیکان تهاجم فرهنگی دشمن، به سمت چادر مشکی زن ایرانی نشانه رفته است. دشمنان، طیّ تلاش های گسترده فرهنگی، از راه های گوناگون از راه گفتار یا نوشتار، از جمله از طریق رسانه های ارتباط جمعی به

۱- ۱. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۸.

۲- ۲. کنت دمارانش و دیوید ای. اندلمن؛ جنگ جهانی چهارم، مترجم: سهیلا کیانتاژ، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۱۳.

۳- ۳. همان.

ویژه مطبوعات غرب زده و خود فروخته، می کوشند با القای شبهه ها، عقیده زنان و دختران با حجاب را سست کرده، حجاب و در رأس آن، چادر را مایه اسارت زنان، و سدّ راه پیشرفت آنها و... معرّفی کنند، نزد آنان منفورش سازند تا خود با دست خود، چادر از سر برگیرند. همان گونه که پس از موفق نبودن طرح کشف حجاب رضاخان، پسرش محمّد رضا به جای استفاده از زور، به گونه ای تبلیغ کرد که مردم باور کردند بی حجابی ارزش و حجاب ضدّ ارزش است.

حرکت دشمن در این عرصه، پشتوانه های مالی و حمایت های گسترده ای دارد و در قالب طرح های گوناگون شکل می پذیرد. البتّه، دوستان جاهل یا غافل نیز متأسفانه از داخل، با ایراد سخنرانی ها یا نوشتن مقاله ها و کتاب ها، به کمک دشمن شتافته، او را در این راستا یاری می رسانند. به تعبیر قرآن کریم، وقتی از آنان خواسته می شود تا از گمراه کردن مردم دست بردارند، می گویند: ما با اهداف خیرخواهانه و به قصد اصلاح چنین می کنیم: «وَ إِذَا قیلَ لَهُمْ لَاتُفْسِدوا فی الأرضِ قآلوا إنَّما نَحْنُ مُصْلِحونَ». (بقره: ۱۱)

عملّیات استعمارگران در انهدام پایه های اعتقادی زنان مسلمان و القای شبهه هایی درباره چادر و حجاب برتر، به فعالیت موریانه ها در منهدم ساختن کلبه های چوبی، با خوردن آرام آرام پایه های آن شباهت زیادی دارد.

نباید فراموش کرد که تأثیر کار فرهنگی، در درازمدّت نمایان خواهد شد و استعمار با داشتن هزاران جامعه شناس و روان شناس کار کشته، از دیرباز بر روی این مسئله کار کرده و متأسّفانه اکنون، شاهد آثار این اقدام حساب شده بر افکار و اعمال برخی زنان کشورمان هستیم. دستمایه دشمن در این حرکت،

اندك بودن آگاهی های مذهبی زنان مسلمان است و تنها راه مبارزه با آن، آگاهی بخشی و تقویت پایه های بینشی و اعتقادی زنان مسلمان، روشنگری ضرورت و فلسفه حجاب و پاسخ دادن به شبهه ها و پرسش هایی است که توسّط دشمن به ذهن زنان و دختران القا می شود. به فرموده مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه العالی):

سالیان دراز با تمام وسائل، روی این انحراف کار شده است. باید با آن مبارزه کرد ... باید به اینها پاسخ داده شود. ما ابهامی نداریم. برای ماها روشن است قضیّه و برای خیلی های دیگر قضیّه روشن است، ولی خوب، این بایستی واضح و پیرامون آن روشنگری بشود. برای همه روشن بشود و این کاری است لازم. این هم کار فرهنگی است که بنده، زیاد رویش اصرار داشتم و دارم.(۱)

ازاین رو، نگارنده کوشیده مهم ترین و اساسی ترین پرسش ها و شبهه های حجاب برتر (چادر) را در این فصل گرد آوری کرده و در حدّ توان خویش به آنها پاسخ دهد.

پرسش نخست: آیا چادر منشأ دینی دارد؟

در شماره ۱۶۲۷ روزنامه ایران، به تاریخ ۲ مهر ماه ۱۳۷۹ آمده است: «چادر به احتمال خیلی زیاد از زمان قاجاریّه در ایران جا افتاده است و هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد».(۲)

۱- ۱. حجاب و آزادی مقالات کنگره اسلام و زن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، چ ۲، صص ۲۴ و ۲۵.
۲- ۲. فاطمه خاتمی، «چادر سیاه در بعضی ادارات ملاک ارزشیابی است»، روزنامه ایران، ش ۱۶۲۷، ۲/۷/۱۳۷۹، ص ۴.

این شبهه، یکی از دست آویزهای دشمنان اسلام در اجرای سیاست گام به گام کشف حجاب است. مستر همفر، جاسوس انگلیسی که سال های زیادی از سوی انگلستان در کشورهای اسلامی برای محو اسلام جاسوسی کرده، در کتاب خاطرات خویش، قسمتی از دستورالعمل این استعمار پیر را چنین نقل می کند:

در مسئله بی حجابی زنان، باید کوششِ فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن، از دوران بنی عباس متداول شده و مطلقاً سنّت اسلام نیست.(۱)

پاسخ

۱. پوشش چادر نه از زمان قاجاریه، که از زمان ها پیش از اسلام و حتّی در دوره ساسانیان، یکی از پوشش های زنان ایران به شمار می آمده است.(۲) این پیشینه، نه تنها دلیلی بر غیردینی بودن چادر نخواهد بود که ثابت می کند سنّتی است که در فطرت و ساختار وجودی انسان ریشه دارد. اسلام نیز دینی است هماهنگ با فطرت و این خود دلیلی است بر اسلامی بودن پوشش چادر.

۲. در فصل سوم، به تفصیل گذشت که خداوند در آیه ۵۹ سوره احزاب دستور «إدناء جلابیب ؛ پوشیدن پوشش گسترده» را برای زنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله، دختران آن حضرت و تمامی زنان با ایمان صادر فرمود. همچنین، ویژگی هایی که لغت شناسان و مفسّران بزرگ شیعه و عامّه برای کلمه جلباب

۱- ۱. مستر همفر، خاطرات مستر همفر، محسن مؤیدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱، چ ۱، ص ۱۱۲.

۲- ۲. نک: فصل مفهوم شناسی، واژه چادر.

آورده انـد نیز نمایانگر این مطلب است که اندازه، کیفیّت، کارکرد و رنگ این پوشـش، نزدیکی زیادی با چادر امروزی زنان ایران دارد. بسیاری از مفسّـِران، عبارت «یـدنین علیهن» در این آیه شـریف را به پوشـیدن و جمع و جور کردنِ «جلباب» تفسـیر کرده اند. از این گذشـته، در آیه ۶۰ سوره نور که خداونـد تعالی به زنان پیری که امید ازدواج ندارند، رخصت داده و فرموده است: «فَلَیسَ عَلَیهِنَّ جُناحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ...».

از امـام صـادق علیـه السـلام روایـت شـده است که مُراد از «ثیـابهنّ» در این آیه، جلبـاب (چـادر) است.(۱) بسـیاری از مفسّران والامقام شـیعه نیز از جمله شـیخ طوسی، فاضل مقداد، طبرسی و محقق اردبیلی، منظور از ثیاب را در این آیه، چادر و مانند آن می دانند.(۲) نویسـنده کتاب حجاب در اسلام، پس از بیان دیدگاه این مفسران می نویسد: «باقی مفسّرین امامیّه، جز اندکی از ایشان، همگی ثیاب را به چادر تفسیر کرده اند».(۳)

بر این اساس، ترجمه این آیه به صورت زیر است: «بر آنان عیبی نیست که چادر خویش را در نزد نامحرمان از سر برگیرند».

اگر پوشـش چادر ریشه دینی نداشـته و دستور اسلام نبود، دیگر جایی برای استثنای چادر زنان پیر و سالخورده وجود نداشت. ازاین رو، این استثنا نشان می دهد که دستور پوشش چادر، دستوری کلّی برای زنان با ایمان بوده است،

۱- ۱. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب القواعد من النساء، ص ۵۲۲، ح ۲.

۲- ۲. حجاب در اسلام، صص ۹۰ - ۹۳.

۳- ۳. همان.

ولی بر طایفه مذکور باکی نیست اگر بدون تبرّج و خود آرایی، چادر از سر بردارند. البتّه در ادامه همین آیه آمده است: «وَ إنْ یستعفِفْنَ فَهُوَ خَیْرٌ لَهُنَّ؛ اگر باز هم عفّت و تقوا پیشه گزینند، و حتی زنان سالخورده نیز چادر خود را بر ندارند، بر آنان بهتر است».

بنابراین، بی اساس بودن ادّعای این منتقدان، مبنی بر اسلامی نبودن چادر، بسیار روشن است. از سویی دیگر، بر اساس دیدگاه تاریخ نگاران، ارتباط ایرانیان با عرب ها در زمان خلیفه دوم و به سال شانزدهم هجری اتفاق افتاد.(1) حال آنکه وفات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سال یازدهم هجری قمری ثبت شده است. پس به یقین، نزول این آیات، پیش از ارتباط ایران با عرب ها بوده است. ازاین رو، نمی توان گفت ایرانیان، عادت چادر پوشیدن را وارد اسلام کرده اند؛ زیرا این دستور، پیش از ارتباط ایرانیان با عرب ها در اسلام وجود داشته است.

همچنین شأن نزول این آیه، سیاق آیه و ضمیر در کلمه «جلابیبهنّ»، نشان می دهد پوشش جلباب پیش از نزول این آیات نیز در میان زنان عرب مرسوم بوده، ولی چگونگی پوشش آن با آنچه اسلام دستور می دهد، تفاوت داشته است.

با توجّه به همه این مطالب، اگر هم بپذیریم که «چادر از زمان قاجاریّه در ایران جا افتاده است»، در این صورت، زنان ایران باید بسیار متأسف باشند که چرا این قدر دیر و با این همه تأخیر متوجّه بهترین الگوی حجاب زن مسلمان

۱- ۱. حجاب، ص ۳۱.

(چادر) گردیده اند!

پرسش دوم: آیا حکم چادر در زمان حاضر منتفی است؟

در کتاب «حجاب» از محمّد سعید العشماوی نقل شده که می گوید: «در این آیه (آیه ۵۹ سوره احزاب) خداوند به پیامبر دستور می دهد که به همسران و دختران خود و زنان مؤمن فرمان دهد که جلباب خود را (پارچه ای که تمام بدن را می پوشاند) به خود گیرند تا شناخته نشوند و مورد اذیّت و آزار قرار نگیرند. به تعبیر دیگر، این آیه می گوید زنان مؤمن و آزاد از این پوشش استفاده کنند تا با کنیزان تفاوت داشته باشند. در این آیه، حکم پوشش، معلل است به جمله «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین». بنابر این، در عصر حاضر که مسئله بردگی از میان رفته [و تمایز میان زنان آزاد و کنیز مورد ندارد]، این حکم منتفی می شود».(۱)

پاسخ

۱. آیه شریفه می فرماید: «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین» (پوشیدن جلباب)، نزدیک تر است به اینکه به عفّت و پاکی شناخته شوند و مورد آزار و اذیّت قرار نگیرند. در این آیه، بحث از شناخته شدن به پاکدامنی و به دنبال آن اذیّت نشدن است، نه «شناخته نشدن» تا بگوییم زنان باید چادر می پوشیدند تا شناخته نشوند و مورد اذیّت قرار نگیرند.

۲. پیشتر، به تفصیل در مورد مخدوش بودن این نوع تعلیل و تفسیر در مورد آیه مذکور بحث گردید. افزون بر آن، تفسیر دیگری از مفسّران نقل شده که با

۱- ۱. همان، ص ۲۱.

اصول قرآنی سازگارتر بوده و درستی مـدّعای بالا را باطل می کند. به جهت خودداری از طولانی شدن کلام، از تکرار دوباره آن صرف نظر می کنیم.(۱)

۳. بسیاری از تفسیرها از جمله تفسیر قمی،(۲) المیزان(۳) و کاشف،(۴) دلیل نزول آیه را، جدا ساختن زنان عفیف از زنان هرزه و تأمین امنیت آنان ذکر کرده اند. مفسّر والامقام قرآن کریم، علاّمه طباطبایی رحمه الله در مورد عبارت: «ذلك أدنى...» بر این نظر است که پوشیدن جلباب، به شناخته شدن زنان به اینکه اهل عفّت و پوشش و صلاحند، نزدیک تر است. در نتیجه، وقتی به این عنوان شناخته شوند، دیگر مورد تعرّض و اذیت اهل فسق و فجور قرار نمی گیرند.(۵) این تعلیل در عصر حاضر نه تنها منتفی نشده، بلکه ضرورت آن دوچندان شده است.

پرسش سوم: آیا پوشیدن چادر، به علّت دست و پا گیر بودن آن، موجب منزوی شدن زنان...

تعطیل شدن فعّالیت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان و در نتیجه، تضییع نیروی نیمی از پیکرِ اجتماع نخواهد شد؟

پاسخ

۱. چادر به هیچ وجه، زن را منزوی نمی کند؛ چون دست و پاگیر نیست تا اینکه او را از صحنه اجتماع دور سازد. اگر در گذشته، این مطلب استدلال

۱- ۱. برای آگاهی بیشتر، به فصل چهارم، قسمت کارکرد چادر رجوع فرمایید.

۲- ۲. تفسیر القمّی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۳- ۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۷.

۴- ۴. کاشف، ج ۶، ص ۲۴۰.

۵- ۵. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۷.

لازم داشت، پس از انقلاب اسلامی، دیگر هیچ نیازی به استدلال نیست؛ زیرا شاهد حضور فعّال و موقعیّت چشمگیر زنان پرهیزکار و چادری در عرصه های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستیم.

مقام معظّم رهبری (مدظلّه العالی) در این باره می فرماید:

چادر، هم بهترین نوع حجاب است و هم یک نشانه ملّی ماست که هیچ منافاتی با هیچ نوع تحّرکی از زن ندارد. اگر واقعاً کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری به معنای تحّرک باشد، لباس رسمی زن می تواند چادر باشد که بهترین نوع حجاب است.(۱)

۲. لازمه تعارض پوشیدن چادر با انجام فعّالیت های اجتماعی ـ اقتصادی و... ، تعارض در گفتار، رفتار و سیره پیامبر است، حال آنکه تعارض در فعل و قول معصوم راه ندارد.

بر اساس آیه شریف ۵۹ سوره احزاب، پیامبر موظّف شد فرمان «پوشیدن چادر»یا همان «ادناء جلابیب» را ابلاغ فرماید. از طرفی، زنان عصر پیامبر در فعالیت های رایج برای زنان آن زمان، از جمله مشاغل خدماتی، کارهای اداری بازار، خرّازی، سقّایی، خیّاطی، نخ ریسی، آرایشگری، دبّاغی، صنایع دستی و... حضور فعّال داشتند.(۲) حتّی زینب دختر جحش، همسر پیامبر، صنعتگر بود و کارش مورد تأیید و قبولِ رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بوده است.(۳) اگر پوشیدن چادر با انجام این فعّالیت ها سازگار نبود، با وجود ابلاغ دستور «إدناء جلابیب»،

۱- ۱. سیّد علی خامنه ای، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، چ ۲، ص ۲۶۱

۲- ۲. سید محسن سعید زاده، «مشاغل زنان در عصر رسالت»، پیام زن، ش ۳، خرداد۱۳۷۴، ص ۲۴.

۳- ۳. همان، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۱۵.

حضرت از داشتن این گونه مشاغل توسّط زنان نهی می فرمود؛ وگرنه این خود نوعی تعارض در گفتار و رفتار ایشان بود، ولی در متون دینی، هیچ گونه نهی ای از سوی ایشان دراین مورد به چشم نمی خورد و این خود نشان دهنده معارض نبودن «چادر پوشیدن» با انجام این گونه فعّالیت هاست.

۳. اگر هم بپذیریم که چادر، نیمی از افراد جامعه را فلج می سازد، ولی در مقابل، بی حجابی، تمام افراد جامعه را فلج خواهد ساخت. به یقین، تعطیل فعّالیّت اجتماعی نیمی از افراد جامعه، بر تعطیل شدن فعّالیّت تمام افراد ترجیح دارد.

هنگامی که زن با پوششی نامناسب، اندامی شهوت انگیز و حرکاتی هیجان بار به محیط کاری پا می گذارد که به طور معمول چندین مرد نیز در آن محیط به فعّالیت مشغولند، به نظر شما آیا این وضع، حواس پرتی و جلب توجّه آنان را فراهم نخواهد آورد؟ با این توصیف، آیا از سرعت و دقّت کار آنان کاسته نخواهد شد؟ این نوع حضور زن در محیط کار، باعث می گردد مردان بیشتر ساعات اداری را به هوس بازی، چشم چرانی و تماس های غیرضروری با زنان بپردازند و در نتیجه به عنصری ناکارآمد تبدیل شوند؟

دین مبین اسلام، حضور زن را در متن جامعه می پذیرد، ولی نه به عنوان یک عروسک، مانکن یا آلت دست، بلکه به عنوان یک انسان و با رعایت حدود شرعی تا بتواند استعدادهای انسانی خویش را به ظهور رسانیده، در رشد و تعالی جامعه اسلامی مؤثّر واقع گردد. اسلام می خواهد در جامعه به استعدادهای عالی و توانایی های واقعی زن نگریسته شود، نه ظواهر جسمی و بُعد زنانگی او. به این منظور، لازم است زن هنگام ورود به محیط جامعه،زیبایی های خویش را بپوشاند و چه پوششی بهتر از چادر می تواند این هدف

عالی را تأمین کند؟

۴. به تاریخ رجوع کنیم. به راستی با برداشتن چادر از سر زنان ایرانی، تا چه اندازه آنها را در فعّالیت های اجتماعی شرکت دادند؟ اساسا مگر در زمان حکومت سراسر نکبت بار رضان خان و پسرش محمد رضا، به زنان فرصتی داده شد تا در این گونه فعّالیت ها شرکت داشته باشند؟

آمار و ارقام نشان می دهد حضور زنان ایرانی هنگامی در این عرصه گسترده و چشم گیر شد که چادر سرشان کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور زنان در عرصه های گوناگون فعّالیّت اجتماعی، جز در موارد اندکی که به دلیل سختی کارها با توان جسمی زنان متناسب نبوده یا به کرامتِ والای زن مسلمان لطمه وارد می آورده، بیشتر شده که خود، بیانگر این حقیقت است که حجاب اسلامی، نه تنها مانعی برای حضور زن در اجتماع نیست که با وجود آن، این حضور فزونی نیز می یابد.(۱)

از طرفی، در کشورهایی که پوشش زنان مسلمان را ندارند، اشتغال زنان اوّلاً درصد مورد انتظار مدّعیان منع حجاب را تأمین نمی کند و ثانیاً بیشترین مشاغل متعلّق به زنان در این کشورها، شغل های دون پایه مانند منشی گری، پیش خدمت رستوران یا صندوق داری، پذیرش هتل ها و امثال آن می باشد.(۲)

۵. اسلام که دستور حجاب را برای زن قرار داده، هیچ گاه با کار و فعّالیّت زن در اجتماع مخالف نیست. با نگاه و بررسی روایات معصومان علیهم السلام در

۱- ۱. نک: حجاب، ص ۶۱.

۲- ۲. مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰، چ ۱، ج ۲، صص ۵۰۸ _ ۵۱۰ آمار مربوط به کشورهای امریکا و اسپانیا است.

می یابیم که آن بزرگواران اشتغال را به صنف خاصّی (زن یا مرد) اختصاص نداده اند و آنچه به شدت مورد انتقاد و نکوهش آنان قرار گرفته، بیکاری است. در روایتی آمده است:

إنَّ اللّه -یُبغِضُ الفارغَ لَا فی شُغْلِ الدُّنْیا و لاَ فی شُغْلِ الآخره.

خداوند از فرد بیکاری که نه به امور دنیوی مشغول است و نه به امور اخروی، بیزار است.(۱)

از سوی دیگر، روایات فراوانی درباره ترغیب و تشویق به کار، تلاش و کسب روزی حلال داریم که از شمار آنها، حدیث زیر است که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده و این امر را فریضه ای واجب بر هر مرد و زن مسلمان می شمارد: «طَلَبُ الحلالِ فریضهٌ علی کُلّ مُسِلمٍ و مُسْلِمَه».(۲)

نکته اینجاست که اسلام نمی خواهد زن، شخصیت انسانی، ارزش واقعی و سلامت روح و جسمش را در جریان کار و تلاش برای تأمین معاش یا حتّی در راه ارائه خدمات نیک ببازد و مورد استثمار و بهره کشی های گوناگون قرار گیرد. ازاین رو، برای اشتغال او یک سری حدودی قرار داده و دلیل اینکه زنان از داشتن بعضی مشاغل منع شده اند، همین است.

چادر یا به طور کلّی، حجاب زن مسلمان، ممکن است در پاره ای مشاغل برای او دست و پاگیر باشد، ولی در کنار این مسئله، نکته دیگری نیز هست و آن اینکه اسلام، کار را افتخار منحصر به فرد برای زن نمی داند و هرگز ارزش

۱- ۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، مکتب الأعلام الاسلامی، ۱۳۶۷، چ ۲، ج ۴، ص ۱۲۰، حدیث ۷۲۱۱.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۹.

او را، بر مبنای قدرت بازو و میزان کارآیی در امور سیاسی و اجتماعی یا فعّالیت های صنعتی و اقتصادی و حتی خدمات علمی و فرهنگی ارزیابی نمی کند. ارزش زن، نخست براساس کارآیی روحی و عاطفی در محیط خانه است و بعد بر مبنای توان فکری و عضلانی او در صحنه اجتماع. تفاوت های ریز و درشت روحی و جسمی زن با مرد و ظرافت ها و امتیازهای خاصّ عاطفی و احساسی زن بر مرد، همه و همه از تفاوت در مسئولیت ها میان این دو جنس خبر می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إعْمَلُوا فَکُلٌّ مُیَسَّرٌ لِمَا خُلِقَ لَهُ؛ همه شما کار کنید، ولی هر کسی کاری را که برای آن آفریده شده، به سهولت و آسانی انجام می دهد».(۱)

در حقیقت، زن مسئولیتی بسیار حسّاس و خطیر به عهده دارد و امتیازهای خَلقی و خُلقی او نیز، بیشتر در راستای ایفای همین مسئولیّت بزرگ طرح ریزی شده که همانا وظیفه مهم و حسّاس همسرداری، تربیت فرزندان صالح و به طور کلّی، اداره کانون گرم خانواده است.

خانواده که یک نهاد فراگیر اجتماعی است، هسته اوّلیه جامعه به شمار می آید و در میان خانواده، این فرزندان هستند که آینده کشور را به دست دارند. ازاین رو، می توان گفت تربیت و پرورش صحیح فرزندان، به مثابه کادرسازی برای آینده و بنیان گذاری هسته اولیه جامعه اسلامی است که البته از شرافت و ارزش «مادری» سرچشمه می گیرد و این همان شغلی است که خود و مسئولیت های سرچشمه گرفته از آن، محوری اساسی و بدون جایگزین در حرکت جامعه به سوی اهداف والای اسلامی و انسانی به شمار می آید.

۱- ۱. شیخ عبّاس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، نجف الأشرف، مطبعه العلمیه، ماده یُسر، ص ۷۳۲.

حضـرت امام رحمه الله در این باره می فرماید: «این مادر که بچّه در دامن او بزرگ می شود، بزرگ ترین مسـئولیّت را دارد و شریف ترین شغل را دارد؛ شغل بچّه داری. شریف ترین شُغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه».(۱)

بر این اسـاس، اگر چـادر بـا بعضـی مشاغل برای زنان متناسب نیست، هیـچ نگرانی وجود نـدارد. از آنجا که این گونه مشاغل، کرامتی برای او به شمار نمی آید، می تواند آنها را به راحتی کنار گذاشته و با افتخار تمام، همه همّت و توان خویش را در راه شریف ترین شغل و مسئولیّتی که اسلام به عهده او نهاده، مصروف دارد.

۶ . لازم به یـادآوری است که حجاب اسـلامی، در چادر متعیّن نمی گردد، بلکه چادر، برترین نوع حجاب زن است. بر فرض که فعالیت مشـروع، ولی خاصـی برای زن با پوشش چادر متعارض باشد ـ که البته بعید به نظر می رسد. زن می تواند به جای چادر، از پوشـش گسترده دیگری استفاده کند که سر، مو، اندام و جذّابیت هایِ بدن او را به طور کامل بپوشاند. بر این اساس، اجباری از پوشیدن چادر نیست تا ظلمی به زنان شده باشد.

البتّه نبایـد فراموش کرد که دشـمنان بـا شـبهه افکنی، قصـد دارنـد زنـان را از پوشـش چـادر، به طرف پوشـش هـای نازل تری بکشاننـد، ولی همین پوشـش کمتر نیز آنان را قانع نکرده، بر ضد آن نیز به گونه ای دیگر تبلیغ خواهند کرد تا به هدف نهایی خویش که کشف حجاب کامل زن مسلمان و در آوردنِ او به

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۶۱.

شکل و لباس خودشان است، برسند. خداوند تعالی در قرآن کریم به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَ لَنْ تَرْضی عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لاَ النَّصاری حَتّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ. (بقره: ۱۲۰)

هرگز یهود و نصارا از تو خشنود نخواهند شد، مگر آنکه از آیین آنها پیروی کنی.

پرسش چهارم: آیا پوشش چادر در اسلام اجباری است؟

در این صورت، آیا این امر، سلبِ آزادی زن و به اسارت در آوردن او به شمار نمی آید؟

پاسخ

پیش از پاسخ اصلی باید گفت زندانیان چادر عنوان کتابی است که خانمی ایرانی در انگلستان نوشته و منتشر کرده است. چنان که از عنوان کتاب پیداست، این خانم چادر را ضدّ آزادی زن تلقّی کرده است.(۱)

البتّه در داخل کشور هم کسانی هستند که متأسّفانه هنوز چادر را ضدّ آزادی زن دانسته و با چنین تصوّری در مورد آن قلم می زنند. از جمله، نویسنده مقاله «مسئله زن و روشنفکران طی تحوّلات دهه های اخیر»، از چادر زنان ایرانی، به قید و بند تعبیر کرده و آن را به سنت لغو شده پیچیدن و بستن پای زنان در چین تشبیه می کند.(۲)

۱. در اسلام هیچ اجباری به اینکه زن، حتماً باید چادر بپوشد وجود ندارد.

۱- ۱. همان، ص ۴۰؛ به نقل از، نیّره توحیدی، «مسئله زن و روشنفکران طی تحولات دهه های اخیر» مجلّه نیمه دیگر.

۲- ۲. همان، ص ۴۰؛ به نقل از نیّره توحیدی، «مسئله زن و روشنفکران طی تحولات دهه های اخیر» مجله نیمه دیگر.

همان طور که گـذشت، هر چند چادر برترین و عالی ترین نوع حجاب است، ولی هر پوششـی که حجاب اسـلامی را برای زن تأمین کند، کافی است.

۲. آزادی، واژه ای مقـدّس است که مفهوم ظاهری قشـنگ و فریبنده ای دارد. این واژه، مصداق های گوناگونی دارد که همه آنها نزد عقل، پسـندیده نیست. کسانی که به دلیل آزادی زدایی از چادر انتقاد می کننـد، بایـد مشـخّص سازنـد که چادر، چه نوع و کـدام مصـداق آزادی را از زن می گیرد. اگر منظور از آزادی زن، هرزگی جنسـی و بی بنـد و باری غریزی است، عقل آن را نمی پسـندد و البتّه، چـادر این آزادی را محـدود می کنـد. اساسـا وظیفه و کـارکرد چادر همین است، ولی اگر مقصود، آزادی در مقـاومت و موضع گیری در برابر خواسـته ها و گرایش های نابه جا و نامشـروع شـهوانی بعضـی مردان هرزه و حفظ آزادگی زن است، این امری بسـیار معقول است. در این صورت، چـادر نه تنهـا این نوع آزادی را محـدود نمی سازد که نقش والایی در تحقق آن برعهده دارد. اگر منظور از اسارت زن در چادر، این باشد که پوشـیدن چادر، برای زن دست و پاگیر بوده و مـانع فعـالیت هـای مختلف سیاسـی، اقتصادی، اجتماعی و... او می گردد، پیش تر به تفصـیل درباره آن بحث کرده و پاسـخ گفتیم.

۳. سلب آزادی، همیشه محدودیت نیست، بلکه گاه مصونیّت است و مصونیّت امری پسندیده به شمار می آید. کسی که مقابل پنجره خـانه اش تـوری می زنـد. خـود را محـدود نسـاخته، بلکه به خـود، از خطر نیش پشه هـا و مزاحمت مگس هـا مصونیّت بخشـیده است. به طور کلّی، اگر محـدودیت عادلانه و عاقلانه باشـد، آزادی از آن محـدودیّت مطلوب و معقول، نه تنهـا زیبا نیست که کاری زشت و نامعقول است. زنی که پرده چادر را بر تمام زیبایی های خویش

می افکنـد، در حقیقت، نگاه های هرزه و شـهوت بار و مزاحم برخی مردان بیگانه را محـدود ساخته، نه آنکه خود را در قید و بند و حصار افکنده باشد. این محدودیّت، عاقلانه است؛ زیرا مصونیّت زن را در پی خواهد داشت.

۴. چـادر برای زن اسارت نمی آورد، بلکه به او ابهّت می بخشـد. زنی که بر اساس ایمان و عقیـده محکم، چادر بر سـر کنـد، احساس کرامت می کند، نه احساس حقارت و احساس حقارت کردن اسیری است.

اسارت این است که زن ببینـد نظرگاه شـهوت گردیده و تصویرش به جای نقش بسـتن بر قلب همسـر و فرزندان، ابزار تبلیغاتی برای فروش انواع کالاهای مصـرفی شده است. آری، زن چادری اسـیر نیست، بلکه اسـیر واقعی، آن زنی است که برای کسـب شخصـیّت، اثبـات برابری بـا مرد و کسب منزلت اجتمـاعی، مجبور باشـد هر روز و در هر گـام، گلـبرگ هـای پر طراوت غنچه وجود خویش را در برابر هزاران چشم هرزه و آلوده از یکدیگر گشوده و تسلیم تند باد هوس های پستشان کند.

۵. کمی دقّت کنیم. به راستی چه کسانی سـنگ آزادی زن را بیشتر از همه به سـینه می زنند. خود زنان یا برخی مردان؟ برخی مردان، از آزادی زن یـا به معنای دقیق تر، بی حجابی و بی بنـد و باری او چه بهره ای می برنـد که این گونه از آن حمایت می کنند؟ خلاصه آنکه، آیا برداشـتن چادر و به دنبال آن، دیگر پوشش های زن، آزادی زن است یا در حقیقت، آزادی مرد؟ این مطلب، به ویژه برای خانم ها جای تأمّل و دقّت دارد.

نیم نگاهی به جهان آزاد، ولی خالی از عفاف و حجاب غرب بیفکنیم و خوب بنگریم که آیا برداشـتن پوشـش زن، زنجیرهای اسارت را از دست و پای او برداشته یا موانع موجود بر سر راه نگاه و بهره کشی آزاد مرد را کنار زده

ص: ۱۳۹

است؟ بـه راسـتی ایـن آزادی، جز نـاامنی، بی هویّتی و بحران روحی و جسـمی، چیز دیگری برای زن غربی به ارمغـان آورده است؟ در غیر این صورت، چرا فریاد او بر ضد آزادی بلند است؟ چرا مادام رولان فرانسوی، در پای گیوتین از آزادی شکایت می کند(۱) و چه چیز زن غربی را به تنـگ آورده تا عفاف همراه با آرامش زنان مسـلمان را آرزو کنـد؟ به گوشه ای از گفته های بانو انی رود، نویسـنده انگلیسـی، توجّه کنیـد که آرزو می کند: «ای کاش کشور ما، مانند کشورهای مسـلمان می بود که زنانش باعفاف و طهارت، در نهایت آسایش زندگی می کردند».(۲)

چرا برخی می کوشند راه به بن بست رسیده دیگران را تجربه کنند؟ آیا بهتر نیست به جای خیره شدن به سوسوی فریبنده کرم های شب تاب، سری هم به خورشیدی بزنیم که در پس ابرهای تیره غفلتمان پنهان کرده ایم؟!

در پایان، جا دارد فرمایش حضرت امام خمینی رحمه الله را مطرح کنیم که در پاسخ به پرسش خانم الیزابت تارگود، خبرنگار روزنـامه انگلیسـی گـاردین فرمود: «تجربه کنونی فعّـالیت هـای ضـدّ رژیم شاه، نشان داده است که زنان، بیش از پیش، آزادی خود را در پوششی که اسلام می گوید، یافته اند».(۳)

پرسش پنجم: از آنجا که گفته اند: «الإنسانُ حریصٌ علی ما مُنع...

؛ انسان به آنچه از آن بازش دارند، حریص تر است»، چادر از این نظر که زن را به طور کامل از دید مرد پنهان می سازد و بین این

۱- ۱. زن و آزادی، ص ۸.

۲- ۲. همان، ص ۱۷۹.

۳- ۳. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۵۹.

دو فاصله می افکند، در ذهن مردان ایجاد وسوسه کرده و طبع حریص آنان را بیشتر تحریک می کند؟

پاسخ

۱. گوینده کلام «الانسانُ حریصٌ علی ما مُنع» مشخّص نیست و در صورتی قابل استناد و استدلال است که حدیثی معتبر و از معصوم باشد.

۲. اگر فرض کنیم این کلام، حدیث معتبر معصوم است، این کلام، از واقعیّت حریص تر شدن انسان در مقابل ممنوعات خبرمی دهد، ولی آیا عقل و شرع، اجازه می دهد که انسان در مقابل هر واقعیتی تسلیم شود؟ برای مثال، انسان از واقعیتی به نام غریزه گرسنگی برخوردار است، ولی آیا صرف برخوردار بودن انسان از چنین واقعیّتی، اجازه می دهد این غریزه در هر زمان و مکان و در هر شرایطی بدون هیچ حدّ و مرزی ارضا گردد؟ بدون تردید پاسخ منفی است. در مورد دیگر غرایز نیز چنین است.

خلاصه کلام اینکه: مفاد کلام مذکور یک گزاره توصیفی است: انسان در مقابل ممنوعات حریص است، ولی این گزاره، تجویزی براینکه «برای حریص نگردیدن انسان، باید جلوی او را باز گذاشت» نتیجه نمی دهد.

۳. کلیت ادعای «الانسان حریصٌ علی ما منع» مخدوش است. این طور نیست که همیشه و در همه جا، محروم بودن موجب تحریک گردد، بلکه در بسیاری موارد، قضیه برعکس است. از جمله در مورد بیماری های روانی بر خلاف ادّعای بالا، هر چه به تقاضاها و خواسته های دل بیماران روانی کمتر ترتیب اثرداده شود، بیماری زودتر از بین می رود.

برای مثال، کسی که بیماری وسواس دارد، هرچه محیط برای انجام تقاضاهای وسواس نامساعدتر باشد، به طوری که بیمار وسواسی نتواند

ص: ۱۴۱

خواسته های وسواس را انجام دهد، آن بیماری ضعیف می گردد و بهترین راه درمان وسواس نیز همین خواهد بود.(۱) بنابراین، نمی توان گفت همیشه منع و جلوگیری، باعث ترغیب بیشتر خواهد شد.

۴. این سخن از دیدگاه عقلی نیز غلط است. بر اساس این منطق، نباید هیچ نوع ممنوعیت و محدودیتی برای هیچ کدام از افراد جامعه، در هیچ زمینه ای وجود داشته باشد؛ حتّی افراد جنایتکار و خلافکار نیز نباید منع گردند؛ زیرا این امر باعث ترغیب بیشتر آنان به اعمال مجرمانه خواهد شد. برای مثال؛ منع سارقان از سرقت، به میزانِ سرقت می افزاید و جلوگیری از قاتلان، باعث افزایش ارتکاب به قتل خواهد گردید. آیا پذیرفتن این امر، به رواج بی قیدی و هرج و مرج در جامعه نخواهد انجامید؟ به یقین، هیچ عقل سلیمی چنین منطق بی اساسی را نخواهد پذیرفت.

۵. اینکه بی حجاب بودن زن، چشم و دل مرد را سیر می کند و او را نسبت به پدیده عریانی بی تفاوت می سازد، سخن درستی نیست. هرچند برای درک صحیح این مدّعا، به قول شهید سیدرضا پاک نژاد «کافی است پای تجربه تاریخ را در فلک گذاشته و او را به شکنجه و آزار هم که شده، مجبور به گفتن حقایق نماییم»،(۲) ولی اگر نخواهیم آن قدرها دور شویم، توجّه به تجربه کشورهای به اصطلاح متمدن و پیشرفته هم عصر خودمان کفایت می کند.

آری، جهان غرب این تجربه تلخ را به آزمایش گذاشت و زنان و دختران را

۱- ۱. زن و آزادی، ص ۱۷۲.
۲- ۲. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۹، ص ۱۲۵.

برهنه کرد، ولی نه تنها مرد غربی را در مقابل عریانی بی تفاوت نکرد و چیزی از حرص و طمع او در این زمینه نکاست؛ که به شکست دردناکی انجامید که آمار تکان دهنده مربوط به افزایش ناامنی های زن، بحران های روحی و روانی، افزایش تعداد فرزندان نامشروع، خشونت های جنسی، تجاوزهای به عنف و هزاران جنایت دیگر در این کشورها، از عمق فاجعه حکایت دارد و بی مناسبت نیست به گوشه ای از آن اشاره کنیم:

در مقاله ای تحت عنوان «آمار کودکان نامشروع در امریکا روز به روز بالاتر می رود» آمده است:

بر اساس یک مطالعه دولت امریکا، تعداد کودکان تولّد یافته توسّط زنانِ ازدواج نکرده امریکایی، به بالاترین سطح خود رسیده است؛ یعنی از هر پنج کودک، بیش از یک کودک نامشروع است. به گزارش آسوشیتد پرس به نقل از مرکز ملّی آمار بهداشتی در سال ۱۹۸۴، ۷۷۰۳۵۵ کودک توسّط مادرانِ ازدواج نکرده متولّد شده اند که این رقم نسبت به سال ۱۹۸۳، چهار درصد افزایش نشان می دهد.(۱)

مجّله پلین تروت نیز می نویسد: «در بیشتر کشورهای اروپایی، آمار اطفال نامشروع، یک رقم سریع و فزاینده از موالید را تشکیل می دهد».(۲)متزلزل گردیدن پایه های محبّت، تعهدهای فطری و اخلاقی و تخریب کانون های گرم خانوادگی، از دیگر ارمغان های این آزمایش است: «بنا به گزارش سازمان آمار جامعه اروپایی، میزان طلاق در کشورهای عضو این

---

۱ – ۱. «آمار کودکان نامشروع در امریکا روز به روز بالاتر می رود» به گزارش از آسوشیتدپرس، روزنامه ابرار، ش ۲۶۵، ۸/۵/۱۳۶۵.

۲– ۲. به نقل از، روزنامه جمهوری اسلامی، س ۷، ش ۱۷۹۰، یکشنبه ۱۳/۵/۱۳۶۴، ص ۸.

جامعه، نسبت به دو دهه گذشته سه برابر افزایش یافته است».(۱)

البتّه این آمار مربوط به سال ها پیش است. با این افزایش سریع و رشد فزاینده، اکنون در این جوامع چه می گذرد؟ آیا تکرار تجربه ناموفّق دیگران، اصولی و عاقلانه است؟

۶. البته فراهم بودن قسمتی از خواسته های بشر به طور فراوان، تولیدزدگی می کند و سیری می آورد. برای مثال، پوشیدن لباس های یک رنگ، خوردن غذاهای یک نوع، به سر بردن در اطاقی یک نواخت، شنیدن حرف های تکراری و دیدن قیافه های همانند، خستگی آور است، ولی خواسته هایی که از غریزه آدمی ریشه بگیرد، چنین نیست. هر چه مطلوب این خواسته ها بیشتر در دسترس باشد، تمایل افزون تر می گردد. برای نمونه، ثروت هرچه زیاد شود، سیری نمی آورد، بلکه گرسنگی به آن بیشتر می شود. کسی که خانه های مجلّل بسیاری دارد، شاید از آنها زده شود، ولی این باعث نمی گردد، از طلب فلان منزل جدید با امکانات بیشتر و ویلای فلان منطقه خوش آب و هوا یا... منصرف گردد، بلکه میل زیاده طلبی، او را به خرید یا به دست آوردن خانه مجلل تری می کشاند و این قضیه، تا بی نهایت ادامه خواهد داشت. همچنین است غریزه جاه طلبی و علم دوستی. غریزه جنسی نیز از این نوع است. در محیط نگاه آزاد، مرد زده می شود، ولی نه از مطلق جنس زن، بلکه از زن خاصّی که تصویرش برای مدّتی فضای چشم او را پُر کرده است. ازاین رو، به مجرّد ظاهر شدن زنان زیباروی دیگر در برابر دیدگان او، زن مورد نظر را رها

۱- ۱. همان.

کرده و به سوی آنان چشم خواهد دوخت.(۱)

غریزه جنسی از این نظر تا حدّی شبیه به اعتیاد است. ممکن است تصور شود که علت اشتیاق معتادان به مواد مخدر، نایاب وکم در دسترس بودن آن است. این فرضیّه به ظاهر عاقلانه به نظر می رسد، ولی در عمل، نتیجه چیز دیگری است. معتاد پس از مدتی در اثر مصرف مقدار معینی از مواد مخدر، حساسیت خود را به آن مقدار یا نوع خاصی از آن از دست داده و برای نشئه شدن، مقدار زیادتری از مواد یا نوع قوی تری از آن را می طلبد. آن مقدار یا نوع نیز پس از چندی عادی می شود و دوباره مقدار بیشتری لازم می آید و این افزون طلبی، تا آنجا ادامه می یابد که سرانجام معتاد، جان خود را از دست می دهد. افزون طلبی مرد نیز در زمینه جنسی چنین است.(۲)

۷. برداشتن چادر یا هر نوع پوشش دیگر، موجب یک نواخت شدن جاذبه ظاهری زن برای مرد نخواهد شد. هرچند زنان در اصل برهنگی مشابه گردند، ولی میزان برهنگی متغیّر و نوع پوشش و آرایشی که زنان برای خویش انتخاب می کنند، متنوع است. حتّی اگر همه زنان، همانند هم کاملاً برهنه شوند، باز هم مسئله حلّ نمی گردد؛ زیرا برخلاف حیوانات که دست طبیعت، لباس یکسانی بر اندامشان پوشانیده، اندام و قیافه طبیعی انسان ها با یکدیگر متفاوت است و همین مقدار تنوع، برای یک نواخت نگردیدن زنان کافی است و راه را برای تنوّع طلبی و آزمندی غریزه جنسی مرد، باز خواهد کرد. غریزه خودنمایی و

۱- ۱. نک: زن و آزادی، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۲- ۲. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۶.

جلوه گری زنان نیز در این امر دخالت دارد. بر اساس این غریزه، زن می خواهد تا حد توان جلوه نمایی بهتر و بیشتری نسبت به دیگر زنان داشته باشد. بنابراین، در هرچه جذاب تر کردن لباس و آرایش خویش تلاش وافری خواهد داشت و می کوشد به نوعی خود را ممتاز و انگشت نما گرداند.(۱) با وجود این، دیگر یک نواختیِ زنان معنا نخواهد داشت تا مسئله دل زدگی و بی تفاوت گردیدن برای مردان پیش بیاید.

از اینها گذشته، اگر زن حجاب را آن گونه که دین گفته رعایت کند و موها، گردن و گریبان خود را به طور کامل با مقنعه بپوشاند، چادر را نیز بر اساس دستور قرآن کریم، طوری بپوشد و جمع و جور نماید که در مجموع، تمام جاذبه و زیبایی هایش پوشیده و آثار عفاف و متانت در وجودش هویدا شود، دیگر از این حرص و آزمندی خبری نخواهد بود؛ زیرا به قول معروف:

چو در بسته باشد، چه داند کسی***که گوهرفروش است یا پیله ور

برای مثال، کسی که از مقابل در خانه ای گذر می کند، در صورتی برای نگاه مخفیانه و به اصطلاح، سرک کشیدن به درون آن وسوسه می شود که در آنجا دست کم نیمه باز و چیزی از درون آن پیدا باشد که توجّه او را به خود بکشاند. در این صورت تحریک می شود که آن چیز را ببیند، ولی اگر در خانه بسته باشد، دیگر عامل محرکی برای نگاه کردن وجود نخواهد داشت. همچنین، اگر دختر یا زنی، بدن خویش را به طور کامل بپوشاند و حرکات و

۱- ۱. نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۹، صص ۱۲۸ _ ۱۳۱.

سکنـاتش نیز چنـان باشـد که طمع در قلب بیماردلاـن نیفکنـد، دیگر چیزی تـوجّه مرد را جلب نخواهـد کرد تـا برای دیـدن و یافتنش به حرص و ولع بیفتد.

پرسش ششم: آیا برای عفیف بودن باید چادری بود؟

گاه گفته می شود که چادر زن، هیچ ربطی به عفاف او ندارد. قلب و دل انسان باید پاک باشد و در غیر این صورت، پوشیدن صد تا چادر هم سودی نمی بخشد. در این راستا، از زبان شعر نیز مدد گرفته شده و برای مثال، می گویند:

چشم و دل را پرده می بایست امّا از عفاف***چادر پوسیده بنیاد مسلمانی نبود

زنان را عصمت و عفّت ضرور است***نه چادر لازم و نه چاقچور است

چه زن خواهد که گردد با تو پیوند***نه چادر مانعش گردد نه روبند(۱)

گاهی نیز به زنان روستایی و ایلات استناد شده که با وجود اینکه چادر نمی پوشند، ولی عفیف و پاک هستند.

پاسخ

۱. به طور اجمال می پذیریم که ممکن است زنانی باشـند که به رغم رعایت حجاب ظاهری و پوشـیدن چادر، از نعمت عفاف بی بهره باشـند یـا در مقابل، زنانی باشـند که در عین عفیف بودن، حجاب شـرعی را رعایت نکننـد. همچنین، درست است که عفیف بودن، با چادری بودن یکی نیست. چادر نوعی از

۱- ۱. بخشی از اشعار «ایرج میرزا در کشف حجاب، به نقل از کتاب کشف الغرور أو مفاسد السّفور، ص ۲۰.

حجاب ظاهری و عفّت، حجاب درونی و باطنی است، ولی نمی توان گفت هیچ ارتباطی بین عفاف و چادر وجود ندارد. مگر می توان رابطه ظاهر و باطن را نادیده گرفت؟

کسی که سیرت و باطنی پاک داشته باشد، آثار این پاکی درونی، خواه ناخواه در اعمال و رفتارش نمایان خواهد شد و در مقابل، متانت در سلوک و رفتار ظاهری و نیز رعایت عفاف در گفتار و کردار، حتّی اگر شده به مرور زمان، بر باطن اثر نهاده و عفت درونی را به همراه خواهد آورد. مگر نه اینکه رنگ لباس بر روان آدمی اثر می گذارد؟ مگر نه اینکه نام افراد در شخصیت درونی آنها تأثیر دارد؟ نوع پوشش ظاهری انسان نیز چنین است.(۱)

۲. اینکه «دل باید پاک باشد»، مغالطه ای است جاهلانه، نه یک استدلال منطقی. ظاهر هر کس، آینه ای است که باطن او را انعکاس می دهد. به قول معروف «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» اگر دلی پاک باشد، به یقین نباید جز رفتار و کردار پاک از آن سرچشمه گیرد، ولی آیا رفتار زشتی چون خودنمایی، عشوه گری و دل و دین ربودن از بیماردلان به واسطه انتخاب نامناسب نوع، مقدار و رنگ پوشش ظاهری، رفتاری است که می تواند از درون پاک برخاسته باشد؟

۳. اگر فرض کنیم زنان بی حجاب، عفیف و پاک دامن باشند و به اصطلاح، قلب و دلشان پاک باشد، آیا مردان نیز خواهند توانست هنگام دیدن آنها با آن وضع، قلب و دل خویش را پاک نگه دارند؟ آیا تحریک نخواهند شد، هوس

۱- ۱. نک: حجاب، ص ۶۹.

بازی نمی کننـد و مزاحم زنان پاک و عفیف نشده و امنیّت آنان را خدشه دار نخواهند کرد؟ نه تنها تجربه که تحقیقات علمی و روان شناسی نیز خلاف این مطلب را ثابت کرده است.(۱)

۴. عجیب اینکه بعضـی از آقایان در این مقام، چنان با اطمینان از خود سخن می گویند که گویی بدان پایه از پاکی رسیده اند که دیگر نسـبت به حجاب زن احساس نیاز نمی کنند و بر همین مبنا، می خواهند لزوم حجاب را انکار کنند. به راستی اگر این آقایان بـدان درجه از وارسـتگی رسـیده انـد، دست کم باید در موضع بی تفاوتی به حجاب زن قرار گیرند، نه مخالفت. همین حسّاسـیت های ناشـیانه خبر می دهد که ناراحتی این گونه افراد، از محدود گردیدن نگاه های آزادشان سرچشمه می گیرد، نه از کیفیّت و ماهیّت خاصّی از حجاب زن.(۲)

گاه نیز این حقیقت از لابه لای گفتار و حتّی اشـعار این آقایان، به نحو مضحکی آشکار می گردد. برای مثال، فانی، از شاعران زمان پهلوی که در مورد کشف حجاب زنان شعرها سروده، می گوید:

عفت و عصمت هر کس به شرف پابند است***نشود حافظ ناموسِ کس این تیره ثیاب

و در ادامه چنین می سراید:

من ندارم به حجاب و عدم آن کاری*** لیک گویم که نباشد به رخ خوب صواب

ص: ۱۴۹

۱- ۱. برای آگاهی بیشتر نک: فصل دوم، بحث حفظ عفت عمومی جامعه اسلامی.

۲- ۲. آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۵۳.

هر چه خوب است، سزاوار تماشا باشد***چون حرام است رخ خوب نهان از احباب

دیدن روی نکویان بود آثار بهشت***همچنین دیدن رخساره زشت عین عذاب

ظلم محض است که پوشند رخ خوبان را***عین عدل است که بر زشت ببندند نقاب(۱)

فانی

به راستی، اگر ایشان به حجاب و بی حجابی کاری نداشتند، چرا این قدر درباره پوشیدن رخ زیبا حساسیت نشان داده و افزون بر آن، چطور است که پوشیدن صورت های زشت را عین عدل و صواب دانسته اند؟

۵. منتقدان چادر، گاه به زنان روستایی و عشایراستناد کرده اند که در عین نداشتن چادر، عفیف و پاک هستند.

جای سؤال دارد که در میان همه زن ها، چرا به زنان روستایی و عشایر که بخش اندکی از زنان را تشکیل می دهند؛ استناد شده است؟ در ضمن باید توجه داشت که زنان روستایی، هرچند به دلیل کار و فعالیت در مزارع و دیگر علت ها چادر نمی پوشند، ولی کمتر زنی بی حجاب در میان آنان دیده می شود.

از این گذشته، در میان زنان زحمتکش عشایر و روستایی، حتی یک زن بیکار و رنگ آمیزی شده پیدا نمی شود.

پوست خشکیده و آفتاب سوخته صورت و دست های آنها نیز آن قدر پرجاذبه نیست که موجب تحریک و تهییج مرد روستایی گردد. سن ازدواج نیز

ص: ۱۵۰

۱- ۱. وسیله العفائف یا طومار عفّت، ص ۱۵.

در روستا و ایل، بسیار پایین است و فعالیت طاقت فرسا در مزرعه ها، باغ ها و... ، چندان وقت آزادی برای پسر و دختر روستایی باقی نمی گذارد تا به عشوه گری و چشم چرانی بپردازند. چشم مادران و پدران روستا نیز همواره مراقب فرزندانشان است. افزون براین، در محیط های کوچک روستا و ایل، بیشتر افراد با هم نسبت فامیلی دارند و ثابت شده که مسائل خلاف عفت، در بین افرادی که با هم نزدیکی فامیلی دارند، بسیار کمتر از دیگران است.(۱) از اینها گذشته، ده ها دلیل دیگر وجود دارد که عفاف زن و مرد روستایی و عشایری را تضمین می کند.

نتیجه اینکه گرچه برای عفیف بودن لازم نیست حتماً پوششی به نام چادر داشت و هر نوع پوششی که حجاب کامل زن مسلمان را تأمین کند، کافی است، ولی از این نکته نیز نباید غفلت ورزید که پاک بودن قلب و درون نیز، به تنهایی برای عفیف بودن و عفیف ماندن کفایت نمی کند. عفّت، حجاب درونی است و هنگامی به کمال خویش می رسد که با حجاب بیرونی و پوشش اسلامی زن مسلمان و در رأس آن چادر همراه گردد.

پرسش هفتم: آیا پوشیدن چادرمشکی، به دلیل مکروه شمرده شدن رنگ سیاه در روایات، کراهت ندارد؟

پاسخ

۱. روایت هایی که کراهت پوشش سیاه از ظاهر آنها استفاده می شود، از نظر سند، ضعیف است. ازاین رو، قابل استناد نیست. فقیه ژرف اندیش عالم

ص: ۱۵۱

۱- ۱. نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۹، صص ۱۶۸ _ ۱۷۰.

تشیّع، مرحوم محمّد حسن نجفی در کتاب جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام به ضعف سندی روایات این باب تصریح کرده است. با وجود ضعف سند روایات، از اساس به بررسی دلالت آنها پرداخته نمی شود.

۲. اگرچه از بعضی روایت ها به طور اجمال کراهت پوشش مشکی استفاده می شود، ولی نمی توان گفت آنها بر کراهت پوشش مشکی به طور صد در صد برای همه انواع لباس ها و همه افراد اعمّ از زن و مرد دلالت می کند:

الف) صاحب جواهر رحمه الله در کتاب فقهی معروف خویش آورده است:

وَ عَنْ غیر واحدٍ مِن کُتُبِ الْاصحابِ التَّصریحُ بِاخْتصاصِ کَراهةِ السَّواد فِی الرَّجُلِ.(۱)

بر اساس تصریح کتاب های گوناگون از اصحاب امامیّه، کراهت پوشش سیاه، مختصّ مردان است.

آن گاه در مورد علّت این امر چنین بیان می دارد: «و لَعَلَّهُ أَبلغ مِنْ غیره فی سِتِرها؛(۲) شاید علت این باشد که رنگ مشکی در مقایسه با دیگر رنگ ها، پوشش غلیظ تر و بیشتری را تأمین می کند».

یکی از پژوهشگران حوزه علمیّه قم که در این باب، تحقیقاتی انجام داده، می نویسد: «بر اساس جست وجوی مفصّلی که در روایات انجام شد، حتی یک روایت نیز یافت نشد که برکراهت پوشش و چادرمشکی بانوان به طور خاصّ و صریح دلالت نماید».(۳)

ص: ۱۵۲

۱- ۱. همان، ص ۲۳۵.

۲- ۲. همان.

۳- ۱. حسین مهدی زاده، «نقد ادّله مخالفین چادر مشکی»، جمهوری اسلامی، س ۲۲، ش ۶۲۶۵، ۴/۱۱/۱۳۷۹، ص ۱۰.

از آنجا که در اسلام، پوشش زن و مرد از نظر نوع، مقدار و حتّی رنگ متفاوت است، نمی توان گفت اگر پوشش سیاه برای مردان کراهت دارد، برای زنان نیز کراهت خواهد داشت. برای مثال، پوشیدنِ جامه های حریر برای زن جایز است، ولی برای مرد روا نیست. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «لا یَصلحُ لِلرَّجُلِ أَن یَلبسَ الحریرَ إلاّ فی الْحَرب؛ برای مرد صحیح نیست که حریر بپوشد، مگر در جنگ».(۱) نیز در روایت دیگری از ایشان نقل شده که: «اَلنِّساءُ یَلبسْنَ الْحَریرَ وَ الدِّیباجَ اِلاّ فِی الإحرامِ؛(۲) زنان می توانند حریر و دیباج بپوشند، مگر در احرام».

بنابراین، روایات باب کراهت پوشش سیاه نیز فقط در مورد رنگ پوشش مردان، قابل استناد است.

ب) بر فرض که روایت های مذکور عام بوده و کراهت پوشش زنان و مردان را در بر گیرد، باز هم نمی توانند بر کراهت پوشیدن چادر مشکی برای زنان دلالت کند؛ چرا که در روایات متعّددی و از راه های گوناگون روایت شده که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از پوشش سیاه، مگر در سه مورد: «خُفّ،(نوعی کفش چرمی نازک)، عمامه و کساء» کراهت داشتند.(۳) همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که: «یکره السّوادُ إلاّ فی ثَلاثهٍ: الخُفُّ و العِمامَه و الکِساء؛ پوشش سیاه کراهت دارد مگر در سه مورد خُف، عمامه و کساء».(۴)

ص: ۱۵۳

۱- ۲. فروع کافی، ج ۶، کتاب الزّی و التجمّل، باب لبس الحریرو الدّیباج، ص ۴۵۳، ح ۴.

۲- ۳. همان، ص ۴۵۴، ح ۸ .

۳- ۱. همان، ج ۳، کتاب الصلاه، ابواب احکام الملابس، ص ۲۷۸.

۴- ۲. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۸، ص ۲۳۳.

همان طور که در فصل مفهوم شناسی اشاره گردید، کساء یکی از مترادف های جلباب (چادر زنان) در زبان عربی است.(۱) بنابراین، چادر مشکی زنان نیز استثنا شده است.

صاحب جواهر پس از بیان اینکه «نصوص در باب کراهت پوشش، در استثنا صراحت دارند»(۲) و همچنین ذکر روایت هایی که استثنا قائل گردیده اند، می فرماید: «سیره و روش عالمان در پوشیدن عبای سیاه، این مطلب را تأیید می کند».(۳)

۳. رنگ مشکی چادر زنان، مورد تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. در تفسیر ابن کثیر آمده: «اُم سلمه، روایت کرده وقتی آیه بالا نازل شد، زنان طایفه انصار جامه های پشمی سیاه به سر می کردند و در سیاهی مانند کلاغ ها بودند و با همین وضع، از کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله عبور می کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد به آنها اعتراض نکرد و همین دلیل، تقریر و امضای آن حضرت است و تقریر او مانند گفتار او حجّت است».(۴)

۴. فقیهان به عنوان کارشناسان مسائل دینی و اسلامی، نه تنها فتوا به کراهت چادر مشکی بانوان نداده اند،(۵) بلکه تصریح دارند: افراد، به ویژه زنان نباید در مواجهه با نامحرم از رنگ های مهیج و جلب توجه کننده استفاده کنند. برای

۱- ۳. نک: فصل اول، واژه کساء.

۲- ۴. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۸، ص ۲۳۲.

۳- ۵. همان، ص ۲۳۴.

۴- ۶. حجاب در اسلام، ص ۱۴۱، به نقل از تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۱۸.

۵- ۱. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، صص ۳۵ _ ۳۸.

نمونه، دیدگاه های فقهی امام خمینی رحمه الله و آیت اللّه العظمی خامنه ای (مدظلّه العالی) آورده می شود:

الف) پوشیدن هرگونه لباس مهیّج که موجب تحریک جنسی می شود، حرام است.(۱)

ب) باید از انتخاب رنگ یا شکلی که موجب جلب نظر و انگشت نما شدن است، خودداری نمایند.(۲)

در فصل سوم، به تفصیل بحث شد که رنگ های غیر مشکی مانند سفید، سبز، زرد، قرمز و...، و به طور کلّی رنگ های روشن، جذاب و جلب توجه کننده بوده و هر کدام به نوعی موجب تحریک و تهییج بیننده می گردند. ازاین رو، حتی اگر کراهت رنگ مشکی را هم بپذیریم، باز هم پوشیدن رنگ مشکی برای زن در خارج از منزل در برابر حُرمت پوشیدن رنگ های مهیج و جلب نظر کننده برای او در مقابل نامحرم، برتری دارد.(۳)

پرسش هشتم: آیا پوشیدن چادر مشکی برای زنان ایجاد افسردگی نمی کند؟

در روزنامه ایران در مقاله ای با عنوان: «چادر می تواند رنگ شادتری هم داشته باشد» آمده است: «افراد افسرده، بیشتر به رنگ های تیره علاقه دارند».(۴)

در شماره دیگری از همین روزنامه نیز می خوانیم: «استفاده مکرر از

۱- ۲. نظر حضرت امام رحمه الله در مورد پوشش؛ به نقل از: حجاب، بیانگر شخصیّت زن، ص ۱۵۰.

۲- ۳. استفتا از دفتر مراجع؛ به نقل از گزیده ای از بهشت جوانان، ص ۱۹۵.

۳- ۴. برای اطلاّع بیشتر، نک: حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، صص ۷۴ و ۸۵.

۴- ۱. عباس اللّهیاری، «چادر می تواند رنگ شادتری هم داشته باشد»، روزنامه ایران، س ۶، ش ۱۶۲۳، ۲۸/۶/۱۳۷۹، ص ۴.

لباس هایی با رنگ تیره و کدر و سیاه، می توانـد به نوعی به افسردگی بینجامد. پوشیدن مستمر و بدون دلیل لباس با رنگ های تیره و سیاه، نشانه اختلال شخصیت (با درجات متفاوت) است».(۱)

پاسخ

۱. اگر این حرف درست باشد، باید همه خانم هایی که از اقسام رنگ های شاد در خارج از منزل استفاده می کنند و نظرها را به سوی خود خیره می سازنـد، از نظر روانی، سالم ترین زنان باشند. بر پایه این ادعا، جوامع غربی بایـد شاداب ترین و سالم ترین مردان و زنان را از نظر روحی و روانی داشته باشند و کمترین میزان مشکلات اخلاقی و خانوادگی، ماننـد طلاق و... را داشته باشند؛ حال آنکه آمار و حقایق چیز دیگری را نشان می دهد. همه می دانند و خود غربی ها هم اعتراف دارنـد که کشورهای غربی، بالاترین آمار را از نظر مشکلات اخلاقی، روحی و خانوادگی دارند.(۲)

۲. از عبارت «استفاده مکرر» معلوم می شود نویسنده محترم، اثر منفی رنگ مشکی را در مورد پوشش و استفاده همیشگی از آن می دانـد، ولی مگر قرار است زنِ مسلمان همیشه و در همه جا چادر سرش کنـد تا رنگ مشکیِ آن، اثر منفی بر روح و روان او داشته باشـد؟ دختران و زنان عفیف و مسلمان، هنگام ورود به منزل یا هر مکان دیگری که نامحرم در آن حضور ندارد، می توانند از لباس های خوش رنگ، مناسب و شادی آفرین استفاده کنند. اسلام نیز بر این

---

۱ – ۲. علی رضا امیرپور حقوق دان و جُرم شناس، «پوشیدن همیشگی لباس های تیره در بین جوانان نوعی اختلال شخصیّت است»، روزنامه ایران، س ۶، ش ۱۶۲۸، ۳/۷/۱۳۷۹، ص ۴.

۲– ۳. گزیده ای از بهشت جوانان، ص ۱۶۹.

مسئله تأکید فراوانی دارد.

۳. افسردگی، یکی از بیماری های روحی بسیار پیچیده است که عوامل و علائم رفتاری متفاوت و حتی متضادی دارد. برای مثال، ممکن است بعضی افراد افسرده به بی اشتهایی مایل باشند و بعضی دیگر به پرخوری. بنابراین، به صِرف گرایش بخشی از افراد افسرده به رنگ های تیره، نمی توان این رنگ ها را از عوامل افسردگی برشمرد. بحث در مورد عوامل و اثر این بیماری، به مدرک مستدل و بررسی های دقیق کارشناسانه نیاز دارد و هر ادّعا و نظری در این مورد قابل استناد نیست.

۴. نمی توان به طور کلی ادعا کرد که رنگ های تیره به صورت مطلق، اثر منفی و رنگ های روشن بر هر بیننده ای اثر مثبت می گذارد، بلکه بر اساس دیدگاه روان شناسان، «هر رنگ، ویژگی های مثبت و منفی دارد. هر چیز به فردی وابسته است که آن را درک می کند. مثلاً، فردی که افکار پریشان دارد یا عصبی است، معمولاً آثار منفی رنگ ها را دریافت می کند؛ در حالی که فرد متعادل و شاد، معمولاً آثار مثبت را درک می کند. رنگ سبز معمولاً آرامش و راحتی را القا می کند، ولی برای برخی اشخاص، کسالت و آزردگی به همراه می آورد. رنگ آبی، برای اکثر مردم، آرامش و آسودگی می آورد، ولی در مورد برخی دیگر، موجب افسردگی، احساس تنهایی و مالیخولیایی می شود. همچنین رنگ قرمز، اشخاص متعادل را تحریک و تهییج می کند؛ در حالی که برای اشخاصی که پریشانی افکار دارند، پرخاشگری و عدم اطمینان را به همراه

می آورد».(۱)

۵. در مورد این جمله نیز که: «پوشیدن مستمر و بدون دلیل لباس با رنگ های تیره و سیاه نشان اختلال شخصیّت (با درجات متفاوت) است» باید گفت:

الف) پوشیدن بی دلیل رنگ سیاه، مثل تیپ مشکی زدن در پارتی ها، مهمانی ها و... شاید نشان دهنده اختلال شخصیّت باشد، ولی زن مسلمان، برای پوشیدن چادر مشکی دلایل محکم و فراوانی دارد.

ب) اختلال شخصیّت، یکی از مقوله های بحث روان شناسی است و به نظر روان شناسان نیاز دارد، نه یک حقوق دان و جُرم شناس.

۶. همان گونه که در فصل سوم اشاره شد، رنگ سیاه از نظر روان شناسی، رنگی صامت و غیرفعال است و نه تنها باعث جلب توجّه نمی گردد که نگاه های خیره به خود را شکسته، به طرف رنگ های اطراف معطوف می سازد. ازاین رو، اگر هم آثار سوء روانی این رنگ را در بیننده یا خود شخص بپذیریم، همین آثار به اصطلاح سوء در هنگام مواجهه زن با مردان بیگانه، می تواند سرچشمه اثرهای مفید و دفاعی فراوانی گردد و نقش حایز اهمیتی در کاهشِ اثر سوء و مخرب جلب توجّه مردان نامحرم به زنان ایفا کند.

این اثرهای سوء احتمالی، در برابر آثار سوء قطعی و عوامل مضر دیگری که سلامت روحی و جسمی زن و جامعه را به شدّت تهدید می کند، نه تنها در حکم عدم است که اثر مفید و دفاعی آن در کاهش نگاه های آلوده، کم کردن

---

۱ - ۱. علی شیرازی، «نفی رنگ سیاه یا مبارزه با حجاب»، پرتو سخن، س ۲، ش ۱۰۷، ۱۴/۹/۱۳۸۰، ص ۴؛ به نقل از روان شناسی کار، ص ۵۱.

توجه مردان بیگانه و به تبع آن، حفظ آرامش و امنیت زن از مزاحمت ها و دست درازی بعضی مردان هرزه، حُسن مهمّی برای آن بـه شـمار می آیـد کـه چـادر مشـکی را به عنـوان یکی از بزرگ ترین روش هـای پیش گیری از تعمیم فسـاد در جـامعه و کارآمدترین سپر دفاعی زن در مقابل ناامنی هایی که در محیط اجتماع متوجه اوست، مطرح خواهد کرد.

پرسش نهم: آیا پوشیدن چادر مشکی، به بیماری های پوستی و استخوانی می انجامد؟

در مقاله روزنامه ایران آمـده است: «رنگ سـیاه، به دلیل جـذب کردن نور خورشـید، تأثیرات منفی بر سـلامت خانم ها دارد و باعث بیماری های استخوانی و... می شود».(۱)

پاسخ

۱. ادعای ایجاد بیماری های اسـتخوانی در اثر استفاده از پوشش مشکی نیز، مانند ادعای ایجاد بیماری های روحی و افسردگی به دیدگاه های کارشناسانه نیاز دارد. بنابراین، سخن گوینده محترم که نه از تخصّص لازم برخوردارند و نه مدرکی ارائه کرده اند، مدعایی بدون دلیل است.

۲. خـانم هـای مسـلمان در تمـام سـاعت هـای عمر خویش، پوشـش مشـکی ندارنـد تـا به دلیل جـذب نور خورشـید، ویتامین Dبدنشان را کاهش داده، آنها را به بیماری هایی همچون آرتروز، نرمی استخوان و... یا حتی بیماری های پوستی دچار سازد.

۱- ۱. فاطمه خاتمی، «چرا چادر سیاه در بعضی ادارات ملاک ارزشیابی است»، ایران، س ۶، ش ۱۶۲۷، ۲/۷/۱۳۷۹، ص ۴.

۳. به نظر متخصصان، برای رسیدن ویتامین D به بدن، لازم نیست حتماً تمام اعضا در معرض نور مستقیم خورشید قرار گیرد. دبیر اجرایی پنجمین همایش بین المللی بیماری های پوست در این باره تصریح می کند: «بحثی مطرح شده بود که چادر و مقنعه می تواند باعث آرتروز و نرمی استخوان شود، ولی اگر پوست به اندازه یک کف دست، آفتاب بخورد، ویتامین Dتأمین می شود».(۱)

به نظر مشهور فقها، در اسلام پوشاندن صورت و دو دست برای زن لازم نیست و جلباب یا همان چادر اسلامی، بر اساس کلمات لغت دانان و مفسران والامقام شیعه و عامّه، صورت را در بر نمی گیرد. بنابراین، خانم ها می توانند مطمئن باشند که در عین پوشیدن برترین نوع حجاب اسلامی، امکان رسیدن ویتامین D لازم به بدنشان وجود دارد و حفظ این پوشش، آنان را به بیماری های پوست و نرمی استخوان دچار نخواهد کرد.

پرسش دهم: آیا چادر مشکی به دلیل اینکه نور را جذب می کند، ایجاد گرما می کند و...

سرانجام اینکه پوشیدن آن همراه با سختی خواهد بود، نباید مورد توصیه و تشویق قرار گیرد؟

در این باره آمده است:

«به خاطر اینکه رنگ مشکی، جاذبِ نور است، در تابستان معمولاً نمی توان دختر را به حجاب تیره تشویق نمود».(۲)

پاسخ

ص: ۱۶۰

۱- ۱. «آقای دکتر دارویی بنویس که...»، ایران، س ۶، ش ۱۶۲۳، ۲۸/۶/۱۳۷۹، ص ۴.

۲- ۱. عباس اللّهیاری، «چادر می تواند رنگ شادتری هم داشته باشد»، روزنامه ایران، ش ۱۶۲۳، ۲۸/۶/۱۳۷۹، ص ۴.

۱. بر اساس دیدگاه های کارشناسانه، زنان به دلایل زیر، بهتر از مردان نسبت به تغییرات درجه حرارت سازش نشان می دهد:

الف) پایین بودن درجه حرارت داخلی، وقتی که بدن گرم می شود؛

ب) قشر ضخیم تر چربی که از سرما محافظت می کند؛

ج) بهترین سازش حرارت پوست، با تغییرات حرارتی.(۱)

بنابراین، با توجه به این مطلب، چادر مشکی در تابستان برای زنان چندان هم سخت نیست و اگرهم باشد، سختی آن برایشان قابل تحمل است.

۲. انسان در مورد عوارض و تبعات یافته های علمی که بر اساس عقیده ای راسخ و باوری عمیق استوار باشد، هرچند سخت و رنج آور، احساس مشقت نخواهد کرد.

چادر پوشیدن زن مسلمان، بر عقیده ای مستحکم استوار است. ازاین رو، نه تنها درباره آن احساس سختی نمی کند که آنچه او را رنج خواهد داد، جدایی از این حجاب برتر است. زنان ایرانی، اعتقاد خویش را در این مورد به ثبوت رسانیده اند. کم نیست شمار زنانی که در طول حکومت رضاخانی، رنج و سختی ناشی از باقی ماندن در خانه را به جان خریدند تا مبادا مأموران قلدر رضاخان، در کوچه و خیابان چادر از سرشان بکشند و کم نبودند بانوانی که به دلیل برداشته شدن چادر از سرشان، در کوی و برزن از غصه دق کردند. زنان و دختران امروز ایران نیز فرزند همان شیرزنان دیروزند.

۳. طبیعت بشر، به گونه ای است که می تواند با تمرین، خود را با سختی ها و

۱- ۲. روان شناسی اختلافی زن و مرد، ص ۴۲.

آنچه بـا طبعش ناسازگـار است وفق داده، هماهنـگ سـازد. اگر انسـان از کودکی به انجام کاری عادت کرد، آن کار هر چند سخت و سـنگین باشـد، برای او آسان گردیـده و مشـقّت آور نخواهد بود یا اینکه به راحتی به تحمّل سـختی های آن توانا می گردد.

بر همین اساس، در اسلام به والدین سفارش شده تا کودکان خویش را از سال های نخست زندگی، به عبادت هایی مثل روزه کلّه گنجشکی، نماز و... تشویق و ترغیب کنند و عادت دهند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «ما فرزندان خویش را از هفت سالگی به آن مقدار از روزه که در حدّ طاقت و توان آنـان است، امر می کنیم؛ هر چنـد روزه نصف روز یـا کمتر و بیشتر باشـد. پس هنگـامی که گرسـنگی و تشـنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می کنند تا برای روزه گرفتن آماده گردند و طاقت روزه داری یابند. پس شما نیز کودکانتان را از نُه سالگی به آن مقدار از روزه داری که در حدّ طاقت آنان است، تشویق کنید و هرگاه عطش و گرسنگی بر آنان غلبه کرد، افطار کنند».(۱)

در مورد نماز نیز به مسلمانان توصیه شده تا از پنج سالگی، کودکان خویش را به نماز خواندن عادت دهند.(۲)

بنـابراین، خـانواده های پرهیزکار، دختران خویش را از همان کودکی، به پوشـیدن چادر عادت می دهنـد. براین اساس، تحمل مشقت احتمالی ناشی از

۱- ۱. فروع کافی، ج ۴، کتاب الصّیام، باب صوم صبیان، ص ۱۲۴، ح ۱.
۲- ۲. همان، ج ۳، کتاب الصّلاه، باب صلاه صبیان، ص ۴۰۹، ح ۱.

پوشیدن چادر، در بزرگ سالی برای آنان هموار و آسان خواهد بود.

۴. ممکن است پوشیدن چادر مشکی در هوای گرم برای بعضی خانم ها مشقت آور باشد، ولی تحمّل هرگونه سختی، نامطلوب و نامعقول نیست. در مواردی که تحمل سختی ها باعث دست یابی به اهداف بالاتر می گردد، عقل به مطلوبیت آن حکم می کند. برای مثال، اگر سلامت جسمی یا روحی فرد به خوردن دارویی بسیار تلخ یا عمل جراحی سختی وابسته باشد، عقل به لزوم تحمل آن سختی حکم می کند. نه تنها عقل که شرع نیز تحمل این گونه سختی ها را می پسندد.

اجرای احکام الهی و انجام عبادت های شرعی، به طور معمول تحمل رنج و زحمت ها را در بر دارد. به جای آوردن عبادت ها و فریضه هایی همچون روزه به ویژه در هوای بسیار گرم تابستان، حج و جهاد در هوای بسیار سرد و گرم، همه و همه مشقت آور است، ولی تحمّل این سختی ها، از نظر شرع، لازم و پسندیده می نماید.

روایت های بسیاری نیز انسان را به تحمّل سختی هایی که در راه سعادت و کمال اوست، تشویق کرده اند. از جمله مولا علی علیه السلام می فرماید: «المکارمُ بالمَکاره؛ به دست آوردن کرامت ها، در گرو تحمّل دشواری هاست».(۱) در جایی دیگر نیز به فرزند گرامی شان امام حسن علیه السلام توصیه می کند: «عَوِّدِ نَفْسَکَ التَّصَبُّرَ عَلَی المَکرُوه؛

خود را به استقامت در برابر مشکلات عادت ده».(۲)

۱- ۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۶.

۲- ۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۱، ص ۵۲۰.

به یقین، از آنجا که پوشیدن چادر برای زن وسیله و پیش زمینه هدف والای تأمین سعادت، عفاف و سلامت روح و جسمی او و بالاتر از آن، سلامت اخلاقی جامعه اسلامی است، تحمل سختی های احتمالی آن نیز به حکم عقل و شرع ضروری خواهد بود.(۱)

بدون تردید، تحمّل این رنج و زحمت، پاداش بزرگی را نیز برای این بانوان پرهیزکار به ارمغان خواهد آورد؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «فِي الصَّبرِ عَلَى مَا نَكْرَهُ خَيْرٌ كَثير؛(۲) در بردباری بر آنچه نمی پسندیم، خیر فراوانی نهفته است».

سخن آخر

گنجانیدن خلاصه آنچه گذشت در چند سطر، کاری بس دشوار است. برای ارائه تصویری کلّی و گویا، بر اساس فصل های پنج گانه می گوییم:

۱. برخلاف تصور عموم مردم، چادر و مقنعه قدمتی دیرینه دارد. مقنعه یا روسری، یکی از دو پوشش حضرت حوّا، همسر حضرت آدم علیه السلام است. چادر نیز از دیر باز به ویژه در ایران استفاده می شده و از لباس های سنّتی و باستانی زنان ایران به شمار می آمده است.(۳)

ص: ۱۶۴

۱- ۲. نک: حسین، مهدی زاده، «نقد ادّله مخالفین چادر مشکی»، جمهوری اسلامی، س ۲۲، ش ۶۲۶۵، ص ۱۰.

۲- ۳. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۷.

۳- ۴. به دلیل منابع مورد اشاره در این پژوهش و قرینه های تاریخی، پوشش چادر در ایران، تنها به زمان حاضر اختصاص ندارد،بلکه قدمتی دیرینه داشته و حتی به دوران پیش از اسلام برمی گردد. چنان که شاهنامه درباره شیرین، همسر خسرو پرویز در بارگاه شیرویّه آورده است: نه کسی موی او بیش از این دیده بود***نه از مهتران نیز بشنیده بود *** بگفت این و بگشاد چادر ز روی***همه روی ماه و همه پشت موی جرجی زیدان، دانشمند معروف مسیحی، در مورد حجاب زنان اروپا می گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشاندن بدن به وسیله چادر، روسری و... است، این موضوع قبل از اسلام و حتّی پیش از دین مسیح در اروپا معمول بوده و مسیحیّت هم در آن تغییری نداده است».

۲. واجب بودن پوشش بیشتر زن نسبت به مرد، حکمت های فراوانی دارد که بر اساس تفاوت های دقیق و عادلانه جسمی و روحی این دو جنس استوار است و از اساس در راستای حفظ عفاف و پاکی جامعه اسلامی، محافظت از ارزش، امنیت، سلامت و حقوق شخصی زن بوده و در درجه اول به نفع خود اوست.

۳. مقنعه و روسری که زنان ایرانی از آن استفاده می کنند، ریشه مذهبی دارد و البته پیش از اسلام نیز در میان زنان جزیره العرب معمول بوده است. خداوند تعالی در آیه ۳۱ سوره مبارک نور، با تبیین حدود پوشش زن، کیفیت پوششی آن را تصحیح فرمود.

بر اساس این آیه شریف و با توجّه به کلمات مفسّران و احادیث معصومان علیهم السلام، مقنعه پوششی است که زن برای پوشانیدن سر، مو، گردن و سینه از آن استفاده می کند. کارکرد این پوشش، پنهان ساختن قسمتی از زیبایی و جاذبه های زن از نگاه مردان نامحرم و به منظور پیش گیری از تحریک مردان و حفظ امنیت و آرامش زنان است. تبادر ذهنی زنان عرب از واژه خِمار، مقنعه با رنگ مشکی بوده است. بر اساس ویژگی های روان شناختی نیز رنگ مشکی، سازگارترین رنگ با حکمت و فلسفه حجاب زن به شمار می آید.

۴. چادر نیز قبل از نزول آیه ۵۹ سوره احزاب، مورد استفاده زنان عرب قرار می گرفته است؛ البته روش پوشش آن با آنچه خداوند در این آیه شریف می فرماید، متفاوت بوده است. بر اساس این آیه، چادر، روپوش گسترده و فراگیری است که زن بر بالای همه لباس های خویش می پوشد، به طوری که از

سر تـا قـدم او را در بر می گیرد. فراخی و گستردگی آن نیز به انـدازه ای است که حجم بـدن را پنهـان می سـازد. زنان عرب، پیش از نزول این آیه، آن را بر سـر کرده و به حال خویش رها می ساختند. خداوند تعالی به زنان با ایمان می فرماید که چادر خویش را جمع و جور کنند تا کیفیّت پوششی بهتری داشته باشد.

این پوشـش، موجب شـناخته شدن زنان به داشـتن عفاف، پاکی و تقوا می گردد. وقتی زنی در جامعه به این ویژگی ها شناخته شد، مزاحمت مردان هرزه به او کم خواهد شد. بنابراین، همان گونه که این آیه مبارک بر آن صراحت دارد، کارکرد مهم این پوشش، حفظ امنیت و آرامش زن است. بر اساس شواهد لغوی و تفسیری؛ رنگ جلباب (چادر اسلامی) مشکی بوده است.

۵. چـادر به عنوان حجاب برتر زن مسـلمان و نماد مقاومت او، همواره مورد تهاجم دشـمنان دین و انقلاب اسـلامی بوده است. ازاین رو، برای مبارزه با آن، به سـست کردن اعتقاد زنان مسـلمان به وسـیله شبهه افکنی درباره این پوشش، مبادرت ورزیدند. متأسّـفانه دوسـتان جاهل یا غافل نیز از داخل به این شـبهه ها دامن زده و خواسـته یا ناخواسـته، دشـمن را در رسیدن به اهداف خویش یـاری می رساننـد. البته همان گونه که اشاره شـد، این شـبهه ها از اساس بی پایه و اساس بوده و با ساده ترین اسـتدلال ها، قابل پاسخ گویی است.

خلاصه آنکه چادر و مقنعه رایـج فعلی بانوان مؤمن و مسـلمان ایران، ارتباط محکم و بسـیار وثیقی با آموزه های دین اسـلام و قرآن کریم دارد.

فصل ششم: رسانه و هنجارمندسازی پوشش

اشاره

فراگیر شـدن، تکرار و الگوهـای پـذیرفته شـده، هر یـک ابزارهـایی برای آسان سازی رفتار هسـتند. برای مثال، در روزهای ماه مبـارک رمضـان، وقتی فضای کشور، فضای روزه داری است و پس از تکرار عمل در چنـد روز اول و با مشاهـده بزرگ ترها (پـدران، مـادران، و نیز برادر و خواهرهـای بزرگـتر) در حـال انجـام فریضـه روزه، ترک غـذا و آشامیـدنی را برای کودکـان و نوجوانان آسان تر می سازد. صـدا و سـیما نیز می تواند همچون ماه مبارک رمضان، چنین قدرت تأثیرگذاری داشـته باشد. این سازمـان به واسـطه تکرارهای تبلیغی مسـتقیم و غیرمسـتقیم، معرفی الگوهای موفّق در عرصه های متعـدد و گوناگون زنـدگی، نحوه پوشـش، آرایش و پیرایش صـحیح و سـالم را آسـان و قابـل عمـل برای همگان، به ویژه نسل جوان جلوه دهـد. برای این منظور، آنچه در نظر نگارنده مناسب است، صادقانه تقدیم برنامه ریزان و برنامه سازان می شود.

پیشنهادهای کلّی

۱. شروع از درون

نخست ضـروری است تا دست اندرکاران، کارمندان، تهیه کنندگان، مجریان، بازیگران و عوامل صدا و سـیمای ج.ا.ا نسبت به جایگاه حجاب در

اسلام، نقش حجاب در حفظ امنیت و کرامت زن مسلمان، فلسفه حجاب، احکام حجاب و... آشنایی و اشراف داشته باشند که امیدواریم اثر حاضر در این زمینه تأثیرگذار باشد. در درجه دوم، چون این عزیزان و خانواده های آنان الگوگیری آحاد جامعه به ویژه جوانان قرار می گیرد، سزاوار است تا نسبت به رعایت پوشش اسلامی دقّت کامل را داشته باشند؛ زیرا هر حرکت سازنده و متحوّل کننده باید نخست از درون گروهی شروع شود که قصد ایجاد تحول را دارند. خداوند متعال وقتی دستور رعایت پوشش صحیح چادر توسط زنان را به پیامبر صلی الله علیه و آله می دهد، نخست آن حضرت را موظف به ابلاغ این دستور به زنان و دختران خویش می کند، آنان را مقدّم می دارد و می فرماید: «ای پیغمبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به پوشش فراگیر فروپوشند». (احزاب: ۵۹)

۲. توجه همه جانبه به عوامل ترک حجاب

یکی از راهکارهای اساسی به منظور نهادینه کردن حجاب اسلامی در جامعه، شناخت ریشه های بدحجابی و عوامل فرار جوانان از پوششی است که اسلام به آن سفارش می کند. از جمله این عوامل، خودباختگی فرهنگی، عدم خودباوری و الگوگیری نادرست است. گاه پیشرفت های چشم گیر علمی و تکنولوژی غرب سبب می شود برخی با قیاس نادرست، پای بندی به مظاهر اسلامی، به ویژه حجاب را علّت عدم پیشرفت کشورهای جهان سوم که بیشترشان کشورهای اسلامی هستند، تصور کنند. الگو شدن بعضی زنان بی حجاب غربی برای زنان و دختران جوان مسلمان نیز می تواند از عوامل عدم گرایش زنان مسلمان به حجاب اسلامی باشد.

از دیگر سو، شناخت نادرست نسبت به ارزش و کرامت واقعی زن مسلمان سبب شده است تا ارزش زن، تنها به ارزش های زنانگی و ویژگی های ظاهری او منحصر گردد. ازاین رو، حجاب که پوشش دهنده جلوه های ظاهری زن است، مانعی برای مطرح شدن و کسب موقعیت اجتماعی برای او به شمار آید.

آشنا نبودن زنان با فلسفه و ضرورت رعایت پوشش اسلامی و آثار و فایده های ارزنده حجاب، از دیگر عواملی است که باعث شده است این هدیه بزرگ خداوند به زنان، فراموش شده بماند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران می تواند نقش مهمی در بیان فلسفه و ضرورت رعایت پوشش اسلامی، ارائه الگوهای درست برای زنان و تبیین ارزش واقعی و کرامت حقیقی زن مسلمان در جامعه داشته باشد. در این راستا، می توان از جاذبه های هنری و روش های غیرمستقیم بهره های فراوان برد.

۳. ایجاد و تقویت انگیزه

یکی از عوامل مهم موفقیت در گرایش به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی، ایجاد انگیزه از طریق تولید افق فکری بالاست. ازاین رو، صدا و سیمای ج.ا.ا باید در ایجاد انگیزه درباره حجاب، کوشا باشد. وقتی حجاب، یک ارزش به شمار آید، گرایش به آن نیز فراگیر شده و بی حجابی به عنوان یک ضد ارزش، منفور خواهد بود.

۴. مخاطب شناسی

مخاطب شناسی و هم سویی برنامه ها با نیازها نیز اهمیت زیادی دارد. به طور کلّی، می توان مخاطبان صدا و سیما را از نظر حجاب به چند گروه عمده تقسیم کرد که لازم است در امر نهادینه کردن حجاب، روش های جذّاب و مناسب با هر گروه، مورد توجّه قرار گیرد:

الف) افراد معتقد و پای بند به اصل پوشش اسلامی؛

ب) افراد بی اعتقاد که به دین و آموزه های نورانی آن گرایش ندارند. در مورد این گروه، بهتر است از تأثیر حجاب در سلامت روحی و روانی زنان و نیز عموم جامعه، نقش حجاب در حفظ زیبایی زن، ارتباط پوشش با امنیت اجتماعی زن و... ، از زبان کارشناسان غربی و براساس گزارش های مراکز تحقیقاتی و درمانی غرب اشاره کرد.

ج) گروه دیگر برآنند که به رغم گرایش های دینی، به رعایت حجاب اسلامی پای بند نیستند یا برخلاف میل درونی به دلیل شرایط خاصی مانند تأثیرپذیری از اطرافیان، محیط خانواده، توجیه نبودن نسبت به ضرورت رعایت حجاب اسلامی، احساس حقارت و... پوشش اسلامی ندارند. این گروه نیاز به بالا بردن سطح آگاهی، توجیه نسبت به ضرورت و فلسفه پوشش، تعمیق بخشیدن به باورهای دینی، تقویت روحی و اعتماد به نفس دارند. بنابراین، رسانه با توجه به گونه گونی مخاطبان با برنامه ریزی حساب شده و مخاطب شناسی کامل می تواند این دسته ها را جهت دهد.

پیشنهادهای برنامه ای

۱. برنامه کودکان

در روایات فراوانی، سفارش شده است که بزرگترها چگونگی پوشیدن و رفتار با نامحرم را در عمل به کودکان و نوجوانان بیاموزند. در این باره، برای

دختران شش سالگی و برای پسران حدّ تمیز و ممیّز بودن پیشنهاد شده است.(۱) ازاین رو، بسیار مناسب است که برنامه ریزان و برنامه سازان بخش کودک، به این امر اهتمام و دقت ویژه ورزند. از جمله راهکارهای عملی برای انتقال پیام حجاب به کودکان به این ترتیب است:

یک _ آموزش احکام پوشش در قالب کارتن، نمایش عروسکی، سرودهای جذاب، داستان های شیرین و بازی های کودکانه.

دو _ استفاده از پیام حجاب توسّط مجریان محبوب کودکان.

سه _ کودکان از پوشش مجریان محبوب خود الگو می گیرند. ازاین رو، استفاده از چادر توسّط مجریان زن که به صورت شاد برنامه اجرا می کنند و محبوبیت ویژه ای هم نزد کودکان دارند، می تواند تأثیر عمیقی در این زمینه داشته باشد.

چهار _ تصویرهایی که در خلال برنامه کودکان پخش می شود یا تصویر پشت سر مجری، کودکان با حجاب در حال بازی و شادی نشان داده شوند تا این تصور نادرست که رعایت حجاب اسلامی با شادی و نشاط کودکانه ناسازگار است، اصلاح شود.

زبان کودکانه به دلیل صداقت و پاکی این قشر معصوم، گیرایی و دل نشینی خاصی نزد گروه های سنی مختلف دارد. می توان برای دادن پیام های مربوط به حجاب از زبان شیرین کودکانه استفاده کرد. همان کاری که در مورد هشدارهای مربوط به محیط زیست و... انجام می شود.

۱- ۱. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۱۴، صص ۱۶۹ _ ۱۷۱، باب های ۱۲۷ _ ۱۲۸، روایت های ۲۵۵۰۸ _ ۲۵۴۹۹.

۲. برنامه نوجوانان و جوانان

اگرچه پذیرش در این سنین تا اندازه ای سخت است، ولی ارتباط با این قشر، از ارتباط با کودکان راحت تر است و ابزارهای بیشتری در دست برنامه سازان است. از جمله:

الف) استفاده از گزارش های خبری جذّاب با موضوع پوشش اسلامی. برای مثال:

ـ تهیه گزارش با موضوع هایی مانند: اولین روزی که چادر پوشیدم...؛

ـ تهیه گزارش از جوانان و نوجوانان با حجاب و موفق در عرصه های ملّی و بین المللی؛

ـ تهیه گزارش از جوانان و نوجوانان با حجاب کشورهای اروپایی و... .

ب) استفاده از نماهنگ های زیبا با رویکرد شاعرانه و احساسی و سرودهای جذّاب با موضوعیت حجاب.

ج) برگزاری و اجرای مسابقات متنوع با محوریّت پوشش اسلامی، مانند:

ـ مسابقات هنری (طراحی، نقاشی، شعر، داستان) با موضوع حجاب؛

ـ مسابقه احکام پوشش به ویژه برای دختران نو بالغ؛

ـ مسابقه حفظ احادیث حجاب؛

ـ مسابقه خاطره نویسی؛

د) معرفی کتاب حجاب.

ه) استفاده از پلاتوها و زیرنویس در پیام رسانی به نوجوان و جوان بازتاب خوب و مؤثری خواهد داشت؛ به ویژه، جمله هایی که با «آیا می دانید» آغاز می شوند. برای نمونه:

ـ آیا می دانید اولین اثر مثبت رعایت پوشش اسلامی، به خود زن باز می گردد؟

ـ آیا می دانید رعایت حجاب بر حفظ زیبایی زن تأثیر دارد؟

ـ آیا می دانید آمار نا امنی زنان در کشورهای غربی... چه قدر است؟

ـ آیا می دانید پوشش حضرت زهرا علیهاالسلام هنگام خروج از منزل چادر بوده است؟

و) برپایی میزگردهای علمی و مناظره ای در پیام رسانی به نوجوان و جوان با موضوع پوشش اسلامی. در پیام رسانی توجه به دو نکته دقیق نیز اهمیّت ویژه دارد:

یک ـ با توجّه به ویژگی های سنّی این قشر، استفاده از روش های غیرمستقیم تأثیر بهتری دارد. در بسیاری موارد، جوان یا نوجوان تا احساس کند برنامه ای دینی قصد دارد او را تحت تأثیر قرار داهد، واکنش منفی نشان می دهد. ازاین رو، بهتر است پیام های حجاب به صورت غیرمستقیم و در قالب برنامه های علمی، ورزشی، تفریحی و... القا گردد.

دو ـ نباید کاری کرد که نوجوان و جوان دچار تناقض شود. برای مثال، در گفتار سخن از پوشش خاص یا حریم گرفتن به ویژه توسط مرد و زن نامحرم را تبلیغ کنیم، ولی در رفتار در یک سالن کوچک، دختر و پسر را یک در میان و نزدیک به هم، بدون هیچ ضرورتی قرار داده و آنها را به گفت وگو وا داریم.(۱) یا در فیلم ها، نه در حدّ معقول و شرعی حدّ پوشش را رعایت کنیم و نه

۱- ۱. مانند گفت وگوی خودمانی در برنامه جوان، شبکه اول سیمای ج.ا.ا.

حریم ها را، بلکه رابطه دختر و پسر را به طور شبانه روزی ترویج کنیم؛ به ویژه در فیلم ها و سریال هایی که در داخل کشور ساخته می شود. اگر چه سریال های وارداتی غیر قابل کنترل است، ولی می توان در انتخاب آنها یا هنگام ساخت برنامه های ایرانی بیشتر دقت کرد.

۳. برنامه بزرگسالان

انتقال پیام برای بزرگسالان، به مراتب آسان تر از دو گروه کودکان و نوجوانان است. اگرچه آنها شکل گرفته تر از کودک و نوجوان هستند، ولی ابزارهای در خدمت رسانه برای این نسل، پیشرفته تر از ابزارهای قابل بهره گیری برای کودکان است. به عبارت دیگر، القای پیام برای کودک و نوجوان سخت تر و پیچیده تر است، ولی برای بزرگسالان، می توان از مستندسازی، گزارش خیابانی، گفت و گوهای دوستانه و بحث های علمی تا فیلم و سریال های علمی، تجاری و خانوادگی، تاریخی و... بهره گرفت، ولی چنان که در بحث نوجوان و جوان گفته شد، نه تنها ترغیب و ترویج رابطه پسر و دختر امری پسندیده نیست که ترویج بی مبالاتی رفتاری در میان بزرگسالان از نظر پوشش و نحوه رفتار مردان و زنان نامحرم نیز غیرپسندیده تر است؛ زیرا بدآموزی برای سه گروه کودک، نوجوان و جوان و بزرگسال به بار می آورد و برای دو گروه اول، ایجاد تناقض می کند.

الف) تهیه گزارش های جذاب خبری با محوریت حجاب و موضوعات گوناگون از جمله:

یک _ حجاب و نقش آن در تأمین سلامت فرد و جامعه؛

دو _ حجاب و امنیت زن؛

ص: ۱۷۴

سه _ حجاب و فعالیت اجتماعی زن؛

چهار _ حجاب و کرامت زن؛

پنج _ حجاب و نقش آن در پیش گیری از بزه و گناه؛

شش _ حجاب و حفظ عفاف عمومی جامعه؛

هفت _ نقش خانواده در با حجاب شدن دختران؛

هشت _ مصاحبه با زنان تازه مسلمان و پرسش از آنها در مورد مقایسه وضع خویش در حالت با حجابی و بی حجابی؛ احساسی که با محجبه شدن به آنها دست داده، نقش حجاب در تأمین امنیت آنها، ارزش و کرامتی که پیش و پس از محجبه شدن از آن برخوردار بودند و... .

نه _ مصاحبه با زنان و دختران با حجاب و موفق و مطرح در عرصه های مختلف و پرسش از آنان در مورد نقش حجاب در تأمین آرامش روحی و زمینه سازی برای موفقیت آنها و اینکه حجاب مانعی برای پیشرفت زن می شود یا نه؟

ده _ مصاحبه با جوانانی که به جرم فساد اخلاقی در ندامتگاه ها به سر می برند و پرسش از آنها در مورد اینکه به نظر شما رعایت نکردن حجاب توسط زنان و دختران چه مقدار در انحراف شما مؤثر بوده است؟

ب) ساخت مستندهای مختلف با موضوع: پیشینه حجاب در اسلام، حجاب در دیگر ادیان الهی، زنان با حجاب موفق در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... به عنوان الگو برای زنان و دختران جوان، معرفی زنان و دختران با حجاب و مقاوم در برابر قانون منع حجاب اسلامی در مدرسه های بعضی کشورهای اروپایی از جمله «فرانسه»، مستند آموزشی مربوط به آداب پوشش اسلامی و رابطه بی حجابی با عفاف عمومی و فساد اخلاقی،

رابطه کشف حجاب با استعمار، مستند حجاب در سیما و سینما (بررسی و نقد وضع پوشش زنان در فیلم ها و سریال های مختلف). مستند در مورد زنان با حجاب در دیگر کشورهای اسلامی و... .

ج) در برنامه ها، اسلام صوفی مشربانه (که به اعمال عبادی و رعایت مظاهر دینی از جمله رعایت پوشش اسلامی توجه نمی کند و می گوید دل باید پاک باشد) نقد شود.

د) شرایط به گونه ای فراهم شود که زنان چادری نیز با آرامش خاطر نسبت به رعایت موازین شرعی، بتوانند در سریال ها ایفای نقش کنند.

ه) در طراحی صحنه فیلم، سریال و برنامه های تلویزیونی، تلویحا به تبلیغ پوشش کامل اسلامی پرداخته شود. برای مثال، در جالباسی های دم درب منزل افزون بر مانتو، چادر هم آویزان باشد. در برنامه های مختلف به تناسب، در بک گراندی که برای مجری گذاشته می شود، تصویر زنان چادری در حال فعالیت های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی و... نمایش داده شود.

و) در دیالوگ ها تلویحا به احکام پوشش اشاره شود. برای مثال، افراد خانواده در حال گفت وگو در مورد حدّ پوشش زن و مرد هستند یا اینکه فرزندان از حدّ پوشش و فلسفه و فایده های پوشش می پرسند و والدین با صبر و حوصله پاسخ می دهند.

ز) در فیلم ها، سریال ها و به طور کلّی برنامه های تلویزیونی به نوع پوشش مردان و مطابقت آن با موازین شرعی نیز توجه شود و توضیح داده شود که احکام پوشش تنها به بانوان اختصاص ندارد.

ص: ۱۷۶

۴. نقد و ارزیابی برنامه های سیما

پیشاپیش به ظرافت و سختی کار برنامه سازی، فیلم نامه نویسی، تصویربرداری، بازیگری و ده ها مسئله دقیق هنری دیگر اعتراف می کنیم. همچنین سپاس و تقدیرمان را اعلام می داریم و از خدای بزرگ و أئمه علیهم السلام برای همگان پاداش نیکو در دنیا و آخرت خواستاریم .

با این همه، نباید از نعمت نقد که محک زنی رفتار و گفتار برای ارتقای کیفی و کمّی آن است، محروم ماند. ازاین رو، بهترین هدیه خویش را کمک به رفع کمبودها می دانیم تا شاهد زیبایی هر چه بیشتر کارها باشیم. به همین منظور، مطالب زیر را تقدیم می داریم:

الف) همیشه رضایت خدا را ملاک قرار دهیم که رضایت آفریده ها را به همراه دارد. خدای سبحان نیز در سوره مریم(۱) وعده داده تا محبت خوبان را در دل آفریده ها بکارد، به شرط آنکه نخست ما سختی دریافت رضایت آفریدگار را تحمل کنیم، تا همچون مریم مقدس علیهاالسلام، قرن ها رضایت و محبت آفریده ها ارزانی مان گردد. این رضایت زمینی است که با حادثه ای طبیعی نابود می گردد، ولی رضایت الهی همیشه پایدار و باقی است(۲) و حتی در دنیا هم برکات آن دیده می شود. برای مثال، از آنجا که دست اندرکاران فیلم «مریم مقدس»، به ویژه کارگردان آن کوشیدند درراستای فرمان های الهی آن را تهیه کنند و راهنمایی های خدای سبحان را در مورد روابط سیاسی،

۱- ۱. «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا». مریم: ۹۶

۲- ۲. الرحمن: ۲۶ و ۲۷.

اجتماعی، پوشش و رابطه محرم و نامحرم به کار بندند، پاداش خوبی در همین دنیا دریافت کردند و آن فزونی مخاطبان این فیلم بود. اگر چه شاید در ابتدای راه و تهیه فیلم، به مشکلاتی برخوردند، ولی رضایت خالق و مخلوق ارزانی شان شد.

ب) اکنون از خود بپرسیم ما تا کنون چه قدر به رضایت خالق نزدیک شده ایم؟ آیا در کنار برنامه های خوب، سازنده، انسان ساز و الهی، برنامه های منفی و خنثی تحویل جامعه نداده ایم یا حتی در متن برنامه های موفق، پیام های منفی برای مخاطبان نفرستاده ایم؟ آیا در خصوص پوشش و روابط زنان ومردان، رو به سستی و کاستی نرفته ایم؟ آیا هر روز از پوشش کم نگذاشته ایم و حریم ها را کوتاه تر نکرده ایم و حتی آن را نشکسته ایم؟ آیا هر روز روابط با نامحرم را عادی تر نکردیم؟ به ویژه روابط دختر و پسر، آن هم از نوع عاطفی و عشق خاکی. برای نمونه، در سریال «مزرعه آفتاب» از شبکه اول، آیا با همه پیام های خوب مانند هم یاری، امیدواری، اعتماد به نفس، برگشت به روستا و ترویج کشاورزی؛ در مقوله پوشش و رابطه دختر و پسر، کم نگذاشته ایم یا حتی پیام منفی نفرستاده ایم؟ در هر هفته، شاهد ارتباط تلفنی یا خیابانی یا داخل پارکی هامان با خواهر یکی از دوستانش نیستیم، آن هم همراه ترویج بی غیرتی که عبارت باشد از واسطه گری برادر برای این رابطه و دوست دختر، دوست پسر شدن و... .

سریال بسیار زیبا و هنرمندانه «خاک سرخ»(۱) هم که پیام های مثبتی مانند

ص: ۱۷۸

۱- ۱. شبکه اول.

همگـانی و مردمی بودن جنـگ، سـهیم بودن مردم پشت جبهه در دفاع، بی رحمی دشـمن نسـبت به کودکان و زنان مسـلمان، همّت، غیرت، تغییر رفتار یک دختر از خانه اعیانی به دامن یک زنـدگی اصـیل محلی را القا کرد، ولی در خصوص پوشـش و آرایش رعایت موازین اسـلامی را نکرد. از کارگردان محترم آن بپرسید آیا در طول عمر خویش، شاهد صحنه طولانیِ دویدن عروسـی بـا لبـاس چسـبان مخصوص عروس در کوچه و بازار، حتی در بی مبالات ترین محله ایرانی بوده است؟ آیا کارگردان محـترم در قطعـات بسـیار کوتـاه، نمی توانست پیـام سـرگردانی عروس در کوچه هـا را برسانـد و به تعبیر خودشـان، عروس را عروس نشان دهد؟

در سـریال «مهر خاموش»(۱) در کنـار پیـام هـای مثبتیماننـد ایثار، اعتماد به نفس، ساده زیستی در میان کسانی که هنجارهای دینی را بیشتر رعایت می کنند و هیجان های کنترل ناپذیر، آرزوهای بلند و آزار دهنده در میان کسانی که به هنجارهای دینی کمتر توجه دارند، باز هم شاهد ترویج رابطه دختر و پسر از سوی پسر آقای دکتر با دخترخوانده او هستیم.

در سـریال «معصومیت از دست رفته»(۲) نیز تعـداد پیام های روابط نامشـروع، عشوه گری، طنّازی، اسـتفاده ابزاری از زیبایی و گریم زن، بسیار بیشتر از پیام های آزادگی و تربیت علوی است؟

ج) شاید برای تهیه کنندگان، نویسندگان، کارگردانان، برنامه نویسان و

۱- ۱. شبکه پنج.

۲- ۲. از شبکه سه.

برنـامه سـازان به دلیـل اشـراف همه جـانبه بر متن و محتوای فیلم هـا و سـریال ها، یک نگاه جمعی مثبت فراهم شود، ولی باید توجه داشت:

یک ــ درباره حریم گرفتن، رعایت پوشـش شـرعی و روابط سالم، تعـداد پیام ارسالی از راه تحلیل محتوا چه تعـداد بوده و در مقابـل، پیـام عفـاف و حریم و پیام خنثی چه قـدر است؟ معمولاً انسان ها در کارهای روزمره، با توجه به تنبلی نفس، پیام های منفی دیداری و شنیداری را بهتر دریافت می کنند تا پاسخ های آنها را. ازاین رو، توجه به اهمیت و حاکم بودن پاسخ بر شبهه یا پیام، ضرورتی انکارناپذیر است.

دو ــ تعـداد پیام های مثبت، انـدک یا خیلی مبهم و حتی با تأخیر است. برای مثال، در سـریال «معصومیت از دست رفته» تعداد پیـام هـای طنّـازانه و منفی، بـا پیـام جهنم شوذب به هیـچ وجه قابـل قیـاس نیست و کارکرد پنهانی پیام های منفی، به آسانی با تصویر جهنمی در پایان فیلم رفع شدنی نیست.

سه ــ چنـد درصـد افراد همه فیلم ها را تا قسـمت آخر می بیننـد تا پیام های مثبت و منفی را با هم تلفیق کننـد و به جمع بندی خوبی برسند.

د) به کـارگیری نمادهـای دینی و فرهنگی کشورها، از کارهای شایسـته و قابل توجّهی است که امروزه در سـطح جهانی مورد توجّه بسیار قرار گرفته است. حتی در فیلم های هالیوودی نیز دیده می شود. صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران نیز می تواند در متجلّی ساختن نمادهای دینی به صورت مستقیم و غیر مستقیم، نقش به سزایی داشته باشد.

حجـاب زن مسـلمان، نماد مقاومت او و یکی از شـعایرالهی است و در میان پوشـش های زنان ایران، چادر در سـطح جهانی به نماد جمهوری اسلامی ایران

ص: ۱۸۰

تبدیل شده است. ریول کرکت ــ صهیونیست و مسئول سابق شبکه جاسوسی سیا در ایران ــ می گوید: «چادر، نمادی است که وجود انقلاب را در سر هر چهار راهی به نمایش می گذارد».(۱)

جا دارد که برنامه سازان و دست اندرکاران صدا و سیما، به این نماد بزرگ دینی که به فرموده مقام معظّم رهبری (مدظله العالی) نشانه ملّی ما نیز هست(۲)، ارج نهاده و بر تکریم و ترویج آن همّت گمارند، ولی آنچه متأسفانه شاهدیم این است که بعضی از برنامه های صدا وسیما نه تنها در این راستا مؤثر نیست، بلکه به علّت برخی کاربردهای نادرست، این پوشش، ناخواسته و به صورت غیرمستقیم به استهزاء گرفته شده است. برای مثال:

ــ در بیشتر فیلم ها و سریال های تلویزیونی، خانم ها در تمامی صحنه های فیلم با پوشش مانتو ظاهر می شوند، ولی در صحنه هایی که در مراسم ختم و عزا، زندان ها، قبرستان ها و... ضبط می گردد، چادر به سر دارند.

ــ در فیلم ها و سریال ها، خانم های ایفا کننده نقش زنان سرمایه دار، با سواد و مطرح یا خانم هایی که پشت ماشین های آخرین مدل نشسته اند، دارای پوشش مانتو، روسری یا حداکثر مانتو، مقنعه هستند، ولی ایفا کنندگان نقش خانم های به قول معروف پایین شهری، بدبخت بیچاره یا دارای شغل های سطح پایین مثل رخت شویی و... و زنان گدا، چادری به نمایش گذاشته می شوند که

۱- ۱. قاسم روان بخش، مقاله «گامی دیگر برای مبارزه با حجاب»، هفته نامه پرتو سخن، ش ۱۰۲، ۹/۸/۱۳۸۰، ص ۴.
۲- ۲. قسمتی از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، کیهان، ص ۴۹، ش ۱۴۳۷۰، پنجشنبه ۹/۱۰/۱۳۷۰، ص ۱.

بسیار نامناسب است.

ـ برای ایفای نقش زنانی که حجاب مناسبی ندارند، از بازیگران مطرح و محبوب و از بهترین گریم و طراحی لباس استفاده می شود، ولی برای نقش های چادری از بازیگران غیرشناخته شده و غیرحرفه ای، طراحی لباس های عادی و حتی گاه چادرهای چروک، خاکی و رنگ و رو رفته استفاده می شود.

ه) یکی از اقدام های قابل تقدیر و به جای صدا و سیمای ج.ا.ا در سال های اخیر، ساخت فیلم های داستانی، سریال ها و کارتن های زیبا از صحنه های برجسته تاریخ اسلام و زندگی گهر بار معصومین علیهم السلام است. البته با وجود اینکه ثابت شده که پوشش زنان از صدر اسلام، پوششِ بلند و فراگیری مانند چادر بوده است، متأسّفانه در این گونه فیلم ها برای پوشش زنانِ صدر اسلام یا عصر ائمه معصومین علیهم السلام و حتی بعضی زنان برجسته و چهره های مطرح، تنها از پیراهن بلند و مقنعه یا روسری های عربی استفاده می شود که جای تأمل و دقت بیشتری دارد.

و) یک مشکل جدی که در عرصه فرهنگ و هنر داریم، صاحب نظر شدن همگان است. بر خلاف مسائل بهداشت فیزیکی و امنیت مادی که با ظریف ترین کارها، می کوشیم حتی میکروب های احتمالی را از کودک و جوانان و بزرگسالان دور کنیم، ولی در مسائل اخلاقی، اباحه گری و رهاسازی را ترویج می کنیم و گاه شاهدیم برخی کارشناسان در امور هنری، خود را صاحب نظر احکام شرعی و مباحث فقهی هم معرفی می کنند، در حالی که برای تنظیم درجه دوربین، نور و... می کوشیم جدیدترین دستاورد را از بهترین متخصص بیاموزند، ولی در مسائل فقهی و شرعی، به سراغ سطحی ترین افراد و کم دانش ترین می روند و با وجود فرهیختگان برجسته فقهی، از رهبری معظم

انقلاب گرفته تا دیگر مراجع بزرگ تقلید، در آبشخورهای سست و بی بنیان رفع عطش می کنند.

پرسش های مسابقه ای

۱. در کدامین سوره قرآن، به پوشش سرتاسری زن اشاره شده است؟ (احزاب: ۵۹)

۲. کدامین آیه به پوشش کامل سر و گردن و بخش بالای بدن زن اشاره کرده است؟ (نور: ۳۱)

۳. بالاپوش حضرت زهرا علیهاالسلام هنگام حضور در جلسه دفاعیه از فدک چه بود؟ (چادر با پوشش کامل سراسری)

۴. در چه آیه ای از قرآن نخست به مردان امر فرمود که چشم ها را از نامحرم فرو بندند و سپس به زنان امر کرد که چشمان خویش را از نامحرم بر هم گذارند؟ (نور: ۳۰ و ۳۱)

۵. این سخن «چادر،نشانه ملّی است» از کیست؟ (از مقام معظم رهبری)

۶. یکی از تأکیدهای آیت اللّه طالقانی در خطبه نماز جمعه، بر کدامین نوع پوشش بوده است؟ (چادر)

۷. از کدامین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که پس از نزول آیه «جلباب»، زنان ۱. انصار با پوشش مشکی از خانه هایشان بیرون می آمدند؟ (ام سلمه علیهاالسلام)

۸. در کدام سوره قرآن آمده که: زنان از پس حجاب، با مردان نامحرم گفت وگو و مراوده داشته باشند؟ (احزاب: ۵۳)

۹. آغاز لزوم پوشش برای دختران از چه موقعی است؟ (از سن تکلیف)

۱۰. نماد مبارزه زنان مسلمان ترکیه و فرانسه چیست؟ (حجاب)

ص: ۱۸۳

۱۱. کدامین داستان قرآنی، رابطه و نحوه ارتباط دختر و پسر نامحرم، همراه با عفاف و پاکدامنی را شرح داده است؟ (داستان موسی علیه السلام و دختران شعیب علیهاالسلام)

۱۲. در مورد کدامین سوره قرآن تأکید شده که زنان آن را بیشتر بخوانند؟ (نور)

پرسش های مردمی

۱. چرا می گویند حجاب مصونیت است، نه محدودیت؟

۲. چگونه حجاب امنیت می آفریند؟

۳. آیا می دانید گفته اند: نگاه به نامحرم، تیری است از تیرهای شیطان؟ چرا؟

۴. آیا می دانستید که حجاب از ضروریات دین است که بین همه مسلمانان مشترک است؟

۵. شما چه تعریفی از حجاب کامل دارید؟

۶. چرا نخستین حمله مهاجمان پرتغالی در اسپانیا، فرانسه در الجزایر، انگلیس در ترکیه و رضا خان در ایران، به حجاب و پوشش زنان بوده است؟

۷. آیا می توان به بهانه آزادی، در جامعه بدون حجاب ظاهر شد؟

۸. آیا می پذیرید که حریم گرفتن از نامحرم، حرمت گذاری به مخاطب است؟ چرا؟

ص: ۱۸۴

پرسش های کارشناسی

(۱)

۱. تاریخچه کشف حجاب در جهان اسلام را بیان کنید.

۲. علت شکست حرکت های کشف حجاب چیست؟

۳. ریشه های قرآنی و حدیثی پوشش چادر و مقنعه را بیان کنید.

۴. فلسفه حجاب چیست؟

۵. فلسفه تفاوت و بیشتر بودن پوشش زن نسبت به مرد چیست؟

۶. آیا این ادّعا درست است که بین پوشش و ایجاد عقده روانی رابطه است؟

۷. آیا زن برای خارج از خانه و خارج از محیط زنان، می تواند از لباس هایی با رنگ های روشن استفاده کند؟

۸. آیا الزام در پوشش، با حق انتخاب لباس منافات ندارد؟

۹. رابطه حجاب و پوشش با فشارهای اجتماعی چیست؟

۱۰. علت نادرستی این ادعا که «بین رنگ مشکیِ پوشش و بیماری های استخوانی رابطه است» چیست؟

۱۱. چرا برخی برای تخریب حجاب از «جوان ابزاری» بهره گیری می کنند؟

۱۲. چه نوع پوششی از حکم کراهت پوشش سیاه استثنا شده است؟

۱۳. آیا بین کارآمدی زن در عرصه اشتغال و پوشش کامل منافاتی وجود دارد؟

۱- ۱. برای پاسخ نک: شهیدمطهری؛ مسئله حجاب؛ حسین مهدی زاده، حجاب شناسی؛ اسداللّه محمدی نیا، بهشت جوانان؛ مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب ۱ و ۲؛ غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی.

۱۴. آیا مطلق مشکل بودن، بهانه ای صحیح برای رهایی از قواعد و هنجارهای اجتماعی است؟

معّرفی مراکز و نهادهای مرتبط با موضوع

در میان مراکز و نهادهای فعّال در راستای مباحث مربوط به زن، می توان مراکز زیر را معّرفی کرد:

الف) مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، خیابان صفاییّه، فرعی سوم، سمت راست، پ ۱۸، تلفکس: ۷۷۴۱۱۶۶ _ ص. پ: ۳۶۵۳ _ ۳۷۱۸۵.

ب) شورای فرهنگی _ اجتماعی زنان، تهران، خیابان شهید مفتّح، روبه روی ورزشگاه شهید شیرودی، خیابان اردلان، شماره ۶، دبیرخانه شورای فرهنگی _ اجتماعی زنان، کد پستی: ۱۵۸۳۹، تلفن: ۴ _ ۸۳۱۹۸۹۱، دورنویس: ۸۳۲۰۰۴۴ .

ج) نهضت زنان مسلمان، تهران، خیابان جمهوری، قسمت الف، کوچه سیّد هاشم، پلاك ۱۴.

د) دفتر مجله «پیام زن»، قم، ص. پ: ۱۶۵/۳۷۱۸۵، مجله پیام زن، نشانی مجله در شبکه شارع: P PAYAMZAN ، تلفن: ۷۷۳۳۳۰۵ _ ۷۷۳۸۷۴۳.

کتاب نامه

کتاب

*. قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای.

*. نهج البلاغه، ترجمه محمّد دشتی، قم، انتشارات خوشرو، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱. آمدی، عبدالواحد ابن محمّد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: المصطفی الدرایتی و حسین الدّرایتی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۲. ___________ ، غرر الحکم و درر الکلم، (به صورت موضوعی)، ترجمه و تحقیق: هاشم رسولی محلاّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۳. آلوسی بغدادی، روح المعانی، لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ ه . ق، ۱۹۸۵ م.

۴. ابن منظور، لسان العرب، لبنان، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه .ق، ۱۹۸۸ م.

۵. احمد بن فارس بن زکریّا، معجم مقاییس اللّغه، مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ه . ق.

۶. إربلی، علی ابن عیسی، کشف الغمّه، تهران، کتاب فروشی اسلامیّه، ۱۳۸۱ ه . ق.

۷. اکبری، محمود، برای ریحانه، قم، پردیسان، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.

۸. باب الحوائجی، نصر اللّه، فروید چه می گوید؟، مقدمّه و انتقاد از: ا. ج. آریان پور، تهران، معراجی، ۱۳۴۷.

۹. بنت، ویلیام جی، شاخص های فرهنگی در ایالات متّحده امریکا در پایان قرن بیستم، ترجمه: فاطمه فراهانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۰. بندر ریگی، محمّد، فرهنگ جدید عربی ـ فارسی (ترجمه منجد الطّلاب)، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.

۱۱. بیضاوی، عبد اللّه بن عمر بن محمّد، تفسیر بیضاوی، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه .ق.

۱۲. پاک نژاد، سیّد رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، کتاب فروشی اسلامیّه، بی تا.

۱۳. پژوهشی پیرامون حقوق، نقش اجتماعی و پوشش بانوان و کنکاشی در زمینه شناخت الگوی اسلام برای زن امروز، تهران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای، ۱۳۶۹.

۱۴. ثقفی تهرانی، محمّد، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارت برهان، چاپ دوم.

۱۵. جبران، مسعود، فرهنگ الفبائی الرّائد، ترجمه: رضا انزابی نژاد، مشهد، مؤسسّه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۱۶. جنابذی، محمّد، بیان السّعاده فی مقامات العباده، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۴.

۱۷. جوادی آملی، عبد اللّه، زن در آیینه جلال و جمال، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم،۱۳۷۸.

۱۸. حجاب و آزادی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۱۹. حجازی، بنفشه، زن به ظنّ تاریخ، شهر آب، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲۰. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، چاپ هفتم، ۱۳۷۶.

۲۱. حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، وسائل الشیّعه، مکتبه الاسلامیّه، چاپ هفتم، ۱۴۰۳ ه . ق.

۲۲. حسینیان، روح اللّه، حریم عفاف، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، زمستان ۷۳.

۲۳. حکایت کشف حجاب، تهران، مؤسّسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۴. خامنه ای، سیّد علی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات)، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۲۵. خطیب العدنانی، الملابس و الزّینه فی الاسلام، انتشارات العربی، ۱۹۹۹ م.

۲۶. خلیل جُرّ، فرهنگ عربی ـ فارسی لاروس، ترجمه: سیّد حمید طبیبان، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷.

۲۷. خمینی، روح اللّه، صحیفه نور، جمع آوری: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲.

۲۸. ________________، رساله توضیح المسائل.

۲۹. ________________، تحریر الوسیله، قم، موسّسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.

۳۰. خوری الشّرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم، منشورات مکتبه آیت اللّه العظمی مرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ه .ق.

۳۱. دزی، ر. پ. آ، فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه: حسین علی هروی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.

۳۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه فارسی دهخدا، تهران، مؤسّسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۵.

۳۳. رسولی محلّاتی، سیّد هاشم، زندگانی حضرت فاطمه علیهاالسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.

۳۴. روژه، پیره، روان شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمه: دکتر محمّد حسین سروری،انتشارات همگام، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۳۵. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشّاف، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه . ق.

۳۶. ______________ ، الکشّاف، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۳.

۳۷. سبحانی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، مؤسّسه امام صادق علیه السلام، چاپ ششم، ۱۴۲۲ ه . ق.

۳۸. ابوداوود، سلیمان ابن اشعث، سنن أبی داوود، دار احیاء السنّه النبویّه.

۳۹. سیّاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، کتاب فروشی اسلام، چاپ نهم.

۴۰. سیّد رضی ابن بنی قزوینی، تظلّم الزّهراء، ۱۳۱۱ ه . ق.

۴۱. سیوطی، عبد الرحمن، الدر المنثور، قم، منشورات مکتبه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه . ق.

۴۲. شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه.

۴۳. صادقی، محمّد، الفرقان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فرهنگ اسلام، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.

۴۴. صبور اردوباری، احمد، آیین بهزیستی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۴۵. صدر، حسن، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران، سازمان کتاب های جیبی، چاپ سوم.

۴۶. صدر، سیّد رضا، زن و آزادی، قم، مؤسّسه مطبوعاتی دارالفکر.

۴۷. صدوق، محمّد بن علی ابن حسین ابن باویه قمی، من لا یحضره الفقیه، نجف،دارالکتب الاسلامیّه، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ ه .ق.

۴۸. صفی پور، عبد الرحیم، منتهی الارب فی لغه العرب، تهران، چاپ اسلامیّه، ۱۳۷۷.

۴۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشّرایع، قم، مکتبه الطّباطبائی بالمدرسه الفیضیّه.

۵۰. طباطبایی، محمّد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقرموسوی همدانی، کانون انتشارات محمّدی، ۱۳۵۶.

۵۱. طبرسی، ابو علی فضل ابن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه: حبیب روحانی و علی عبد الحمید، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۵۲. ______________، مجمع البیان، تهران، کتاب فروشی الاسلامیّه، ۱۳۷۴ ه . ق.

۵۳. طبرسی، احمد ابن علی ابن ابی طالب، احتجاج، قم، المکتبه المصطفوی.

۵۴. طوسی، محمّد ابن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه . ق.

۵۵. العظیم آبادی، محمّد شمس الحق، عون العبود فی شرح سنن أبی داوود، مدینه منورّه، انتشارات محمّد عبد المحسن، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه . ق.

۵۶. فتّاحی زاده، فتحیّه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنّت، قم، مرکز انتشارات دفترتبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۵۷. فخر رازی، تفسیر الکبیر، قم،

۵۸. فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، مؤسسّه دار الهجره، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه . ق.

۵۹. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح: ژول مول، شرکت سهامی انتشارات وآموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.

۶۰. فیروزآبادی، مجدالدّین محمّدبن یعقوب، قاموس المحیط، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه . ق.

۶۱. فیّومی، احمد، مصباح المنیر، مؤسّسه دار الهجره، ۱۴۰۵ ه .ق.

۶۲. قرشی، سیّد علی اکبر، أحسن الحدیث، انتشارات بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۶۳. ــــــــــــــــــ، قاموس القرآن، چاپخانه اوجاقیان، ۱۳۵۲.

۶۴. القمّی، شیخ عبّاس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، نجف الأشرف، مطبعه العلمیّه، بی تا.

۶۵. القمّی، علی ابن ابراهیم، تفسیر القمّی، نجف، مکتبه الهدی، ۱۳۸۷ ه .ق.

۶۶. قرطبی، محمّد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، لبنان، دارالکتب العلمیّه، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه . ق.

۶۷. کاشانی، مولی فتح اللّه، منهج الصّادقین، تهران، انتشارات کتاب فروشی علمیّه اسلامیّه، بی تا.

۶۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۲.

۶۹. کنت دمارانش و دیوید ای اندلمن؛ جنگ جهانی چهارم، ترجمه: سهیلا کیانتاژ،تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۷۰. ماکس لوشر، روان شناسی رنگ ها، ترجمه: لیلا مهرادپی، انتشارات حسام، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۷۱. مجلسی، محمّد باقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه . ق.

۷۲. ــــــــــــــــــ، بحارالانوار، المطبعه الاسلامیّه، ۱۳۸۱.

۷۳. ــــــــــــــــــ، حیاه القلوب، تاریخ پیامبران، قم، انتشارات سرور، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۷۴. مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۷۵. محقّق، محمّد باقر، حقوق مدنی زوجین، تهران، بی نا، ۱۲۴۳.

۷۶. محقّق، مهدی، لسان التّنزیل، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۷۷. محمّد بن عسد، الطّبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ ه .ق.

۷۸. محمّدی اشتهاردی، محمّد، حجاب بیانگر شخصیّت زن، قم، انتشارات ناصر،چاپ اول، ۱۳۷۵.

۷۹. محمّدی ری شهری، محمّد، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۸۰. محمودی، سید محسن، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، قم،انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان(عج)، چاپ ششم ، ۱۳۸۰.

۸۱. محمّدی نیا، اسد اللّه، گزیده ای از بهشت جوانان، انتشارات سبط اکبر علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۸۲. مستر همفر، خاطرات مستر همفر، ترجمه: دکتر محسن مؤیّدی، تهران، مؤسّسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۸۳. مشایخی، مهدی، پاسداران عفّت، قم، انتشارات شفق، بی تا.

۸۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات قرآن کریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ۱۳۶۰.

۸۵. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، انتشارات صدرا.

۸۶. ________________، مجموعه آثار، جلد نوزدهم، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۸۷. ________________، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۰.

۸۸. ________________، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهل و هشتم، ۱۳۷۶.

۸۹. معلوف، لویس، ترجمه المنجد، ترجمه: مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات صبا، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۹۰. معین، محمّد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم،۱۳۶۴.

۹۱. مغنیه، محمد جواد، کاشف، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۸۱ م.

۹۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۲.

۹۳. مهدی زاده، حسین، حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، قم، مرکزمدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۹۴. مهریزی، مهدی، حجاب، تهران، مؤسّسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۹۵. نجفی، محمّد حسین، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیّه، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

۹۶. نجفی جیلانی، یوسف، وسیله العفائف (یا) طومار عفّت، قم، چاپ خانه حکمت، چاپ دوم، ۱۳۳۴.

۹۷. وشنوی، قوام، حجاب در اسلام، ترجمه: احمد محسنی گرگانی، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۹۲ ه . ق.

۹۸. ویل دورانت، لذّات فلسفه؛ ترجمه: عبّاس زریاب، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.

۹۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محقّقان، تفسیر راهنما، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۰۰. هاشمی رکاوندی، مجتبی، مقدّمه ای بر روان شناسی زن با نگرشی علمی و اسلامی، انتشارات شفق، چاپ اول، بهار ۱۳۷۰.

نشریه

۱. اللهیاری، عباس، «چادر می تواند رنگ بهتری هم داشته باشد»، روزنامه ایران.

۲. بهزاد، محمود، «تفاوت های زن و مرد از نظر فیزیولوژی و روان شناسی»، مجله نگین.

۳. خاتمی، فاطمه، «چادر سیاه در بعضی ادارات ملاک ارزشیابی است»، روزنامه ایران.

۴. روان بخش، قاسم، «گامی دیگر برای مبارزه با حجاب»، پرتو سخن.

۵. سعید زاده، سید محسن، «مشاغل زنان در عصر رسالت»، پیام زن.

۶. شیرازی، علی، «نفی رنگ سیاه یا مبارزه با حجاب»، پرتو سخن.

۷. طیّبی، ناهید، «حجاب و عفاف، مروری دوباره»، پیام زن.

۸. عابدینی، احمد، «سیری در آیات حجاب»، مجلّه فقه.

۹. مرتضوی، سید ضیاء، «امام خمینی و الگوی دین شناختی مسائل زنان»، پیام زن.

۱۰. مهدی زاده، حسین، «نقد ادلّه مخالفین چادر مشکی». روزنامه جمهوری اسلامی.

۱۱. ______________، «هم اندیشی منطقی با جوانان درباره لباس»، پرتو سخن.

ص: ۱۹۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹